

دستی از معارف اسلامی

مهدی موعود

از حضرت آیتا... شهید
سید عبدالحسین دستغیب

تنظیم و تصحیح و مقدمه از
استاد سید محمد ناصح دستغیب

ار حضرت آیت...
شہید سید عبدالحسین دستغیب

مہدی موعود

تنظیم و تصحیح و مقدمہ از:
استاد سید محمد ہاشم دستغیب

- * مهدی موعود
- * اثر: شهید سید عبدالحسین دستغیب
- * تنظیم، تصحیح و مقدمه: استاد سید محمد هاشم دستغیب
- * چاپ اول، ۵۰۰۰ جلد
- * چاپ پیام
- * حروفچینی و تنظیم صفحات: ۷ تیر
- * لیتوگرافی: چهار رنگ

انتشارات حمید، ناصر خسرو، کوچه حاج نایب، پاساژ حفظی

اقتدیم به :

نایب لام زمان (عج) ،

ولم امر ،

قلب پندۂ امت شہید پرور و

ہر بر عزیرا نقشب اسلام

حضرت لاجمہ سیر مدظلہ العالی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	پیشگفتار، بقلم استاد سید محمد هاشم دستغیب
۱۷	مصلح جهانی و موعود آسمانی
۱۸	منتقم حقیقی، دلخوشی ستم‌دیده‌ها
۱۸	اهتمام فراوان دربارهٔ مهدی (ع)
۱۹	اوصیای محمد (ص) نیز دوازده‌نفرند
۱۹	همچون آفتاب تشبیه جالب و جامع
۲۰	تابش از پس ابر نیز فایده ویژه دارد
۲۰	اعتقادی فراتر از حس
۲۱	جاذبهٔ ولایت برای حفظ موجودات
۲۱	آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری
۲۲	طول عمر مهدی (ع) در جنب قدرت حق
۲۲	تولدش ابراهیم‌وار و غیبتش همچون موسی
۲۳	یوسف ناشناخته و عیسی مورد اختلاف
۲۳	نوابی که بحق سزاوار نیابت بودند
۲۴	دکان شیادها باید بسته شود

صفحه	عنوان
۲۵	منکر روءیت امام زمان نیستیم
۲۵	کتابهای حدیث و رجال در زمان غیبت
۲۶	متخصص، در هر علم باید اظهار نظر کند
۲۶	نیابت عام بفقهای عدول
۲۷	رواج فساد در آخرالزمان
۲۷	نشانه‌های ظهور و نزدیکی آن
۲۸	مواریث انبیاء و تکرار تاریخ
۲۹	مجهول بودن وقت ظهور و انتظار فرج
۲۹	جریانات پیش از ظهور حضرت
۳۰	معجزات و تشرف خدمت مهدی (ع)
۳۱	زمانی ویژه و برکاتی خاص
۳۲	برکات خدا بر پرهیزگاران می‌بارد
۳۲	آرزوی درک زمان ظهور
۳۳	کتابی عظیم در حجم اندک
۳۴	جمهوری اسلامی زمینه‌ساز انقلاب مهدی (ع)
۳۵	آیا بگذاریم ظلم عالمگیر شود؟
۳۵	تکلیف هرکس محفوظ است
۳۵	نمونه کوچکی از عدل جهانی بسازیم
۳۶	منطق زور برای طاغوتیان است
۳۶	عدل جهانی جز با ظهور مهدی (ع) نمیشود
۳۷	مزاحم ظهور حضرت نیست
۴۱	۱- هزاران روایت درباره حضرت مهدی (ع)
۴۲	آمدن مهدی (ع) حتمی است

صفحه	عنوان
۴۲	نماز خواندن مسیح با حضرت مهدی (ع)
۴۲	نهمین فرزند حسین، مهدی (ع) است
۴۳	برپاساختن عدالت پس از نهایت جور
۴۳	فرقه ضاله و عدل جهانی!!
۴۴	شواهد وجود مهدی (ع) بیشمار است
۴۵	شفای اسماعیل هرقلی بدست حضرت مهدی (ع)
۴۸	کتابهای متعدد در معجزات مهدی (ع)
۴۹	۲- روایتی شیرین در ولادت حضرت مهدی (ع)
۵۵	حضرت مهدی پاسخ هفتاد مسئله را میدهد
۵۵	فشار دربار خلافت و غیبت صغری
۵۶	چهار نفر نایب در ظرف هفتاد و چهار سال
۵۶	ادعای روعیت بقصد نیابت
۵۷	وقت ظهور بر همه پنهان است
۵۷	خوابنامه و نشر اکاذیب
۵۸	معنی آفتاب از غروب طلوع میکند
۵۹	ظهور حضرت با خواب معین نمیشود
۵۹	ناله شوق امام صادق (ع) برای مهدی (ع)
۶۰	پیغمبران پشت سر مهدی (ع) در نماز
۶۱	۳- مردم را سرگردان نگذاشتند
۶۲	رجوع به علماء در زمان غیبت
۶۳	عبادتهای صفوان و رفقاییش
۶۳	کتابهای اخبار در زمان غیبت

صفحه	عنوان
۶۴	بهروایان مذهب رجوع کنید
۶۴	ضرر عالم هوی پرست از لشکر یزید بیشتر
۶۵	نهایت تقوی در فتوی دادن
۶۵	صفوان ریاست طلب نیست
۶۶	انتظار فرج برای خود امام زمان (ع)
۶۶	مقام والای مهدویت
۶۷	سقوط بنی العباس قبل از ظهور
۶۷	خروج سفیانی و دجال از علائم حتمی
۶۸	جنایات سفیانی قبل از ظهور مهدی (ع)
۶۸	خسف بیداء از نشانه‌های حتمی
۶۹	سید حسنی و گنج طالقان
۶۹	پیشرفت و پیروزی سید حسنی
۷۰	مواریث انبیاء نزد مهدی (ع)
۷۰	تاریخ خوارج تکرار میشود
۷۱	قتل نفس زکیه بین رکن و مقام
۷۱	صبحه آسمانی را همه می شنوند
۷۲	ظاهر شدن سر و سینه در خورشید
۷۲	علائم دیگر ممکن است واقع شود
۷۴	۴- زمین خالی از حجت نیست
۷۵	کشاندن بندگان بسوی خدا
۷۵	اول امام ، سپس ماموم
۷۵	اتصال امامت بروز قیامت
۷۶	بی نیازی به برکت نور ولایت

صفحه	عنوان
۷۷	خوشی به برکت قناعت
۷۷	وسائل سریع در خدمت امام زمان (ع)
۷۸	مهدی به اتفاق مورخین، حجة بن الحسن (ع) است
۷۸	تولد مهدی مطابق کلمه نور
۷۹	ملاقات با مهدی (ع) در زمان غیبت
۹۷	نور ولایت در شب تار نورافشانی میکند
۸۵	بیست سال سفر مکه بشوق دیدار مهدی (ع)
۸۳	۵- مژده آمدن مهدی در کتب آسمانی
۸۴	مفاسد اخلاقی از بشر برداشته میشود
۸۵	زمین گنجهایش را بیرون میریزد
۸۵	نیروی قوای بدن در زمان مهدی (ع)
۸۶	دعای امام صادق (ع) در تعجیل فرج
۸۶	ثواب شهادت برای منتظران مهدی (ع)
۸۷	جای شبهه برای کسی نمانده است
۸۷	اصحاب مهدی (ع) بعدد اصحاب بدر
۸۸	ظهورش از مکه و ملائکه یارش میباشند
۸۸	رفع حوائج مردم بوسیله نواب اربعه
۸۹	عمل به احتیاط هم باید بنظر علماء باشد
۸۹	۱۱۵۶ حدیث درباره ظهور مهدی (ع)
۹۵	صیحه آسمانی در ماه رجب و رمضان
۹۵	هیاهوی سفیانی پانزده ماه است
۹۱	دجال، ساحری شوم
۹۱	اهل ایمان را نمی تواند بفریبد

صفحه	عنوان
۹۲	عیسی (ع) در رکاب مهدی (ع)
۹۲	تبلیغات فرقه ضاله در دهات
۹۳	ابوراجح و عمر دوباره
۹۵	ع- منافع امان غائب کدام است؟
۹۶	کتب روائی یادگار ائمه (ع)
۹۶	نزول رحمتها و دفع بلاها
۹۷	فایده آفتاب از پشت ابر
۹۷	ایمان به غیب و امتحان مردم
۹۸	سعی در عبادت و ترک معصیت
۹۹	حاجاتی که به برکت آنحضرت روا می شود
۹۹	سنت پیغمبران در حضرت حجت (ع)
۱۰۰	طول عمر شباهتی با آدم و نوح
۱۰۱	دنیا خانه دو در است
۱۰۱	اصحاب کهف موءید طول عمر مهدی (ع)
۱۰۲	داستان عزیر و الاغش با انگور
۱۰۲	جسدهای مومیائی چطور میماند؟
۱۰۳	علم و قدرت بشر از خدا است
۱۰۳	چشم خفاش، نور آفتاب را نمی تواند ببیند
۱۰۴	آیا اینهمه شواهد کافی نیست
۱۰۵	۷- پنهان ماندن ولادت چون ابراهیم (ع)
۱۰۶	بچه ای که سلطنت نمرود را بهم میزند
۱۰۶	ابراهیم بت شکن متولد میشود

صفحه	عنوان
۱۰۷	ابراهیم تنها در غار رشد میکند
۱۰۷	حکومت طاغوتی را سرنگون میکند
۱۰۸	فرمایش حضرت مهدی (ع) به شیخ صدوق
۱۰۹	اختلاف مردم در سرنوشت عیسی (ع)
۱۰۹	قیام به سیف و استقرار توحید
۱۱۰	ناشناس ماندن همچون یوسف
۱۱۰	سالیان متمادی ناشناخته ماند
۱۱۱	یوسف خودش را معرفی کرد
۱۱۱	مؤمنین به مهدی (ع) یقین دارند
۱۱۲	کافران، محمد (ص) را ندیدند
۱۱۳	وهابیه، سید صاحب تفسیر کبیر را ندیدند
۱۱۴	تا خود امام نخواهد، او را نمی شناسند
۱۱۶	۸- مدعیان دروغین در زمان غیبت
۱۱۷	نشانه های غیر حتمی متعدد است
۱۱۷	میگساری و رباخواری علنی در آخرالزمان
۱۱۹	جنگ سوم جهانی و ذهاب ثلثین
۱۱۹	تسلط زن ها بر امور اجتماعی
۱۲۰	نماینده مهدی (ع) را می کشند
۱۲۰	صیحه های متعدد آسمانی
۱۲۰	چگونگی صیحه بحسب روایات
۱۲۱	لذت منتظران از ندای آسمانی
۱۲۱	دعاء برای تعجیل ظهور لازم است

صفحه

عنوان

	امامت برترین مقامات (مقاله‌ای درباره مهدی موعود)
	از فرزند شهید، و پدر شهید؛
	استاد سید محمد هاشم دستغیب
۱۲۳	امامت برترین مقامات
۱۲۴	خلیفه خدا بودن و همه کمالات
۱۲۵	باید معارف را به مردم برساند
۱۲۵	امامت به ستمگر و گنکهار نمیرسد
۱۲۶	حکومت علوی (ع) و امامت حقیقی
۱۲۶	ولایت تکوینی در امام معصوم
۱۲۸	رب الارض، امام عصر است
۱۲۸	تحولات در کره خاک
۱۲۹	همه موجودات برای امام خاضعند
۱۳۰	ولایت مهدی (ع) بر همه آشکار می شود
۱۳۰	آشکارکننده آیات انفسی امام است
۱۳۱	مردگان کافر به ولایت زنده میشوند
۱۳۲	علوم را ظاهر می فرماید
۱۳۲	استعداد نفوس در فراگیری علوم
۱۳۳	بیرون آوردن بیست و هفت حرف
۱۳۳	حیات مال علم و جهل موت حقیقی است
۱۳۴	علم الکتاب نزد ولی عصر (ع) است
۱۳۵	علم کامل به کتاب تکوینی و تشریعی
۱۳۶	آصف، دانشی از کتاب داشت
۱۳۶	سابق بخیرات امامان معصومند
۱۳۷	قرب کامل در تبعیت از معصوم
۱۳۸	

صفحه	عنوان
۱۳۸	حکومت، رشته* مختصری از ولایت
۱۳۹	دلال بندگان بسوی خدا
۱۳۹	همه* موجودات از امام بهره میبرند
۱۴۰	بسوی خداوند واسطه بگیرید
۱۴۰	معلم خداست اما با واسطه
۱۴۱	بحکم عقل، وجود امام لازم است
۱۴۱	اسم اعظم تکوینی، امام است
۱۴۳	احاطه* امام، نمودار احاطه خدا است
۱۴۴	آب معرفت را به تشنگان میرساند
۱۴۴	نشاندهنده* همه* آیات الهی
۱۴۵	قدرت فوق طبیعی را بکار میبرد
۱۴۵	قدرت موسی در عصا برای آنحضرت است
۱۴۶	آرزوی اولیای خدا برآورده میشود
۱۴۶	حقیقت توحید را در ولایت بجوئیم
۱۴۷	توحید خیالی در غیرولایت
۱۴۸	وجه خدا که اولیاء به آن متوجهند
۱۴۸	جمهوری اسلامی و ولایت فقیه
۱۴۹	نایب الامام را دریابید
۱۴۹	حوادث واقعه، موضوعات خارجی است
۱۵۰	حکومت دین با زور نمیشود
۱۵۰	پس مردم خودشان میخواهند
۱۵۱	تحول عجیب در انقلاب اسلامی ایران
۱۵۱	آیات آفاقی و انفسی در انقلاب

مقدمہ:

استاد سید محمد ہاشم و تنغیب

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

مصلح جهانی و موعود آسمانی

در این کتاب صحبت از شخصیتی والا است که از اولین و آخرین منحصر است و دارای ویژگی‌هایی است که خداوند او را به آن امتیاز داده است.

آن آقایی که علاوه بر جهات ولایت تکوینی و خلافت الهی دارای سلطنت حق و حکومت مطلق بر کرهء خاک خواهد شد و دولتی جهانگیر تشکیل میدهد که در آن جز صدق و راستی، صفا و صمیمیت، گذشت و فداکاری، دوستی و احسان وجود ندارد.

شخصیتی والا که همهء آشوبها و فتنهها؛ نیرنگها و خود-

خواهی‌ها را محو می‌فرماید و بعنوان "مصلح جهانی" از اول آفرینش بشر، موعود آسمانی بوده و همه پیغمبران، امت خود را به مقدم شریفش مژده میدادند.

منتقم حقیقی، دلخوشی ستم‌دیده‌ها

ستم‌دیده‌ها به این دلخوش بودند که بالاخره روزی منتقم حقیقی می‌آید و داد ستم‌دیده‌ها را از ستمگران خواهد گرفت و با انقلاب جهانی خود؛ مستضعفین را بر مستکبرین خواهد کرد. متدینین هم که از بیدینی‌ها؛ فسق و فجورها رنج می‌برند با یادآوری زمان ظهورش بخود تسلی می‌دهند و راستی چه مولود مسعودی است که یادش تسکین بخش آلام دردمندان است. در شخصیتش همین بس که درهمه کتابهای آسمانی به آمدنش مژده داده شده و خداوند دولتش را صالحین و ارث زمین شمرده است و آنرا مقدر حتمی خوانده است.

اهتمام فراوان درباره مهدی (ع)

سروری عظیم الشان که از جدش خاتم الانبیاء (ص) و از آباء عظامش صدها روایت در نام و لقب و کنیه و شکل و اخلاق و خصوصیات زندگیش و غائب و ظاهر شدنش رسیده است و چه اهتمام زیادی که به آن سرور داده‌اند و چه عظمتی دارد که اینقدر درباره‌اش بحث فرموده‌اند.

آری هرگز نمیشود زمین از حجت خدا خالی باشد زیرا غرض از آفرینش، آشنا ساختن مردم به یکتاپرستی است. این همه دستگاه عظیم خلقت برای این است که افرادی پیدا شوند و از روی معرفت

به یکتائی خداوند اقرار نمایند و از شوق محبتش او را بپرستند.

اوصیای محمد (ص) نیز دوازده نفرند

راهنمایی مردمان به این وظیفه و کیفیت پرستش را حجت خدا عهده دار است؛ چگونه میشود زمین خالی از حجت باشد و حال آنکه حجت چنین وظیفه‌ای که زمین و آسمان بخاطر آن آفریده شده‌اند دارد.

خداوند چنین مقدر فرموده که تعداد اوصیای حضرت خاتم الانبیاء (ص) همچون بعضی از انبیای سلف دوازده نفر باشند و چون دین اسلام ابدی و تا قیام قیامت پایدار^۱ و پس از آن هرگز دینی نخواهد آمد، لذا راهنمایی که باید مردمان را رو به خدا بکشاند اینطور مقدر فرموده که عمرش طولانی و به طرز ویژه‌ای زندگی نماید.

همچون آفتاب، تشبیه جالب و جامع

اینجا است که این سؤال پیش می‌آید پس فائده^۲ امام غائب چیست؟ همانطور که جابر از پیغمبر (ص) پرسید و پاسخی که شنید او را ساکت کرد که همچون آفتاب از پس ابر.
و راستی چه تشبیه جامع و جالبی!! مگر منافع آفتاب به تابش مستقیم بر روی کره^۳ خاک منحصر میشود؟

۱- مدارک این مطالب مشروحاً "در بحث نبوت شهید آیت الله دستغیب بچاپ رسیده است.

تابش از پس ابر نیز فایده ویژه دارد

بطوری که حساب کرده‌اند مقدار انرژی که از آفتاب به منظومه‌اش که زمین ما یکی از آنهاست میرسد دو میلیارد انرژی است که از آفتاب صادر میشود.

حال اگر بر بخشی از کرهٔ خاک نورش مستقیماً "نتابید بلکه از پس ابر نورافشانی کرد، از هزاران خاصیت و فایده دیگرش نمی‌توان چشم پوشید حتی همین تابش از پس آفتاب نیز منافی دربر دارد که در تابش مستقیم نیست.

به برکت همین غیبت وجود شریفش، به این معنی که مردمان او را نمی‌شناسند چه بهره‌ها که به آنها میرسد.

اعتقادی فراتر از حس

ایمان به غیب که نهایت ارزش را دارد برای آنانکه اهل ایمانند حاصل میشود چقدر باورداشتن بدون دیدن ارزشمندتر است و راستی اسباب امتحان برای مدعیان ایمانست. آنانکه اعتقادشان از حس، دیده و گوش، فراتر نمیرود ضعف استعدادشان آشکار گردد و آنانکه عقلشان فراتر از حسشان است نیز معلوم گردند.

آیا برکتی از این بهتر که معتقدین به قرآن که باورشان است اعمالشان را گواهی چون امام عصر (ع) است از ارتکاب معصیت چشم میپوشند و به اعمال شایسته روی می‌آورند.

منفعتی از این پربارتر که با توجه به علم و قدرتش که رشته‌ای از علم و قدرت حق است در شدائد و مشکلات به او متوسل میشوند و رفع شدت و سختیشان را از خداوند به واسطه او میخواهند و

تمنایشان را از او مسئلت مینمایند.

جاذبه ولایت برای حفظ موجودات

اصلاً "وجود آفتاب برای حفظ منظومه‌اش لازم است اگر آفتاب نباشد، کجا زمین و مریخ و مشتری، زهره و زحل، عطارد و نپتون و شاید بعضی کرات دیگر و اقمارشان برقرارند؟ اگر آفتاب وجود مبارک مهدی (ع) نباشد، کی این نفوس بشر و انواع موجودات در کره‌ء ارض میتوانند بمانند در حالیکه جاذبه‌ء ولایتش آنها را نگهداشته است.

چه رحمتها که به برکتش نازل و چه زحمتهای که از تصدق وجود مبارکش برداشته میشود.

و راستی هر چه بیشتر در تشبیه‌جوش پیغمبر (ص) فرو می‌رویم، به حقایقی گسترده‌تر آشنا می‌شویم و این تعبیر را از جمله "جوامع الکلم" آن حضرت می‌توان بشمار آورد که در لفظ اندک معانی بسیاری که از مبدء وحی سرچشمه گرفته است گنجانیده است. اینها مطالبی است که صفحاتی چند از این کتاب را شامل می‌شود.

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

در بخش دیگری از این کتاب روایتی از حضرت سجاد (ع) مورد بحث قرار می‌گیرد که برای حضرت مهدی (ع) سنتهای از انبیای گذشته ذکر می‌فرماید.

از آن جمله در طول عمر، با حضرت نوح تشبیه میشود که عمری دو هزار ساله داشت و به مناسبت اهمیت مطلب و دفع پاره‌ای از

شبّهات و اشکالاتی که کم و بیش مطرح می‌شود این بحث را مشروحاً مطرح مینماید.

طول عمر مهدی (ع) در جنب قدرت حق

از اصحاب کُهِف و زنده ماندنشان به نص قرآن مجید بمدت سیصد و نه سال و سپس باقیماندنشان بحسب روایات تأیید می‌آورد.

از داستان عزیر و یکصد سال مردنش و زنده شدن الاغش و تازه ماندن انگورش در ظرف یکصد سال حسب قرآن مجید برای جوان ماندن حضرت مهدی (ع) شاهد می‌آورد.

از جسد های مومیائی شده فراعنه و تازه ماندنش بخاطر دانشی که از خواص موجودات پیدا کرده استفاده مینماید که خداوند آفریننده بشر و موجودات که همین دانش بشر نیز از او است بهر چیزی دانا و تواناست و هیچ چیزی در جنب قدرتش مشکل نیست.

تولدش ابراهیم وار و غیبتش همچون موسی

سپس پنهان ماندن ولادتش را همچون تولد حضرت ابراهیم خلیل الرحمن میدانده نمرد، طاغوت زمان خواست از پیداشدنش جلوگیری کند و نتوانست و در غاری رشد کرد و عاقبت بتها را شکست و طاغوت را درهم کوبید.

غائب شدنش از انظار را به قضایای حضرت موسی (ع) تشبیه میکند که غیبت های متعدد کوتاه و طویل داشت و بطور کلی از غیبت هر پیغمبری یاد میکند که شیخ صدوق در کتاب "غیبت" خودش که به اشاره آن حضرت نوشته است یاد آور شده است.

یوسف ناشناخته و عیسی مورد اختلاف

ناشناخته ماندنش را در میان مردم به یوسف تشبیه میکند .
میدانیم که یوسف صدیق سالیان متمادی در میان مردم مصر ومدتی
نیز با برادرانش بود با آنها آمیزش و گفتگو داشت ، او را میدیدند
و با او سخن می گفتند اما او را نمی شناختند .

حضرت مهدی (ع) نیز این سنت را از یوسف دارد و مرویست
پس از ظهور آن حضرت مردم می گویند شگفت این همان آقائی است
که در میان ما بود ، با او نشست و برخاست میکردیم و می گفتیم و
می شنیدیم ولی او را نمی شناختیم .

و همچون عیسی که مردم در سرنوشتش مختلف شدند گروهی
او را به دارزده می پنداشتند و برخی معتقد به زنده بودنش شدند
درباره آن بزرگوار نیز مردمان به اختلاف افتادند و جز آنان که
خداوند دلپایشان را به ایمان امتحان فرموده باشد و بر آنها منت
گذاشته و نعمتشان داده باشد بر اعتقادش ثابت نمی مانند .

برای شاهد مطلب مواردی نیز نقل مینماید از آنجمله کافرانی
که میخواستند پیغمبر (ص) را بکشند اورا ندیدند و در زمانی نه چندان
دور که وهابیه به کربلا سیریزند و سید بزرگوار صاحب تفسیر کبیر را
میخواهند قطعه قطعه کنند او را نمی بینند .

نوابی که بحق سزاوار نیابت بودند

در بیشتر روایات مربوط به آن بزرگوار از دو غیبت کوچک و
بزرگ آن حضرت سخن میرود .

در مدت هفتاد و چهار سال غیبت صغری ، چهار نفر از بهترین
افراد و موثق ترین شیعیان فرامین آن سرور را به دوستانش می -

رساندند و درخواستهای آنان را به سمع مبارکش عرضه می داشتند .
این شخصیت ها عبارتند از جناب عثمان بن سعید و محمد بن
عثمان و حسین بن روح و محمد بن علی سمری که هر کدام دارای
کرامات و فضائل بسیاری میباشند که بحق شایسته نیابت از آن
وجود گرامی بودند.^۱

دکان شیادها باید بسته شود

طبق آخرین نامه حضرت مهدی (ع) به نایب چهارم، نایب
خاص و سفارت از طرف حضرتش برای همیشه منتفی شده و به اصطلاح
غیبت کبری که شروع شد دیگر کسی آن حضرت را بعنوان نمایندگی
و ابلاغ دستوراتش به دیگران، نمی بیند .

مخصوصاً " در این موضوع ، شهید بزرگوار آیت الله دستغیب
تاکید فراوانی می فرماید : مبادا افراد ساده لوح فریب شیادها را
بخورند و باید راه مذهب سازی و دکان بازکردن بسته شود .
خوابنامه هایی که یک گاه ارزش ندارد موجب این نشود که
برای آریامهرها کشف و کرامت درست شود و به نام امام زمان (ع)
را بگویند .

۱- در سخنرانیهای جالبی که شهید محراب حضرت آیت الله سید عبدالحسین
دستغیب داشت کرامات و خوارق عاداتی که از هریک از این چهار نایب
خاص حضرت ولی عصر (ع) دیده و شنیده شده مطرح فرموده ولی متأسفانه
نوشته های مزبور مفقود است ، امید است با پیدا شدن آنها در تجدید چاپ
این اثر نفیس از آنها نیز استفاده گردد .

منکر رویت امام زمان نیستیم

البته بهیچوجه منکر رویت حضرت صاحب الامر (ع) نیستیم و نمیگوئیم هیچکس خدمت امام (ع) نمیرسد یا آقا را هم اگر دید نمی شناسد بلکه ممکن است او را ببینند و بشناسند و با او سخن بگویند و از ایشان استفاده نمایند همانطور که دیده و شنیده و گفته و استفاده ها کرده اند و خود همین افرادی که خدمت حضرت رسیده و گواهی داده اند و از صالحین روزگار نیز میباشند یکی از دلیلهای محکم بر وجود آن سرور عزیز است.

آنچه مورد نظر و تاکید است؛ دعوی ملاقات بعنوان سفارت و نیابت و تبلیغ دستور به شیعیان است که طبق نص توقیع مبارک آن حضرت این موضوع منتفی است و مدعیش دروغگو و مفتری است. مدعیان دروغین نیز بسیار و جاه طلبان و شهرت پرستان که همیشه بوده اند از این موقعیت سوء استفاده ها کرده و احیاناً خواهند کرد. خود مردم باید هشیار باشند و به گزافه گوئیهایشان گوش ندهند.

کتابهای حدیث و رجال در زمان غیبت

در زمان غیبت کبری از نظر وظائف شرعی و تکلیف حرام و حلال چیزی فروگذار نشده است.

اولاً "مدارک احکام که از طرف اهل بیت (ع) به یادگار گذاشته شده در ظرف چندین قرن بحث و تحقیق کافی درباره اش انجام گرفته است. روایات صحیح از سقیم، جدا و احادیث قوی از ضعیف ممتاز شده است راویان خوب از دروغگویان تشخیص داده شده و با نوشتن کتاب رجال قدمی شایسته در این زمینه برداشته شده است.

لذا از جهت مدارک فقهی رفع نیاز جامعه و اتمام حجت به آنها شده است .

متخصص، در هر علم باید اظهار نظر کند .

چیزی که مهم است این است که هرکس نباید بخود این حق را بدهد که از متن روایات استفاده فقهی نماید .

آیا هر یک از ما که به علم طب وارد نیستیم بخود اجازه نسخه نویسی و طبابت میدهیم ؟ هرچند بتوانیم نام بعضی از بیماریها و داروی آنها بخوانیم و چیزی هم سر در بیاوریم .

علم دین و رشته فقه از این قاعده مستثنی نیست و هرکس نباید بخود این حق را بدهد که هرچه در کتابهای اصولی دید فوراً به فهم ناقص خودش مطلب را پیاده نماید بلکه برای غیرمتخصصین رجوع به متخصصین واجب است .

نیابت عام به فقهای عدول

چون برداشت هرکس از مدارک نمیتواند راهنمایان باشد لذا به فقهاء عظام مردم را حواله داده اند آنها که متخصص این فن میباشند و عمری را در راه فهم اخبار آل محمد (ص) گذرانیده اند .

باز هم نظر ژرف و عاقبت نگری اهل بیت وحی و عصمت را در این حواله دادن مینگریم ، مبادا گرگهائی به لباس چوپان در آیند و با مارک فقاقت مردم را به دنیا پرستی و ریاست طلبی و شهرت خواهی و خلاصه شرک حقیقی سوق دهند به جای اینکه مردم را از خدا ترس و مؤمن و مؤدب به اخلاق اسلامی بار بیاورند ، آنان را خودخواه و پول پرست تربیت کنند لذا شرائط ویژه ای برای آن عالم

ذکر فرموده‌اند.

از آن فقیه‌ی باید پیروی کرد که به تمام معنی وارسته باشد، خود نگهدار و دیندار، مخالف هوای نفس و پیرو امر مولایش باشد؛ اصلاً "تقلید از عالم بدون تقوی به این معنی ذکر شده جایز نیست تا چه رسد به این که صحیح باشد و در این کتاب میخوانیم که زیان عالم هوی پرست از لشکر یزید که آن جنایت را در کربلا مرتکب شد برای اجتماع اسلامی بیشتر است.

لذا نهایت تقوی را در فتوی شرط میدانند و از قول حضرت صادق (ع) در تعریف از صفوان میگویند که او ریاست طلب نیست.

رواج فساد در آخرالزمان

در بخش دیگر این کتاب از بعضی از علائم آخرالزمان که در هنگام غیبت کبری واقع می شود خبر میدهد، از رواج فحشاء و فساد در زمین، از میگساری آشکار و رباخواری رسمی نقل میکند، مطالبی که برای پیشینیان از عجائب و باور نکردنی بوده است اما برای کسانی که در این دوره زندگی میکنند، امری عادی بشمار میرود.

نشانه‌های ظهور و نزدیکی آن

درباره نشانه‌های آخرالزمان در جاهای متعدد این کتاب و در هرجائی بخشی از آن نقل میشود بطوریکه تکراری نیست و مطلب تازه‌ای یادآوری میگردد.

از قضایائی که قبل از ظهور آن حضرت واقع میشود که آنرا به دو نوع تقسیم نموده‌اند علائم حتمی و غیر حتمی بحث میکند. از انقراض بنی عباس به عنوان یک مژده برای شیعیانی که منتظر

دولت حق بوده‌اند خبر میدهد.

نشانه‌های حتمی ظهور آنحضرت را صیحه‌های آسمانی و خروج دجال و سفیانی و خسف بیداء و قتل نفس زکیه بین رکن و مقام و خروج سید حسنی را مقارن با ظهور آن حضرت شرح می‌دهد و مخصوصاً "یادآور می‌شود که هیچیک از علائم حتمی قریب‌الوقوع به‌زمان ظهور آن بزرگوار واقع نشده است هرچند از نشانه‌های غیر حتمی تعداد قابل ملاحظه‌ای تحقق یافته است.

مواریث انبیاء و تکرار تاریخ

از نکته‌های جالب که در این کتاب شریف به‌چشم می‌خورد تذکر به‌این دو مطلب برای شناسائی بیشتر مقام مهدی (ع) است یکی آنکه مواریث انبیاء و ائمه هدی نزد آن حضرت میباشد عصای موسی که آنهمه معجزات از آن آشکار میشد هم‌اکنون با آن حضرت است و مروی است که در زمان ظهورش آن را به‌سنگی می‌زنند و نان و آب همراهانش را به‌اعجاز تأمین می‌فرماید.

عمامه محمد (ص) و ذوالفقار علی (ع) زره داود از جمله مواریث انبیاء و اولیاء است که نزد آن بزرگوار میباشد.

نکته دوم تکرار تاریخ صدر اسلام در زمان آن حضرت میباشد همان‌طور که یزید پلید لشکریانی به‌مدینه و مکه فرستاد مدینه را غارت و قتل عام کرد و در صدد خراب کردن کعبه برآمد نواده‌اش سفیانی نیز در زمان قریب به‌ظهور آن حضرت چنین جنایاتی را مرتکب می‌شود.

از طرف دیگر همان‌طور که از لشکریان جدش حضرت امیر-المؤمنین عده‌ای بعنوان خوارج شورش کردند و جز اندکی بسزای

جنایتشان رسیدند گروهی از لشگریان سید حسنی که در حدود چهار هزار نفر به عدد خوارج نهروان هستند بر حضرت مهدی (ع) خروج میکنند و بدست آنحضرت بهلاکت میرسند و راستی تاریخ تکرار میشود.

مجهول بودن وقت ظهور و انتظار فرج

از نکات جالب دیگر که در این کتاب شریف جلب توجه می کند مجهول بودن وقت ظهور آن حضرت است که احدی از وقت دقیق آن اطلاع ندارد.

مطابق بعضی از روایات برخود آن حضرت نیز وقت آن معلوم نیست و از علوم ویژه خداوندی شمرده شده است و چه جالب در این کتاب علتش را احتمال داده است.

انتظار فرج از بزرگترین عبادات است که شخص همیشه و در هر حال دل به لطف خدا ببندد و به رحمت و فرجش امیدوار باشد. این عبادت بزرگ نیز برای حضرت صاحب الامر (ع) میباشد که منتظر فرج الهی به ظهور خودش باشد.

جریانات پیش از ظهور حضرت

در بخشهایی از این کتاب از وقوع فجایعی پیش از قیام مهدی (ع) خبر میدهد از خروج سفیانی و جنایاتی که در شامات و عراق و حجاز مرتکب میشود از قتل و غارت و حشتناک شیعیان و فساد که در این منطقه حکمفرما می شود خبر می دهد.

از دجال، این ساحر شوم که جز موءننین ثابت قدم دیگران در دام سحرش اسیر می شوند و نغمه های شیطانیش یاد می کند. از خسف بیداء به زمین فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین

بیداء مابین مکه و مدینه و خصوصیات آن را شرح می دهد .
از قیام سید حسنی از قزوین و پیشرفت کارش در راه اصلاح
و مسلط شدنش بر بسیاری از بلاد و تسلیم حضرت مهدی (ع) شدنش
خبر می دهد .

از گنج طالقان و افراد زنده‌ای که با سید حسنی و سپس با
حضرت مهدی (ع) هستند و از سیصد و سیزده نفر افراد نخستین
که خود را به آن وجود مبارک می‌رسانند و به عدد اصحاب پیغمبر (ص)
در جنگ بدر می‌باشند صحبت میکند .

از فساد بسیار و کشتار فوق‌العاده‌ای که از آن به موت احمر
تعبیر می‌شود و ذهاب ثلثین یعنی دو سوم افراد بشر از بین می‌روند
و احتمالاً " جنگ سوم جهانی با اسلحه‌های مخرب روز " خبر می‌دهد .

معجزات و تشریف خدمت مهدی (ع)

از معجزات حضرت مهدی (ع) در ضمن داستان شیرین ابوراجح
حمامی و همچنین اسماعیل هرقلی که در کتابهای معتبر نقل شده
بحث می‌کند و با عنوان کردن این قبیل داستانها معجزات آنحضرت
را در ضمن حلاوت داستان با بیانی جذاب می‌رساند که شنونده و
خواننده را نه تنها ملال نمی‌گیرد بلکه با شوق بیشتر آنرا می‌شنود
و می‌خواند و دوستی آن حضرت در دلش شکوفاتر می‌شود .

از شوق پسر مهزیار اهوازی به زیارتش که بیست سفر حج به این
قصد می‌رود و عاقبت به هدف میرسد ؛ شیرین سخن می‌گوید .

از حدیث شیرین ولادت آنحضرت و داستان مادرش نرجس
خاتون صحبت می‌کند و از پاسخ دادن به هفتاد مسئله در کودکی

در زمان پدرش خبر می دهد .

زمانی ویژه و برکاتی خاص

زمان ظهور از برکات خاصی برخوردار است و به فرموده شهید بزرگوار ما "خداوند این قطعه از زمان را به این ویژگیها اختصاص داده است" که به بعضی اشاره می شود .

از برکات ظهور موفور السرور امام مهدی (ع) مفاسد اخلاقی از بشر برداشته میشود چون عقول رشد می کند و به مضمون فرمایش حضرت باقر (ع) هنگامی که قائم ما ظاهر می شود خداوند دست لطفش را بر سر بندگان می گذارد (نظر رحمت خاصی به بندگان می فرماید) و عقل هایشان کامل میگردد.^۱

در نتیجه وقتی فنای دنیا را پیش چشم داشت و بقاء آخرت را متوجه بود وقتی موهوم بودن و اعتباری بودن تجملات و شهوات دنیوی را فهمید و حقیقت داشتن آخرت را باور کرد، کجا به این زرق و برقها دل می افکند؟

لذا به برکت ظهور آن حضرت که خداوند عقلها را کامل میگرداند، مفاسد اخلاقی بخودی خود ریشه کن می شود از حقد و حسدها، کینه و عداوتها دیگر خبری نیست .

اخوت اسلامی و برادری ایمانی جای دشمنیهای بیجا را میگیرد و همکاری و صمیمیت، فداکاری و محبت جای درگیریهای واهی را.

۱- اصل حدیث و شرح آن در ضمن نوشته های شهید آیت الله دستغیب در آخر کتاب ۸۲ پرسش چاپ چهارم به بعد که پس از شهادت آن بزرگوار منتشر گردید آمده است .

برکات خدا بر پرهیزگاران می بارد

در این شرایط است که به مضمون آیه^۱ شریفه: "واگر اهل قریه‌ها ایمان بیاورند و تقوی بورزند؛ درهای (برکات) آسمانها را بروی آنان باز می‌کنیم." ^۱

خداوند توسعه^۲ فوق‌العاده‌ای که تا آنروز در کره^۳ زمین سابقه نداشته است؛ برای آنان فراهم می‌فرماید.

اینجا است که به مضمون بسیاری از روایات پی می‌بریم که می‌فرماید زمین گنجهایش را به تمام بیرون میریزد و گوشه‌ای از زمین بدون سبزی و کشت و زرع نمی‌ماند، مردمان در آن روزگار از قوای بیشتر و نیروی خدادادی برخوردارند، چشمها و گوشها خیلی حساستر می‌شود، با دست قطعه کوه را می‌کنند و از این قبیل مطالب چون تقوای فردی و اجتماعی را بر آنان نازل می‌فرماید.

مخصوصاً "به برکت قناعت؛ دیگر حرص نمی‌زنند و به آنچه خداوند برایشان خواسته، راضی و دلخوشند لذا زندگیشان را به خوشی می‌گذرانند.

آرزوی درک زمان ظهور

اینک پی به آرزوی بزرگان و خوبان برای درک چنین روزگاری می‌بریم، چه روزگار سعادت‌ی که از هر طرف بنگری؛ نور امام (ع) می‌تابد و آثار وجودی ولایتش عالم را فرا گرفته است "اللهم انا

(۱) و لو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض
سوره اعراف ۷، آیه ۹۶.

نرغب الیک فی دولة کریمه تعزبها الاسلام و اهلہ و تذلل بها النفاق و اهلہ " خداوند ما خدمت حضرتت اظهار میل می کنیم نسبت به آن دولتی که به برکت آن، اسلام و مسلمین را عزیز میگردانی و نفاق و منافقین را ذلیل می سازی. خداوند ما آرزوی درک زمان ظهور حضرت مهدی (ع) موعود آسمانی و منتقم حقیقی را داریم.

و راستی چه خوش فرموده است شهید محراب که چقدر برای منتظران آن حضرت لذتبخش است هنگامی که منادی الهی و صیحه آسمانی بلند می شود که این مهدی (ع) است، پسر امام حسن عسکری است، چه نشاطی پیدا میکنند آنان که آرزوی شنیدن چنین نغمه مسرت بخشی را داشتند.

بیخود نیست که امام صادق (ع) ناله شوق سر می دهد و دعا برای تعجیل ظهورش میکند و بما می آورد که حتما " برای تعجیل فرجش دعا کنید و نگوئید " المقدر کائن " آنچه خداوند تقدیر فرموده است میشود؛ بلکه چه بسا به برکت دعای مؤمنین، ناله مشتاقان، خداوند فرجش را نزدیکتر فرماید.

کتابی عظیم در حجم اندک

اینک خواننده عزیز که تا اینجا ما را همراهی می کردی، خودت انصاف بده با این تحلیل مختصری که از مطالب این کتاب خواندی، چقدر مطلب جالب و شیوا در حجم اندک در این کتاب نهفته است و راستی کتابی عظیم را تشکیل میدهد که نور ولایت مهدی (ع) را در دلها می تابد.

روانش شاد که خدا چه برکتی به عمرش داد که از سخنانی که در نزدیک سی سال قبل گفته، امروز اینگونه مردم بهره مند می شوند

و چه اخلاصی در عملش نهفته بوده که خداوند این چنین به گفته‌ها و نوشته‌هایش ترتیب اثر می‌دهد.

آنچه ملاحظه می‌فرمائید در تحت هشت عنوان از سخنرانیهای آن بزرگوار جمع‌آوری شده در حالی که شاید یکدهم آنچه آن بزرگوار دربارهٔ حضرت مهدی (ع) سخنرانی فرموده نیست و ای‌کاش رفقای به فکر بودند گوهرهایی که از دهان مبارکش بیرون می‌آمد جمع‌آوری می‌کردند و نگه میداشتند. باشد که نسلهای آتیه از این خرمن پر بهره ببرند.

جمهوری اسلامی زمینه‌ساز انقلاب مهدی (ع)

سخن بدر از کشید ولی یک مطلب را نمی‌توانم ناگفته بگذرم. چند روز قبل یک نفر می‌پرسید مگر نه روایات متعدد داریم که حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه وقتی ظهور می‌فرماید که زمین پر از ظلم و جور شده باشد آنوقت حضرت زمین را پر از عدل و داد می‌کند؟ گفتم چرا، اما مهلتش ندادم دنبالهٔ پرسش خود را بیاورد، زیرا این سؤال از پیش از پیروزی انقلاب نیز از حلقومهایی که معلوم بود از کجا تغذیه می‌شود؛ بیرون می‌آمد. آنان که در کوری گرفتارند و حاضر نیستند دستشان را بچشم‌داری بدهند تا آنها را ببرد بلکه خودشان را بینا تر از دیگران می‌بینند. حالا که گفته شده امام زمان در وقتی که زمین پر از ظلم و جور است ظهور میکند تا عدل را برقرار کند آیا معنیش این است که ما دست روی دست بگذاریم و تماشاگر جنایت جنایتکاران باشیم در حالی که به فرمودهٔ شهید، آیت‌الله دستغیب جمهوری اسلامی زمینه‌ساز حکومت مهدی (ع) است.

آیا بگذاریم ظلم عالمگیر شود؟

یا بگفته آن جاهل باید کار را خرابتر کرد تا حضرت زودتر بیاید، پس چرا به عنوان طرفداری از مذهب حق با حزب منفور ضاله خود در ضلالت و دیگران را نیز به ضلالت بکشانند و کار را خرابتر بکنند شاید حضرت زودتر آمد.

آیا وظیفه ما این است که بگذاریم ظلم عالمگیر شود تا امام زمان (ع) زودتر ظهور بفرماید؟

تکلیف هرکس محفوظ است

آیا امر بمعروف و نهی از منکر در زمان غیبت بخاطر آمادگی برای ظهور حضرت باید متروک بماند و وظیفه در زمان غیبت خرابتر کردن وضع است؟ یا تکالیف الهی سر جای خودش محفوظ بوده هر کس موظف است به وظیفه شرعی خود عمل کند و به بهانه آمادگی برای ظهور، از زیر بار بسیاری از تکالیف شانه خالی نکند.

بلکه علاوه بر انجام وظائف فردی با همیاری دیگران حکومت اسلامی تشکیل دادن و نمونه عدل اسلامی را پیاده کردن و با این کار الگو برای سایرین باشد وظیفه است چرا از قطب مثبت تعیین وظیفه نمی کنید؟!

نمونه کوچکی از عدل جهانی بسازیم

هیچکس ادعا نکرده که جمهوری اسلامی حکومت صد در صد عدل الهی را پیاده کرده یا بتواند پیاده کند اما این را می توان ادعا نمود که بحسب ظاهر تا آنجا که ممکن است میشود با درست

پیاده کردن احکام اسلام نمونه و الگوئی برای سایر ممالک گردید و آنها را به حقانیت و قابل اجرا بودن این احکام در این شرائط زمانی آشنا ساخت تا مردم دنیا خودشان با شوق روبه مصالح جهانی بیاورند و با دل و جان اطاعتش را گردن نهند.

منطق زور برای طاغوتیان است

اشتباه این آقایان در این است که خیال کرده اند حضرت مهدی (ع) با زور بر جهانیان مسلط می شود، نه چنین است بلکه جهانیان عاقل می شوند، خودشان درک می کنند حکومت عدل مهدی برایشان از حکومتی بهتر است لذا بطوع و رغبت زیر پرچمش می روند و حضرت تنها گردنکشان و طاغوتها و یاورانشان را که خار سر راه اسلام و مسلمین هستند و به هیچ زبانی حاضر به همکاری با توده مردم نیستند از میان بر میدارد.

عدل جهانی جز با ظهور مهدی (ع) نمیشود

ما میدانیم که عدل جهانی جز با ظهور حضرت حجت برپا نمیشود و هیچکس چنین ادعائی نکرده که میتواند عدل اسلامی را در جهان حکمفرما سازد.

آنچه در توان ما است این است که بکوشیم احکام قرآن را پیاده کنیم اینقدر توسری خور آریامهر و اربابش نباشیم اما دیگر بر دلها تسلط نداریم که حتما "نور ایمان را در آنها بتابانیم یا در گوشه و کنار، خلوت و جلوت از ستم ستمگران جلوگیری کنیم.

مزاحم ظهور حضرت نیست

خاطر این قبیل آقایان جمع باشد که جمهوری اسلامی مزاحم ظهور حضرت مهدی (ع) نیست بلکه پیشتاز و زمینه‌ساز آن است آیا ما توانسته‌ایم در این مدت عدل را در کشور خودمان برقرار کنیم که آقایان دلشان برای تأخیر ظهور میسوزد چقدر خونها که در این چهار سال بناحق ریخته شده از آنجمله خون شهید موفف محترم این کتاب و حدود چهل کتاب دیگر و هزاران شهیدی که کشته منافقین یا کفار بعثی در جبهه‌ها و خراب شدن هزاران خانه در مناطق جنگی و آواره شدن میلیونها نفر در اطراف.

آیا هنوز ما گرفتار ظلم ظالمین نیستیم که آقایان میترسند این جمهوری مزاحم ظهور حضرت باشد؟ ظلم آمریکا بر ما بیشتر شده و ظلم شوروی بر افغانستان و ظلم هردو بر عراق و ظلم ابرجنایتکاران بر دنیا.

در داخل کشورمان از دست بعضی از قضات و عاملین اجزاء چه ستمهایی که از روی عمد یا سهو، علم یا جهل رزده و میزند.

شیراز بتاریخ فروردینماه ۶۲

سید محمد هاشم دستغیب

مہدی موعودؑ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱

هزاران روایت، درباره حضرت مهدی (ع)

در موضوع های دینی کمتر موضوعی چون اثبات وجود و ظهور حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه مطرح شده و درباره اش روایت رسیده است .

از طرق مختلف بیش از یک هزار حدیث بطریق شیعه از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده و بیش از این مقدار، از طریق سنی رسیده است به قسمی که بعضی از علمای عامه کتابهایی در این مورد نوشته اند، از آن جمله محمد بن طلحه شافعی کتاب البیان را در اخبار آخر الزمان و امام عصر عجل الله تعالی فرجه نوشته است . همچنین ابن صباغ مالکی کتاب فصول المهمه و دیگری تذکره الائمة و غیره را نوشته اند و روایات متعددی را نقل نموده اند که به بعضی اشاره میشود :

آمدن مهدی (ع) حتمی است

روایت شریفی که اکثر مؤلفین عامه نقل کرده‌اند این است که پیغمبر اکرم (ص) فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، هر آینه خداوند آن روز را طولانی می‌فرماید تا بیرون شود فرزندی از اولاد من که نامش نام من است و زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.^۱

نماز خواندن مسیح با حضرت مهدی (ع)

در حدیث دیگر که نزد عامه نیز معتبر است فرمود: ای مسلمانها چگونه اید هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما باشد در حالی که امامتان میان شما است.^۲

از جمله مطالب قطعی در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) نزول مسیح از آسمانها است که در رکاب حضرت حاضر میشود و پشت سر آن حضرت نماز میگذارد و مروی است که بسیاری از نصاری پس از نصاری پس از این ماجرا مسلمان میشوند چون می‌بینند پیغمبرشان با امام مسلمین نماز میگذارد.

۱- لو لم یبق الدهر الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یشترک رجل من ولدی اسمہ اسمی یملاء الارض قسطا " وعدلا ". " بعد ما ملئت ظلما " وجورا ".
"نقل بمضمون در ۱۳ بحار و کشف الغمه و غیره.

۲- کیف انتم و عیسی بن مریم فیکم و امامکم بینکم . " مدارک متعدد در کتب مربوطه " .

نهمین فرزند حسین، مهدی است

از جمله روایاتی که از رسول خدا (ص) در مورد حضرتش رسیده آن است که فرمود: مهدی از اولاد حسین (ع) است. و در روایت دیگر تصریح میفرماید که نهمین فرزند حسین (ع) است؛ برای او دو غیبت است، پنهان شدن کوچک و پنهان شدن بزرگ. در زمان غیبت کبرایش زمین پر از ظلم و جور میشود. هنگامی که ظهور میکند، ابری بالای سر او است و ندا میکند این است "مهدی موعود" و بر روی زمین نمی ماند مگر مؤمن و اهل تقوی.

برپاساختن عدالت پس از نهایت جور

نکته ای که در نوع روایات مربوط به حضرت مهدی (ع) به آن اشاره شده است، برپا ساختن عدالت جهانی توسط آن حضرت پس از فراگیری ستم در سراسر عالم است.

می فرماید: در زمان آن حضرت زن جوان زیبا، جعبه جواهر را با خود برمیدارد و تنها از شام به بغداد میرود و کسی به او و جواهراتش نگاه نمیکند.

اینقدر عدل گسترده میشود که دزدی یا نگاه خیانت به زن بیگانه از میان مردمان برداشته میشود، مردم همه عادل می شوند. تعبیر جالبی در این زمینه است که میگویند "گرگ و میش با هم زندگی میکنند".

فرقه ضاله و عدل جهانی!!

آن دروغگویانی که ادعای امام زمان بودن کردند و ساده لوح

هائی که فریب دعوی بیجایشان را خورده رسوایند. کسی که پس از این ادعای واهی او، دو جنگ بین المللی و جهانی واقع شد که میلیونها نفر بیخود کشته شدند و میلیونها نفر اهضاء بدن خود را از دست دادند، چه افرادی که آواره شدند و چه اموالی که ضایع شد و چه نوامیسی که هتک شد و خلاصه چه ظلم و جنایت روز بروز افزوده گردید. آیا این حقائق برای رسوائی این مدعیان دروغین کافی نیست؟

امام زمان که در بیشتر روایات رسیده درباره اش بعنوان برپا کننده عدل و بردارنده ستم از او یاد شده است هنوز ظهور نفرموده است.

شواهد وجودی مهدی (ع) بیشمار است

غرض مسئله اثبات وجود امام عصر (ع) که عرض کردم کتابهایی که علمای سنی در این زمینه نوشته اند فراوان است از قبیل فصول المهمه و تذکره الائمة و غیر این دو کتاب که درباره آن حضرت و معجزاتش و کسانی که به خدمتش مشرف شده اند قلمفرسائی شده است. از این گذشته از روز ولادت حضرت تاکنون افراد زیادی به خدمتش مشرف شده و میشوند آنهم از قبیل: مقدس اردبیلی ها و سید بحر العلوم ها که از زاهدترین و عادل ترین و با تقواترین افراد زمان خود بودند و آنچه در این قبیل کتابها ثبت شده، قطره ای است از دریا و نمونه ای از خروارها است خدا داند که در گوشه و کنار چه افرادی خدمتش مشرف می شوند و به زیارتش نائل می گردند.

شفای اسماعیل هرقلی بدست حضرت مهدی (ع)

برای تنوع درکلام ، داستان اسماعیل هرقلی را عنوان نمایم .
صاحب کتاب "کشف الغمه" و دیگران این قضیه را که در زمان سید
بن طاووس اتفاق افتاده است نقل کرده اند .

اسماعیل بن حسن هرقلی خدمت سید بن طاووس رسید در
حالیکه در رانش بیماری کوفت پیدا شده بود بسیار سخت بود ،
هنگام بهار ترک میخورد خون و چرک می آمد و از زحمت ناراحتی
و درد آرزوی مرگ میکرد .

سید بن طاووس اطبای حله را حاضر کرد ، همگی گفتند این
بیماری "کوفت" علاج ندارد و چون روی رگ اکحل است ، اگر
پا را قطع کردند بیمار میمیرد .

سید بن طاووس به او فرمود من میخواهم به بغداد بروم تو را
نیز با خود میبرم ، آنجا اطبای حاذق دارد ؛ شاید خداوند سبب
معالجات را فراهم فرماید .

در بغداد ، اطباء را جمع کرد ؛ آنها نیز گفتند این کوفت علاج
ندارد و سید خیلی کسل شد .

اسماعیل گفت جناب سید پس به من اجازه دهید سفری به
"سامرا" بکنم و قبور مطهر سامرا (حضرت هادی و حضرت عسکری
و حلیمه خاتون علیهم السلام) را زیارت کنم .

اسماعیل به سامرا رفت ، پس از تشریف به حرم و سرداب مقدس
خانه شخصی امام زمان علیه السلام رفت و نماز خواند و زیارت کرد .
خودش تعریف میکند : فردا صبح با خودم گفتم اول کنار شط
بروم و خود را شستشو کنم ، خون و چرکها را بشویم و غسل زیارت
کنم و به حرم مطهر مشرف شوم شاید خداوند ترحمی بفرماید .

همین کار را کردم؛ لباسم را شستم، بدنم را شستشو داده، غسل کردم که ناگاه چهار سوار، یکی جداگانه و سه نفر دیگر با هم در حالی که پیرمردی وسط دو نفر دیگر بود رو به من آمدند. آن آقای که جداگانه بود به من نزدیک شد و مرا صدا کرد: اسماعیل، نامم را که برد وحشت کردم، بمن فرمود پایت را که زخم است بیاور.

به خیالم گذشت شاید این شخص دستش احتیاط داشته باشد و من تازه غسل کرده‌ام، کمی مسامحه کردم؛ خود آقا جلو تشریف و فشار مختصری داد.

آن پیرمرد گفت اسماعیل رستگار شدی، منمبم گفتم شما هم رستگار شدید. پیرمرد گفت اسماعیل این آقا امام تو است. فوراً "رو به سمت آقا دویدم خواستم رکابش را بگیرم و التماسش کنم، فرمود برگرد.

رفتم باز نتوانستم خودم را بگیرم و به سرعت برگشتم فرمود برگرد. مرتبه سوم آقا را قسم دادم که لحظه‌ای درنگ کنید. حضرت ایستاد؛ آن پیرمرد (که به احتمال قوی حضرت خضر بود) فرمود اسماعیل حیا کن، امام تو که فرمود برگرد، برگرد. ایستادم، حضرت رو به من کرد و فرمود اسماعیل حالا که به بغداد برمیگردی، المستنصر خلیفه عباسی بتو پول میدهد از او نپذیر، به فرزندان سید بن طاووس بگو که سفارش ترا به علی بن عوض کند، ما هم سفارشت را به او می‌کنیم. و ناگهان از نظرم پنهان شدند.

بپایم نگاه کردم هیچ اثری از زخم ندیدم، گفتم شاید آن پای دیگر بوده است.

اطرافم جمع شدند؛ جریان را که شنیدند، روی من ریختند و لباسهایم را قطعه قطعه کردند و بعنوان تبرک بردند.

زیارتی کردم و دیگر درنگ نکردم و از سامرا به بغداد بازگشتم، وقتی میخواستم وارد شهر شوم؛ عده‌ای به‌استقبال آمده بودند و می‌پرسیدند اسماعیل هرقلی کیست؟ در میانشان سید بن طاووس بود، پرسید اسماعیل این هیاهو راجع به‌تو است؟

گفتم آری. فرمود پایت را نشانم بده. جای دست حضرت را نشان دادم، سید غش کرد، او را بحال آوردند.

سید بن طاووس اسماعیل را نزد وزیر خلیفه عباسی که قمی بوده است آورد، وزیر گفت باید اطباء بیایند و تصدیق کنند.

سید دنبال طبیب‌هایی که قبلاً پای اسماعیل را دیده بودند فرستاد. درحضور وزیر از آنها پرسید چندروز قبل شما پای اسماعیل را دیدید؟ گفتند ده روز قبل.

پرسید زخمش چطور بود؟ گفتند علاج نداشت.

سید پرسید اگر میخواست معالجه‌شود، چند روز طول میکشید تا محل زخم درست شود.

گفتند برفرض اگر هم خوب میشد، دو ماه طول می‌کشید تا گوشت بروید و پس از آن در جای زخم هم پوست می‌پیچد و در آن محل مو نمی‌روید.

پس ازگرفتن این اعترافات از اطباء، سید به اسماعیل فرمود حالا جای زخم را نشانشان بده.

همه مشاهده کردند جایش خوب شده و هیچ چروکی هم ندارد و موی تازه هم نیز در محل زخم درآمده است.

یکی گفت شاید پای دیگرش بوده است، آن پا را نیز نشان

داد، یکی از اطباء که مسیحی بود گفت به خدا سوگند عیسی او را نجات داده است.

سید بن طاووس فرمود: مولای عیسی او را نجات داد است، کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز میخواند.

خبر به خلیفه عباسی رسید، المستنصر هزار اشرفی برایش فرستاد، اسماعیل گفت من نمی توانم در این پول تصرف کنم. پرسیدند چرا؟ گفت همان آقائی که مرا شفا داد سفارش فرمود پول خلیفه را نگیرم.

خلیفه ناراحت شد و گفت معلوم می شود پول ما قابل این درگاه نیست و بعد اسماعیل هم دارای ثروت و مکنت گردید.

کتابهای متعدد در معجزات مهدی (ع)

از این قبیل معجزات و تشرف خوبان خدمت حضرتش بسیار است. مرحوم حاجی نوروزی در کتاب النجم الثاقب که به فارسی نوشته شده است، تعدادی از این موارد را آورده است. همچنین در جلد ۱۳ بحار الانوار و کتاب دارالسلام.

اخیراً هم مرحوم نساوندی اسماء بعضی از خوبان را که خدمت حضرت مهدی (ع) رسیده اند، داستانهایشان را نوشته است و ما هم انشاء الله در ضمن بحثهای مربوطه برای تنوع در مطالب و شواهد عرض و خسته نشدن شنوندگان بعضی را عنوان خواهیم کرد.

روایتی شیرین در ولادت حضرت مهدی (ع)

در باب ولادت باسعادت امام دوازدهم حجة بن الحسن العسکری (ع) بنا به روایتی که شیخ طوسی و شیخ صدوق در کتابهای خود و مسعودی در کتاب اثبات الوصیه و دیگران نیز نوشته‌اند، بطور خلاصه عرض می‌شود:

بشربن سلیمان از نواده‌های ابو ایوب انصاری است (ابو ایوب از اصحاب محترم پیغمبر اکرم است و رسول خدا در مهاجرت به مدینه نخست در خانه او منزل فرمود و مورد احترام اهل بیت نیز می‌باشد). در همسایگی حضرت هادی (ع) امام دهم ما است. روزی حضرت هادی (ع) دنبالش می‌فرستد، کافور، خادم حضرت او را می‌طلبد و خدمت امام مشرف می‌شود. خودش ناقل حدیث است

که وقتی خدمت حضرت هادی (ع) رسیدم به من فرمود جدت به جد
ما خدمتها کرد و من میخوام خدمتی بتو واگذارم که موجب سعادت
تو شود.

آن وقت حضرت نامه‌ای به زبان رومی نوشت و مهر مبارکش را
پائین نامه زد، کیسه‌ری درآورد که در آن دوپست و بیست اشرفی
بود فرمود به بغداد برو کنار شط در محلی که برده فروشان جمع
میشوند منتظر باش عمروابن یزید را که دیدی کنیزهایی برای فروش
می‌آورد در بین آنها کنیزی با این وصف و به زبان رومی می‌نالد و
هر کس می‌خواهد او را بخرد حاضر نمیشود و به مشتری میگوید بیجا
مال خودت را هدر نده، در این اثنا یکنفر پیدا میشود سیصد
اشرفی بدهد و او را بخرد ولی کنیز حاضر نمیشود و میگوید اگر
مثل سلیمان هم بشوی تسلیم تو نخواهم شد.

برده فروش می‌گوید ای کنیز پس تکلیف من چیست؟ من می-
خواهم ترا بفروشم؟ کنیز گوید عجله نکن هر کس را خواستم میگویم.
آنوقت این نامه مرا نزد آن کنیز ببر و به او بده. بشر گوید
همین کار را کردم و کنیز نامه را گرفت خواند بوسید و بر دیده
گذاشت و به صاحبش گفت مرا به همین شخص بفروش.

خلاصه به همان ملغی که حضرت هادی (ع) داده بود معامله
تمام شد او را با خود بمنزل آوردم مرتباً نامه را می‌بوسید -
پرسیدم از کجا صاحب این نامه را می‌شناسی؟

گفت ای کم معرفت آیا صاحب نامه را نمی‌شناسی؟ گفتم چرا
او امام من است. گفت:

من دختر زادهٔ قیصر روم هستم، در سن سیزده سالگی جدم
در صدد برآمد مرا به عقد برادر زاده‌اش درآورد مجلس عقد مفصلی

فراهم آورد، سیصد نفر از کشیشها و هفتصد نفر از امراء و چهار هزار نفر از اعیان و اشراف دعوت شدند تخت بزرگی هم برای جلوس داماد زدند. کشیشها مشغول خواندن انجیل شدند که ناگاه زمین لرزه‌ای شد و پایه‌های تخت لرزید و شکست. صلیبها افتاد، کشیشها این مطلب را به فال بد گرفتند و به جدم گفتند از این داماد صرف نظر کن. چون این مطلب که اتفاق افتاد نشانه از بین رفتن دین مسیح است.

قیصر پذیرفت و مجلس دیگری فراهم آورد تا مرا به عقد برادرزاده دیگرش درآورد باز هم همان جریان تکرار شد و از دومی هم صرف نظر کرد.

شب در خواب حضرت مسیح و وصیش شمعون الصفا که از حواریین وجد من بشمار میرود مشاهده کردم. حضرت خاتم الانبیاء (ص) هم همراه آقائی تشریف آوردند و رو به حضرت مسیح کرده و فرمود میخوام با دختر شمعون وصی شما وصلت کنم برای فرزندم حسن.

مسیح گفت زهی شرف برای ما است آنگاه پیغمبر (ص) بر تختی قرار گرفت و خطبه عقد را قرائت فرمود.

از خواب بیدار شدم ولی جرات نکردم خواب را برای کسی نقل کنم، شوق حسن عسکری که در خواب همراه پیغمبر او را دیده بودم در من روزافزون شد به قسمی که از اشتیاق بیمار شدم. پدرم صلیبها را حاضر کرد انواع داروهائی که تجویز نمودند فایده نکرد.

روزی قیصر نزد من آمد و گفت دختر کم چه میل داری؟ گفتم:

چیزی میل ندارم. گفت: چه آرزوئی داری؟

گفتم: اگر اسرای مسلمانان را آزاد کنی ممکن است حال من

بهتر شود.

جدم دستور دادگروهی از اسرای مسلمین را آزاد کردند و در وضع بقیه نیز توسعه‌ای داد، منبهم قدری خوراک خوردم تا نشان دهم حالم بهتر شده است.

شب در خواب دیدم حضرت زهرا و مریم (ع) به سراغم آمدند شکایت حالم را با مریم کردم گفت: خدمت مادر شوهرت بگو - تا حضرت زهرا (ع) را شناختم از فرزندش حسن عسکری (ع) گله کردم که از آن شب که جدش رسول خدا (ع) مرا به او تزویج فرمود به سراغ من نیامده است.

فرمود چگونه به سراغت بیاید در حالی که مسلمان نیستی. بگو "اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله" در همان عالم رؤیا به دست فاطمه زهرا (ع) مسلمان شدم آنگاه فرمود از این پس هر شب فرزندم را خواهی دید.

و من هم از آن به بعد هر شب آن حضرت را در خواب میدیدم تا آنکه چندی قبل به من فرمود وصال ما نزدیک است به همین زودی جنگی میان مسلمانان و رومیان برپا میشود. تو از فلان راه خودت را در میان اسیران بینداز بقسمی که ترا شناسند.

لذا بر حسب امر امام خودم را در میان اسراء انداختم و مرا آوردند هر شب، امام را در خواب می بینم تا اینجا رسیدم.

بشرگوید اورا به سامرا خدمت امام هادی (ع) آوردم. حضرت به او فرمود ده هزار اشرفی به تو بدهم یا یک مژده که سعادت تو در آن است.

گفت آقا، بشارت را بدهید.

فرمود: مژده باد برای تو که خداوند از رحم تو بیرون می -

آورد آن آقائی که زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد .
 آنگاه حضرت هادی (ع) او را به خواهرش حکیمه خاتون دختر
 حضرت جواد و عمه^۱ حضرت عسکری می سپارد . بانوئی مجلله و
 عالمه ، تا معارف دین را به او بیاموزد ، واجبات و محرمات و احکام
 عبادات و غیره را تعلیمش دهد .

حضرت عسکری در سن ۲۲ سالگی است که با مخدره نرجس
 خاتون ازدواج می فرماید .

روز چهاردهم ماه شعبان ۲۵۶ یا ۲۵۵ هجری قمری است که
 حکیمه خاتون به منزل حضرت عسکری می آید . هنگامی که می خواهد
 به خانه اش برگردد حضرت می فرماید عمه کجا میروی ؟ امشب مهدی
 موعود (ع) به دنیا می آید . پرسید از چه کسی ؟ فرمود از نرجس .
 حکیمه خاتون گفت اثری از حمل در او آشکار نیست . فرمود :
 مثلش مثل^۱ موسی بن عمران است (موسی که در شکم مادر بود ،
 اثری از حمل نداشت زیرا فرعون در صدد بود هر جنین را در شکم
 مادرش از بین ببرد لذا خداوند موسی را حفظ فرمود . حضرت
 مهدی (ع) نیز دشمنان فراوانی داشت که از آنجمله دستگاه خلافت
 در کمین بود و خداوند نیز او را چنین حفظ فرمود) .
 حکیمه خاتون آن شب ماند ، پرسید چه وقت متولد می شود ؟
 فرمود نزدیک اذان صبح .

روایت از خود مخدره حکیمه خاتون است که نزدیک فجر دوم

۱- در روایتی که بعداً " در این کتاب نیز مورد بحث قرار میگیرد از هر پیغمبری
 خصوصیتی در حضرت مهدی (ع) است و از آنجمله این مطلب است که از
 جهت مخفی ماندن ، در رحم مادر همچون حضرت موسی میباشد .

ناگهان دیدم نرجس وحشتناک از خواب برخاست . پرسیدم چیزی حس میکنی ؟ گفت آری .

شروع به خواندن قرآن کردم . سوره^۱ حم سجده و پس را خواندم ، حضرت از اطاق دیگر صدا زد سوره^۲ قدر را بخوان .

حکیمه خاتون می فرماید : در این هنگام سستی عارض من شد و بی حس شدم . در روایت دیگر است که می فرماید بین من و نرجس پرده ای واقع شد که پشت پرده را ندیدم .

طولی نکشید که پرده برطرف شد ، چهره^۳ نرجس می درخشید و از نورانیت خاصی برخوردار بود به قسمی که چشم مرا خیره کرد . دیدم مولود عزیز سر به سجده گذاشته و چنین می خواند : " اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان جدی محمد رسول الله و اشهد ان ابی امیرالمؤمنین وصی رسول الله والحسن والحسین . . . حجج الله " . آنوقت این آیه^۴ شریفه را تلاوت فرمود : " و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین " .^۱ سپس عرض کرد خدایا آنچه به من وعده فرمودی عمل فرما و زمین را بوسیله^۵ من پر از عدل و داد فرما .^۲

بدن شریفش چون نقره و بلور و بر بازویش نوشته شده بود :
" حق آمد و باطل رفت بدرستی که باطل رفتنی است " .^۳
صدای حضرت عسکری بلند شد که فرزندم را بیاور ، وقتی او را بردم بر پدرش سلام کرد .

۱- سوره^۱ قصص ۲۸، آیه^۵ .

۲- اللهم انجز لی ما وعدتني و املا بی الارض عدلا " و قسطا " .

۳- جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا " سوره^۴ اسراء ۱۷، آیه^{۸۱} .

در دوران شیرخوارگی کسانی چند خدمتش رسیدند و ولادتش را تبریک و تهنیت گفتند. اسامی آنان در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه شیخ صدوق ذکر شده است.

حضرت مهدی (ع) پاسخ هفتاد مسئله را می دهد

در دوران کودکی، اسعد بن عبدالله اشعری هفتاد مسئله داشت، نزد حضرت عسکری (ع) رفت و حضرت فرمود از فرزندم بپرس و حضرت مهدی (ع) همه را پاسخ فرمود.

این مطلب مشروحا" در جلد ۱۳ بحار الانوار ذکر شده است و این نکته را می افزاید که در آن زمان اموالی را بعنوان سهم امام آورده بودند، حضرت اموال را جدا نمودند و صاحب هریک را نام بردند.

فشار دربار خلافت و غیبت صغری

هنگامی که در سال ۲۶۰ هجری قمری حضرت عسکری رحلت فرمود و منصب امامت به آن بزرگوار رسید و بر جنازه پدرش نماز خواند، از طرف خلیفه عباسی فشار آوردند تا فرزند حضرت امام عسکری را بازداشت نمایند چون میدانستند (برحسب روایات کثیره ای که رسیده بود) حضرت حجت فرزند امام حسن عسکری است.

لذا به اذن خداوند آن حضرت غائب شدند و ایشان را نیافتند بعضی از کنیزها را تا یک سال و دو سال حبس کردند تا معلوم شود آیا از آن حضرت حمل دارد یا نه؟

مقصود از غیبت آن حضرت این است که مردم او را نمی شناسند هرچند می بینند مانند برادران یوسف که با او نشست و

دارم و دستور از او می‌گیرم و به مردم ابلاغ میکنم ، دروغ میگوید . البته منافات ندارد که اشخاصی هم آن حضرت را ببینند اما ادعائی نداشته باشند؛ آنچه مهم است دانستن این مطلب است که دعوی نیابت خاص و مشاهده^۱ امام به این عنوان که به من مأوریت ابلاغ دستوراتش را داده است ، دروغ است .

هرکس گفت من نایب خاص امام زمان هستم ، به فرموده^۲ خود امام زمان دروغ می‌گوید .

عین نامه^۳ حضرت در کتاب اکمال الدین صدوق و " اثبات الوصیه " و جلد ۱۳ بحار الانوار ثبت است .

وقت ظهور بر همه پنهان است

با این ترتیب جلو نیرنگ اشخاص حقه باز گرفته میشود تا هر شیادی به دعوی دیدن امام زمان و پیغام امام زمان دکانی باز نکند و مردم را نفریبد .

مدت غیبت کبری را نیز خدا میداند و بس؛ لذا هرکس وقت تعیین کند و بگوید امام زمان در فلان سال ظاهر میشود ، دهوی بیجائی کرده است بلکه مورد لعن نیز هست و حسب بعضی از روایات، بر خود امام زمان نیز پنهان است .

خواب نامه‌ها و نشر اکاذیب

هر از چندی بعضی از شیادها خواب نامه‌هایی منتشر میکنند و عده‌ای ساده لوح را تحت تاثیر قرار میدهند . مثلاً " چندی قبل نوشته بودند شیخ احمد نامی متولی مسجد مدینه منوره در خواب دیده که چنین و چنان میشود ایها الناس توبه کنید تا شش سال

دیگر امام زمان ظاهر می شود .

درحالی که در مدینه چنین کسی نبوده و نیست و بر فرض هم که باشد، از کجا چنین خوابی دیده باشد و مگر هر خوابی قابل اعتناء است .

عجب این است که همزمان در چندین نقطه از مملکت نیز پخش میشود ، لای قرآن‌ها و مفاتیح در حرمهای مطهر می گذارند و قسم هم میدهند این خواب نامه را چند مرتبه بنویسد که چقدر اجر دارد .

چه بسا دستهای خیانتی هم در کار باشد که این اکاذیب را نشر دهد و مردم را به این چیزها سرگرم کند تا از معارف و واقعیات باز بمانند و اینطور وانمود کنند که این ملت چقدر خواب است ؛ با یک خوابنامه میشود آنها را فریفت ، با یک تکه کاغذی می شود آنها را از میدان بدر برد .

زن‌ها بیشتر در معرض خطرند ، اشخاصی پیدا می شوند که به بهانه دعای اولاد و طلسم و غیره آنها را می فریبند . داروی محبت کدام است ؟ بهترین اسباب برای جلب محبت شوهر ، اطاعت او است . ؛ بدون رضایتش از خانه بیرون نرو .

معنی آفتاب از غروب طلوع میکند

روایتی رسیده که هنگام ظهور حضرت حجة بن الحسن (ع) آفتاب از مغرب طلوع میکند .

بعضی از بزرگان ظاهر این روایت را گرفته و گفته اند گردش آفتاب (و در حقیقت گردش زمین بدور خودش) تغییر می کند . ولی در کتاب کفایة الموحدين روایت را اینطور نقل می کنند :

در ضمن فرمایشات امیرالمؤمنین (ع) هنگامی که حضرت نشانه‌های ظهور مهدی (ع) را ذکر می‌فرماید این جمله را بیان میکند " آفتاب از مغرب طلوع میکند " یعنی مهدی (ع) از مکه ظاهر می‌شود .

مکه معظمه نسبت به عراق جنوب غربی است و نسبت بموقعیت مکانی آن حضرت مکه معظمه اینطور تعبیر می‌فرماید که آفتاب حقیقی یعنی مهدی علیه‌السلام از مغرب یعنی مکه معظمه طلوع می‌فرماید .

ظهور حضرت با خواب معین نمی‌شود .

ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه بقدری مهم است که همه انبیای سلف آن زمان را بشارت داده‌اند (برای مزید اطلاع به کتاب انیس الاعلام مراجعه شود) زمین باید پس از قرن‌ها ستم ، از عدل پر شود ، باید بجای ستمگرها و متجاوزین ، کسی روی زمین نباشد . آیا موقع چنین مطلب مهم و بیسابقه‌ای به خواب ، درست می‌شود ؟

ناله شوق امام صادق (ع) برای مهدی (ع)

هنگام ظهور زمانی است که امامان ما مشتاق چنین زمانی بودند .

در شب ماه مبارک رمضان حضرت صادق پس از نماز صبح سر به سجده گذاشت و دعای فرج برای حضرت مهدی (ع) خواند . خدایا تعجیل فرما در ظهور آن آقائی که ظهورش سبب نجات اولیاء تو است ، ظهورش موجب عزت مؤمنین است .

پس از سر برداشتن از سجده ، از او پرسیدند این آقا کیست ؟ فرمود فرزند زاده‌ام ، پسر حسن عسکری (ع) است .

پیغمبران پشت سر مهدی (ع) در نماز

در دعای ندبه می‌خوانید: آیا می‌شود عمر ما این روزگار
مبارک را دریابد (هل يتصل يومنا منك بعدة...) ای آقا کی
میشود که تو جلو بهایستی و ما پشت سرت نماز بخوانیم.

آری در جماعتی که در صف نخستین آن عیسی بن مریم و خضر
والیاس پیغمبران خداوند و خدا آنها را نگهداشته است و در رکاب
مهدی (ع) حضور دارند.

اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه.

مردم را سرگردان نگذاشتند

در بحث گذشته کلام رسید به اینجا که در زمان غیبت صغری حضرت چهار نفر را بترتیب بعنوان نایب خاص معین فرمود تا به توسط ایشان مردم مطالب و مقاصد خودشان را به امام برسانند و دستورات امام نیز توسط ایشان به مردم ابلاغ گردد.

چهارمین ایشان، علی بن محمد سمری، چند روز به مرگش مانده نامه‌ای از طرف حضرت به او میرسد که نزدیک شدن مرگش را به او یادآوری می‌فرمایند و تصریح می‌فرمایند که از این پس بعنوان نیابت کسی معین نمی‌شود.

اما تکلیف بندگان چیست؟ مردم را حیران و سرگردان نگذاشتند

۱۰۷۰ سال از زمان غیبت کبری می‌گذرد^۱ و خدا داند چقدر دیگر طول بکشد اما حضرت به‌وظیفه خودش عمل کرد و شیعیانش را سرگردان نگذاشت.

رجوع به‌علماء در زمان غیبت

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم."

هرچند امام زمان (ع) از نظر ما غائب شد؛ اما شکر خدای را که سخنان او و اجدادش که همان احادیث و روایات باشد؛ در میان ما است.

سالیان متمادی می‌گذرد اما کتب اخبار آل محمد (ص) در هر دوره‌ای در میان مردم بوده و حجت خدا تمام گردیده است. در هر دوره‌ای راویان روایات از میان اشخاص برجسته و مورد اعتماد برخاستند، از عادلترین و موثق‌ترین افراد زمان بودند، از قبیل زرارة بن اعین‌ها و صفوان بن یحیی‌ها و محمد بن مسلم‌ها و ابوبصیرها و غیر ایشان.

نمونه‌ای از بزرگواری یکی از ایشان را عرض کنم:

۱- فراموش نفرمائید که سخنان آیت‌الله شهید دستغیب در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی مطابق ۱۳۵۷ قمری است و اکنون که این کتاب منتشر میشود سال ۱۳۶۳ شمسی و ۱۴۰۳ قمری یعنی درست ۲۸ سال قبل است و تاریخ مزبور مربوط به آن زمان میباشد.

عبادتهای صفوان و رفقاییش

درحالات صفوان بن یحیی نوشته‌اند که روزانه یکصد و پنجاه رکعت نماز میخواند و سالی سه ماه روزه می‌گرفت و سه مرتبه زکوة مالش را می‌داد.

با دو نفر از رفقاییش پیله‌وری میکرد، باهم به مکه معظمه آمدند، در مسجد الحرام با هم قرار گذاشتند که هرکدام بیشتر در دنیا ماند، اعمال خیر دیگری را به نیابت او انجام دهد.

آن دو نفر رفیق مردند و صفوان شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز واجب و نافله خودش را میخواند و برای هرکدام از دو رفیقش نیز میخواند، پنجاه و یک رکعت برای ابن نعمان و پنجاه و یک رکعت برای ابن جندق؛ ماه رجب و شعبان را برای آن دو نفر روزه می‌گرفت و ماه رمضان را برای خودش و سه مرتبه هم مالش را تزکیه میکرد، دو مرتبه به نیابت از دو رفیقش و یکبار هم برای خودش.

کتابهای اخبار در زمان غیبت

اینها چنین مردمانی بودند که از حیث ایمان و عمل در دوره خودشان زبانزد و شناخته شده بودند و خداوند توفیق جمع‌آوری اخبار اهل بیت را به ایشان عنایت فرمود. چهار صد نفر از اصحاب ائمه (ع) سرگرم تدوین اخبار شدند به اشاره خود اهل بیت، روایات را ضبط و ثبت کردند تا در مثل چنین زمانی بدرد مردم بخورد. مرحوم کلینی بیست سال در خانه نشست و روایات اهل بیت را جمع‌آوری نمود. صدوق و طوسی نیز هرکدام زحمات فراوانی را در جمع‌آوری روایات متحمل شدند.

به روایان مذهب رجوع کنید

خلاصه حضرت مهدی (ع) در آخرین نامه خود به چهارمین نایبش می نویسد در زمان غیبت کبری به روایان این روایات رجوع کنید - یعنی به کسانی که روایت صحیح را از دروغ و ضعیف تشخیص می دهند رجوع کنید.

به آن علمائی که حلال و حرام را می فهمند و بعلاوه هوای نفس هم ندارند رجوع کنید.

جایز نیست که از هر مجتهدی تقلید شود بلکه باید "حافظا" لدینه" باشد "مخالفا" لهواه" باشد از حیث تقوی کاملاً "دیندار و از حیث تهذیب نفس، مخالف هوی و هوس باشد، خودخواهی، تعصب، خودبینی در او نباشد.

ضرر عالم هوی پرست از لشکر یزید بیشتر

مروپست که ضرر عالم هوی پرست برای دین مردمان از لشکریان یزید بیشتر است علمائی که هوی پرست و طالب جاه و شهرت باشند مورد لعن میباشند هر ریاست پرستی ملعون است.

بلی اگر "صائنا" لنفسه" بود خودداری کننده از هوی پرستی بود حتماً "جاهل باید رجوع به عالم کند از چنین عالمی کسب علم و فضیلت نماید.

در هر رتبه ای و هر کاری کسی که وارد نیست به اهلش مراجعه مینماید برای دانستن حلال و حرام نیز باید به اهلش مراجعه کرد.

نهایت تقوی در فتوی دادن

شرط اساسی مفتی یعنی کسی که میخواهد فتوی دهد این است که در مرتبهء کامل تقوی باشد مبادا در اثر هوای نفس حلالی را حرام و حرامی را حلال کند، خون مظلومی را بریزد یا مال ناحقی را ببرد یا به غیر اهلش بسپارد.

همان ولایت امام اولی الامر که اولی به تصرف است^۱ مرجع تقلید نیز دارا است پس باید ذره‌ای حب دنیا در دلش نباشد و گر نه تقلید کردنش جایز نیست چه بسا به واسطهء حب دنیا حلالی را حرام یا حرامی را حلال کند.

صفوان ریاست طلب نیست

از صفوان بن یحیی سخن گفتیم. این شخص کسی است که حضرت صادق (ع) تعریفش را می‌فرماید "انه لایحب الریاسه" صفوان ریاست را دوست نمی‌دارد. خوشش نمی‌آید که بالانشین و محترم باشد تعریفش را بکنند.

امام که غائب شد تکلیف ما را معین فرمود و ما را حیران و سرگردان نگذاشت و برای تشخیص نایب عام و مجتهد عادل باید

۱- خوب دقت بفرمائید مسئلهء ولایت فقیه و اولی به تصرف بودنش که پایهء جمهوری اسلامی بر آن است چگونه در سی سال قبل به زبان شهید بزرگوار جاری میشود همانگونه که با طرد خوابنامه و خرافات دیگر، بهانه برای فریب خوردن از خواب آریامهری و تظاهر به دین گردن را از ساده لوحان می‌گیرد.

به اهل خبره و اطلاع مراجعه کرد .

انتظار فرج برای خود امام زمان

ظاهر بعضی از روایات آن است که بر خود حضرت مهدی (ع) نیز هنگام ظهور مخفی است .

از پیغمبر خدا (ص) مرویست که موقع ظهور امام زمان دو علامت برای خودش هست یکی شمشیر از غلاف خارج می شود و به نطق درمی آید و میگوید مهدی خروج کن و به وسیله من زمین را پر از عدل و داد کن .

علامت دیگر بیریقی است که با آقا است و آنهم به نطق درمی آید .

شاید رازش هم این باشد که خود امام زمان (ع) هم در انتظار فرج باشد که افضل عبادات است .

کسی که مسافر عزیزی دارد چطور منتظر است که بیاید اگر کسی این حالت برایش نسبت به امام زمان واقع شد این حال خودش عبادت بلکه افضل عبادات است .

انتظار فرج الهی توسط امام زمان برای خودش نیز از افضل عبادات است .

مقام والای مهدویت

چون منصب مهدویت مقام شامخ منحصر بخودش میباشد و لازمه اش سلطنت بر شرق و غرب عالم است ؛ منصبی است که انبیاء و ائمه به آن مزده داده اند و ناراحتی موءمنین را به آن تسکین می دادند ، شیادها مخصوصاً " در زمان غیبت کبری به طمع چنین مقامی

و رسیدن به چنین ریاستی منتظر فرصتند و تاکنون بیش از یکصد و پنجاه نفر دعوی مهدی بودن را کرده‌اند و خداوند همه را رسوا ساخت.

لذا برای مشتبه نشدن مطلب بر کسی؛ از همه امامان ما روایاتی راجع به صفات مهدی (ع) و نشانه‌های خروج و نزدیکی زمان ظهورش ذکر شده است.

بعضی از نشانه‌ها به عنوان علامت‌های حتمی ذکر شده که تا این نشانه‌ها واقع نشود حضرت هم ظهور نمی‌فرماید.

سقوط بنی‌العباس قبل از ظهور

یکی از علائم حتمی قبل از ظهور حضرت را انقراض دولت مقتدر و ریشه‌دار بنی‌عباس دانسته‌اند که این نشانه در هفتصد سال قبل به دست هلاکوخان و خواجه نصیرالدین طوسی تحقق پذیرفت.^۱ نشانه‌های حتمی دیگر که شاید حدود نه نشانه میشود هنوز واقع نشده است هرچند تعداد زیادی از نشانه‌های غیر حتمی واقع شده است.

خروج سفیانی و دجال از علائم حتمی

از نشانه‌های حتمی که مقارن با ظهور حضرت نیز میباشد (نه

۱- تذکر به سقوط خلافت عباسی پیش از قیام قائم علیه‌السلام شاید بخاطر تسکین دل شیعیان از ناراحتی‌هایی که از این دولت غاصب می‌دیدند باشد، وگرنه با این فاصله زمانی آنرا از نشانه‌های ظهور مهدی (ع) دانستن وجه دیگری بنظر نمیرسد.

مثل سقوط خلافت بنی العباس که قرن‌ها قبل بوده) خروج دجال و سفیانی است.

در روایتی که از این فتنه سخن میرود، راوی به امام عصر (ع) عرض میکند آقا از خداوند بخواهید این بلا پیش نیاید.
امام در جوابش می‌فرماید: حتمی است، باید واقع شود.

جنايات سفیانی قبل از ظهور مهدی (ع)

سفیانی از اولاد یزید بن معاویه است و بین شام و مکه از صحرای خشک بیرون می‌آید و از همانجا لشکر تهیه کرده و پنج مملکت را تصرف مینماید. دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را تسخیر میکند و لشکر بسیاری تشکیل میدهد و به اطراف برای قتل و خرابی می‌فرستد.

آگهی میکند اگر کسی سر یکی از دوستان علی (ع) را بیاورد یک هزار درهم بدهد و می‌دهد. به طمع مال خیلی از دوستان علی (ع) کشته می‌شوند.

خسف بیداء از نشانه‌های حتمی

لشکر دیگری می‌فرستد به سمت مدینه و آنجا را قتل عام میکند سپس همین لشکر را برای خراب کردن مکه می‌فرستد و در بین مکه و مدینه صیحه‌ای بلند میشود که زمین آنها را فرو برد.

زمین تمام این لشکری که به سیصد هزار نفر میرسند فرو می‌برد، جز دو نفر را که ملکی صورتشان را برمی‌گرداند و به یکی امر میکند برو به مکه و صاحب الامر (ع) را بشارت بدهد که در سرزمین بیداء (همان وادی میان مکه و مدینه) لشکریان سفیانی به زمین فرو رفتند

و به دیگری امر میکند به شام برو و سفیانی را از این ماجرا با خبر کن و بترسان.

این ماجرا که به نام خسف بیداء یعنی فرورفتن در سرزمین مزبور است و لشکریان سفیانی به این بلا می افتند از نشانه های حتمی مقارن ظهور حضرت شمرده شده است.

سید حسنی و گنج طالقان

از دیگر علائم حتمی؛ خروج سید حسنی است. سیدی از سادات حسنی که نسب شریفش به حضرت مجتبی حسن علیه السلام میرسد. از قزوین ظهور میکند در حالی که نه دعوی نبوت دارد نه امامت و نه مهدویت و نه نیابت از مهدی (ع) و تنها برای برپا داشتن حدود الهی و اصلاح امور مسلمین و رفع ظلم قیام میکند.

سید حسنی حرکت میکند، عده ای از قزوین به او می گروند و گنج طالقان به او می پیوندند.

گنج طالقان که در روایت اینطور تعبیر شده، کنایه از افراد نیک و برجسته و پایدار هستند که از طالقان حرکت میکنند و به سید حسنی می پیوندند.

پیشرفت و پیروزی سید حسنی

کم کم اطرافیانش زیاد می شوند و پیروان و همراهانش پیشرفت بسیاری می نمایند و از قزوین تا حدود عراق را یکپارچه مسخر میکند و حکومت عدل را برپا میدارد.

این پیشرفت مقارن با خروج حضرت مهدی (ع) از مکه معظمه می گردد که حضرت به کوفه تشریف می آورند.

به سید حسنی خبر میدهند حضرت مهدی (ع) به کوفه می-
آیند، به لشکر دستور میدهد به استقبالش برویم ببینیم آیا درست
است یا نه.

وقتی به حضرت میرسند؛ سید حسنی آقا را می شناسد ولی
برای اطمینان بیشتر لشکریانش؛ از آن حضرت مواریث پیغمبران
را مطالبه می نماید.

مواریث انبیاء نزد مهدی (ع)

حضرت می فرماید بیاورید عصای موسی (ع) را و آنرا به سنگ
میزند و آب جاری می شود.

آری مقام مهدی (ع) فوق العاده عظیم است، مواریث همه
انبیاء نزد اوست؛ انگشتر سلیمان بن داود و عمامه حضرت خاتم
الانبیاء محمد (ص)، ذوالفقار علی (ع) و مواریثی از آباء عظامش
به او رسیده است.

پس از نشان دادن مواریث انبیاء، سید حسنی دست آن حضرت
را می بوسد و میگوید شما را شناختم ولی برای اینکه لشکریان به شما
معتقد شوند مواریث انبیاء را مطالبه کردم.

تاریخ خوارج تکرار میشود

تمام لشکر او که یکصد هزار نفر هستند، همه بیعت میکنند
جز چهار هزار نفر از آنان که مانند خوارج که در برابر علی (ع)
ایستادند. اینها هم بر مهدی (ع) خروج میکنند و همانطور که
حضرت امیرالمؤمنین (ع) خوارج را کشت این چهار هزار نفر هم
بدست حضرت مهدی (ع) کشته می شوند.

و راستی عجیب است همانطور که جریان تاریخی حره را که قتل عام اهالی مدینه و سپس اقدام به خراب کردن خانه خدا بود انجام داد، نواده‌اش سفیانی نیز چنین کاری را میکند.

و همانطور که خوارج در برابر حضرت علی (ع) ایستادند، خوارج از لشکر سید حسنی در برابر حضرت مهدی (ع) می‌ایستند و تاریخ تکرار می‌شود.

قتل نفس زکیه بین رکن و مقام

از نشانه‌های حتمی مقارن ظهور حضرت، قتل نفس زکیه است در مکه معظمه در مسجد الحرام، شریفترین مکانها بین رکن و مقام ابراهیم.

سیدی که از طرف حضرت ماموریت داشته که حجاج را به حضرت مهدی (ع) بخواند می‌گیرند و در چنین مقامی او را سر می‌برند.

صیحه آسمانی را همه می‌شنوند

از دیگر نشانه‌های حتمی صیحه آسمانی است که حتمی الوقوع است و همه افراد شرق و غرب این صدا را در یک زمان می‌شنوند و هرکس مطابق زبان خودش آنرا می‌شنود و می‌فهمد "ازفت الازفه" وعده خدا نزدیک شد "الا لعنه الله علی القوم الظالمین" هرآینه دوری از رحمت خدا برای قوم ستمگران است.

و جبرئیل صدا می‌زند نزدیک شد ظهور مهدی پسر حسن و اجداد آن حضرت را تا علی بن ابیطالب برمی‌شمرد.

ندای دیگر جبرئیل این است که "الحق مع علی ذریته"، حق با علی و فرزندان علی است.

این قسم نداها به عربی است لکن هرکس بهزبانی که به آن سخن می گوید می شنود به هرگوشی طبق لغت خودش میرسد.

ظاهرشدن سر و سینه در خورشید

از نشانه های حتمی الوقوع که حتماً باید واقع شود تاحضرت مهدی (ع) ظهور کند، پیدا شدن سر و سینه در خورشید است. سر و سینه و کفی در قرص خورشید پیدا میشود و از آن صورت صدا بلند می شود که حق با علی و فرزندان او است.

از علائم حتمی دیگر گرفتن آفتاب در پانزدهم رمضان و گرفتن ماهتاب در آخر ماه است. برخلاف قواعد علم نجوم، این خسوف و کسوف واقع میشود.

علائم دیگر ممکن است واقع شود

علامات متعدد دیگری نیز ذکر شده که متدرجاً واقع می شود و بسیاری از آن نیز واقع شده است آنها از علائم حتمی نیست یعنی ممکن است زبداً در آن واقع شود.^۱

۱- "بدا" بمعنی آشکار شدن و در اصطلاح دیگرگونی مقدرات را گویند؛ آنچه باید واقع شود نشود و آنچه بنا بود واقع شود بشود. از ضروریات مذهب شیعه مسئله بدا است که از آیه شریفه "یمحو الله ما يشاء و یثبت" استفاده میکنند یعنی خدا هر چه را بخواهد (از مقدراتی که فرموده) محو و آنچه را بخواهد ثبت میفرماید.

البته اشکالاتی به این مسئله شده و شبهاتی پیش می آید که در ضمن سئوالات ۸۲ پرسش از شهید آیت الله دستغیب مطرح شده و با پاسخهای کافی شافی آن بزرگمرد مکرر به چاپ رسیده است. برای دانستن آن به کتاب ۸۲ پرسش مراجعه فرمائید. (ناشر).

در جلد ۱۳ بحار الانوار ونجم الثاقب حاجی نوری و دارالسلام نیز که به فارسی نوشته شده، دربارهٔ علائم غیر حتمی مشروحا" بحث شده است و راستی سزاوار است علاقمندان از این کتابها بهره ببرند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴

زمین خالی از حجت نیست

ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر
ان الارض يرثها عبادى الصالحون

از مطالب مسلم که در مذهب شیعه ضروری است و علاوه بر
برهانهای عقلی که بر آن اقامه شده است دلیلهای نقلی و روایات
متعدد نیز رسیده این است که از ابتدای آفرینش تا قیام قیامت،
هیچوقت زمین از حجت خدا خالی نیست، خواه پیغمبر یا وصی او
یعنی امام.

اگر زمین از حجت خالی بماند، دستگاه آفرینش بهم می-
خورد.

کشاندن بندگان بسوی خدا

زیرا غرض از آفرینش کشانیدن بندگان بسوی خدا است و لازمه آن وجود حجت الهی می باشد . اگر پیغمبر یا امام نباشد که خلایق را بسوی خدا سوق دهد ، نقض غرض می شود یعنی وقتی راهنمای الهی در میان خلق نباشد مردم روبه گمراهی و شهوات می روند و از معنویات و روحانیت باز می مانند ، حجت الهی هم بر آنها تمام نیست دنیا را یکپارچه شهوات و مادیات فرا می گیرد .

اول امام ، سپس مأموم

لذا فرمود اگر روی زمین بیش از دو نفر وجود نداشته باشد یکی از آنها امام است و دیگری مأموم .

هنگامی که خداوند می خواهد خلایق را بیافریند نخست آدم ، نماینده و خلیفه خود را می آفریند ، آنگاه از نسل او آدمیان را . نخست باید راهبر و راهنما معین شود ، سپس کسانی که برای رو به خدا آمدن و سوق الی الله آفریده میشوند ابتدا باید مدیر و مدبر مشخص گردد ، بعد دستگاه .

از نسل اول تا زمان خاتم الانبیاء رشته نبوت و امامت متصل بوده است . هر کس شرح مفصل آنرا مایل است به کتاب اثبات الوصیه مسعودی علیه الرحمه مراجعه نماید .

اتصال امامت بروز قیامت

از رسول خدا (ص) تا حجة بن الحسن العسکری (ع) نیز در دین مقدس اسلام مشخص است و تا قیام قیامت این امامت متصل

است .

هیچوقت امام از دنیا نمیرفت مگر اینکه امام پس از خودش را تعیین کرده بود . در کتابهای روایت این معنی از مسلمیات است . هر یک از امامان ما نص صریح دربارهٔ جانشین خود داشته‌اند . بویژه حضرت مهدی علیه السلام که از انبیای گذشته و از خاتم الانبیاء و هر یک از آباء عظامش بر امامتش و خاتم الاوصیاء بودنش روایات متعدد رسیده است و همه مژده به آمدن آن آقائی داده‌اند که وعده الهی بدست او انجام می‌گیرد که غیر از گوینده لا اله الا الله محمد رسول الله (ص) نباشد ، آن وعده‌ای که خدا به همه انبیاء داده که زمین را روزی از لوث شرک پاک میکنیم زمین را به بندگان صالح می‌سپارم^۱ عملی شدنش بدست حجة بن الحسن (ع) است ، فسق و فجور از زمین ریشه‌کن میشود و جز خیر و خوبی ، عدل و احسان نمی‌ماند . شهوترانی ، حرص و حسد ، کینه و بخل کنار میرود معنویت و روحانیت جایش قرار می‌گیرد ، در آن زمان است .

بی‌نیازی به برکت نور ولایت

زمان عجیب و بی‌نظیری است که همه انبیاء و اولیاء انتظار مقدمش را می‌کشیدند و آرزوی درک چنین زمانی را داشتند . از جمله اموری که در زمان حضرت واقع میشود ؛ به برکت نور ولایت ، بی‌نیازی نصیب مؤمنین میشود یعنی چنان دلشان روشن می‌گردد که ظلمت حرص از آنها بیرون میرود ، هر کس که خوراک

۱- و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون .
سوره انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵ .

معمولی خودش را داشته باشد؛ دیگر حرص نمیزند و خودش را نیازمند نمی بینند.

خوشی به برکت قناعت

مروی است کسی که می خواهد زکوة واجبش را بپردازد بدنبال مستحق می گردد، جار میزند؛ اعلان میکند، تا یک هفته عقب نیازمند می گردد کسی پیدا نمی شود زکوة او را بگیرد. چون به برکت نور علم و ولایت، همه خود را بی نیاز می بینند لذا قانعند و راستی قناعت به آنچه خدا عنایت فرموده است موجب دلخوشی می شود و روزگارشان را به خوشی می گذرانند چه روزگار مبارکی است.

وسائل سریع در خدمت امام زمان (ع)

خداوند، حجة بن الحسن (ع) را برای آن زمان خاص، ذخیره فرموده است تا مقتضیات ظهورش فراهم گردد، مردم استعداد درک آن وجود مقدس را داشته باشند. حسب روایات شریف و مستفاد از اخبار آن است که خداوند برای پیشرفت ظاهری آن حضرت وسائل سریع را در اختیار او قرار میدهد که مقدمات آن از ماشین و هواپیما فراهم شده است. و به سرعت نور عدل را در جهان می گستراند بقسمی که دیگر جنگ و نزاع پایان می پذیرد حتی حیوانات متضاد دیگر با هم درگیری ندارند.

مهدی به اتفاق مورخین حجة بن الحسن است

آن بزرگوار که مژده آمدنش را پیغمبران و امامان داده‌اند و خصوصیات زمان پربرکتش را نقل کرده‌اند، به اتفاق بسیاری از مورخان و راویان، شخص حجة بن الحسن العسکری (ع) است.

ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمه‌اش و گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان و حافظ ابونعیم در کتاب اربعین و محیی الدین اعرابی در کتاب فتوحات مکیه‌اش مخصوصاً "تصریح مینماید که آن حضرت محمد بن الحسن بن حسین بن علی بن ابیطالب علیهم الصلوٰۃ والسلام میباشد.

حاجی نوری در کتاب النجم الثاقب نام علمائی را که درباره آن حضرت تالیفات دارند ذکر کرده است.

تولد مهدی مطابق کلمه نور

آن بزرگوار بنا بر شهر در سال ۲۵۶ هجری قمری متولد گردید که بحساب ابجد تاریخ تولدش مطابق کلمه نور میشود.

پدرش حضرت امام حسن عسکری (ع) او را مخفی داشت مگر نزد خواص اصحابش.

پس از فوت آن حضرت معتضد خلیفه عباسی جاسوس‌هایی به خانه آن حضرت فرستاد تا اگر فرزندی از آن جناب باشد دستگیر سازند در همان روز حضرت از انظار غائب گردید و هرچه گشتند او را نیافتند.

در مدت ۷۴ سال غیبت صغری چهار نفر بعنوان نایب خاص آن حضرت معین شدند که قبلاً "تذکر داده شد.

ملاقات با مهدی (ع) در زمان غیبت

دیدن حضرت حجة در زمان غیبت کبری تا خود آن حضرت نخواهد محال است اگر خود حضرت صلاح بداند خودش را به کسی نشان بدهد یا بشناساند و گرنه غیر ممکن است.

البته بزرگان و صالحانی بوده و هستند که به این فضیلت و شرافت مفتخر شده و می شوند.

آنچه مسلم است کسی بعنوان سفارت و نیابت خاص از طرف آن حضرت بهایشان ملاقات نخواهد کرد و هرکس دعوی چنین ملاقاتی را بکند دروغگو است.

اما برای مصالح متعدد و از آنجمله اعتقاد بیشتر اهل تقوی و شیعیان آن حضرت برای بزرگانی در هر زمان این سعادت پیش می آید.^۱

نور ولایت در شب تار نورافشانی میکند

از جمله کسانی که در اوائل غیبت کبری به این سعادت نائل شدند ابراهیم بن مهزیار یا علی بن مهزیار اهوازی است در جلد

۱- در کتاب داستانهای شگفت اثر بینظیر شهید محراب آیت الله دستغیب داستانهای واقعی متعددی از این قبیل بزرگان در زمان حاضر نقل شده است که توسط حضرت مهدی (ع) چه بیمارها که شفا یافتند و چه درماندگانی که رفع گرفتاریشان گردید و چه حاجتمندانی که نیازشان برآورده شد و راستی همانطور که آن شهید در مقدمه اش نوشته این کتاب برای زیادتای ایمان به غیب و امید به خدا و توسل به اهل بیت بسیار نافع است.

۱۳ بحار الانوار و اکمال الدین و اتمام النعمه صدوق و الغیبه شیخ طوسی ذکر کرده‌اند.

ابن مهزیار از طایفه‌ای است که آب‌اء و اجدادش با اهل بیت ارادت خاصی داشتند همه پیروان ولایت بودند.

جدش خدمت حضرت هادی (ع) مشرف می‌شد شبی در بیابان تاریک جهت پیدا کردن آب برای وضو می‌گشت ناگهان از مسواکی که در دست داشت نوری تابید و منظره آب را بوسیله این نور پیدا کرد.

نخست وحشت کرد بعد متوجه شد این نور طوری نیست که سوزش داشته باشد وضو گرفت و نمازش را خواند و پس از مدتی آن نور خاموش گردید.

وقتی خدمت حضرت حضرت هادی (ع) رسید جریانش را گفت و سؤال کرد این نور چه شد؟

حضرت فرمود این نور ولایت ما اهل بیت میباشد غرض ابن مهزیار پسر زاده چنین بزرگواری است که ولایت را به ارث از آبائش برده است.

بیست سال سفر مکه به شوق دیدار مهدی (ع)

پس از آنکه غیبت کبری شد ابراهیم یا علی بن مهزیار بیست سال از خودش سلب آسایش کرد و همه ساله مکه مشرف می‌شد، از نخستین افرادی بود که به مکه می‌آمد و از آخرین افرادی بود که از مکه خارج میشد چون میدانست که ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هر ساله در مراسم حج مخصوصاً "در موقف عرفات حضور خواهد داشت تمام شوقش در این بیست سال دیدار آن حضرت بود.

کوشش بسیار نمود، تضرع زیاد کرد، به درگاه خدا نالید، پس از بیست سال شبی در خواب به او گفتند امسال به حج برو که به مقصد خودت میرسی.

بیدار شد و سائل سفر را آماده کرد به کوفه آمد و از آنجا راهی مدینه و سپس مکه گردید.

شبى قبل از تاریک شدن هوا در حال طواف جوان زیبائی را دید که نور عبادت از پیشانی اش آشکار است و دوحله سفید پوشیده است به ابن مهزیار رسید و با هم مصافحه کردند.

از ابن مهزیار پرسید اهل کجائی؟ گفت اهواز.

پرسید از ابن خضیب چه خبر داری؟ (ابن خضیب از مخلصان اهل بیت و مردی مجتهد، سحرخیز و شب‌زنده‌دار بود) این مهزیار گفت فوت شده سه مرتبه فرمود رحمت خداوند بر او باد. چه شبهائی که برمیخاست و رو به درگاه خدا می‌آورد رحمت خدا بر او باد. آنگاه پرسید از ابن مهزیار چه خبر داری؟

گفت من هستم. فرمود توئی؟ ابن مهزیار گفت آری. فرمود امانتی که از ابامحمد حسن العسکری (ع) باقی مانده، کو؟ انگشتی که بهارث به او رسیده بود به آن بزرگوار داد، بوسید و گریه کرد.

آنوقت فرمود: رستگار شدى، به چه قصد آمدی؟

ابن مهزیار گفت: بیست سال است به امید دیدار امام محجوب (در حجاب غیبت) می‌آیم.

فرمود امام که محجوب نیست؛ شما محجوب هستید، اعمال بد شما باعث شده که از او محجوب شوید.

آنوقت فرمود به من اذن داده شده که ترا خدمت امام برسانم. امشب وقتی که ستارگان کاملاً روشن شدند، نزد کوه صفا بیا تا تو

را خدمت آن حضرت ببرم .

گوید آن جوان سر موعد آمد ، همراه آن بزرگوار به راه افتادیم .
مقداری از پستی و بلندیها گذشتیم . فرمود وقت سحر و موقع نماز
شب است . دونفری ایستادیم و نماز شب خواندیم ، باز حرکت کردیم
طلیعه فجر طالع گردید ، فرمود پیاده شو ، نماز صبح را اول وقت
بخوانیم .

سپس حرکت کردیم به یک وادی رسیدیم که نور از دور ساطع
بود و بوی مشک و عطر به مشام میرسید .

وسط وادی خیمه‌ای برپا بود که از آن نور به آسمان برمیخاست ،
اینجا که رسیدیم فرمود پیاده شود مرکبت را رها کن ، اینجا وادی
امن است .

مقداری که نزدیک شدیم ، فرمود اینجا بایست تا برایت اذن
دخول بگیرم ، رفت و برگشت و گفت موفق بهر خیری شدی .

دامن خیمه را بالا زدند ، نور چهره مبارکش چشم را خیره
کرد ، نزدیک بود مدهوش شوم ، عرض ادب و ارادت کردم حضرت
احوال شیعیان عراق را پرسید .

فرمود من در گوشه و کنار که آبادی ؟ و رفت و آمد مردم نباشد
زندگی میکنم .

همیان زر را تقدیم امام (ع) میکند . میفرماید ما را احتیاجی
نیست ؛ خودت بردار که به آن نیاز پیدا میکنی و همینطور هم شد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵

مژده آمدن مهدی در کتب آسمانی

ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر
ان الارض يرثها عبادي الصالحون

مسئلهء امامت و خلافت امام دوزادهم حضرت مهدی علیه السلام و غایب شدن و سپس ظاهر شدن و جهان را پر از عدل کردن بقدری مهم است که در کتابهای آسمانی از آن خبر داده شده و پیغمبران گذشته امتهای خود را مژده می دادند که در آخر الزمان آقائی داعی الهی ظهور میکند و جز اهل صلاح بر زمین باقی نمی ماند.

در آیه شریفه ای که تلاوت شد صریحا " می فرماید: در "زبور"

نوشتیم که زمین را بندگان صالح من وارث می‌گردند.^۱
 در این آیه از زمان مهدی (ع) خبر می‌دهد که زمین یکپارچه
 عدل و داد است و دیگر از کفر و فسق و فجور خبری نیست.
 در صحف ابراهیم و تورات موسی و انجیل عیسی و چند جای
 قرآن مجید از این جریان خبر می‌دهد.
 واراده کردیم به کسانی که در زمین مستضعف شدند منت گذاریم
 و آنان را پیشوایان قرار داده و وارثینشان گردانیم.^۲

مفاسد اخلاقی از بشر برداشته میشود

خداوند وعده فرموده است که زمین را پر از عدل و داد کند
 جمیع ملل عالم را خبردار کرده است که این کره زمین عاقبت بخیر
 خواهد شد. غیر از موءمن صالح بر روی آن نخواهد بود، ظلم و جور،
 فساد و نفاق، حسد و کینه دیگر نمی‌ماند.

مروی است از ابتدای آفرینش بشر که قابیل بر هابیل حسد
 برد و او را کشت تا زمان ظهور حضرت حجت بن الحسن العسکری
 (ع) این مرض در میان بشر خواهد بود.

اما با ظهور حضرت، بقدری علم قوی و ایمان محکم میگردد
 که در دلی ذره‌ای کینه و حسد نمی‌ماند؛ همه برادروار می‌گردند،
 مثل اعضای یک بدن بدرد هم می‌خورند و با هم دوستی می‌ورزند،

۱- ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون.
 سوره انبیاء ۲۱، آیه ۱۰۵.

۲- ونرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم
 الوارثین. سوره قصص ۲۸، آیه ۵.

لذا برکات ظاهری نیز بر آنها نازل می شود و به برکت حضرت وفور نعمت بحد نهایت میرسد از آنجمله:

زمین گنجهایش را بیرون می ریزد

حسب روایاتی که در این زمینه رسیده است زمین گنجهایش را بیرون می دهد، نیمه اند گنجی در جوف زمین مگر اینکه آنرا بیرون می ریزد. آری زمانی است که نور حجة بن الحسن (ع) جهان را اداره میکند^۱ بشر مستغنی می شود، هر جا برود نور مهدی (ع) است، مثل سایر زمانها نیست، قطعه ای خاص از زمان است که خداوند چنین اراده فرموده است.

نیروی قوای بدن در زمان مهدی (ع)

مروی است که در آن زمان جمیع قوای بدن افراد تغییر میکند، چشم و گوش قوی می شود، بقدری بینائی قوی میشود که تا چهار فرسخ را به آسانی می بیند و اگر حضرت حجة بن الحسن (ع) بر سر چهار فرسخی سخن بفرماید گوشها می شنود و چشمها جمالش را می بیند. نسبت به قوای بدنی مثل دست و پا مروی است به قدری قوی می شوند که کوهها را با دست جدا می کنند.

راستی که حقیقت بهشت در روی کره زمین در آن زمان تحقق پیدا می کند.

بیخود نیست که انبیاء و اولیاء آرزوی چنین ایامی را میکردند و برای تعجیل آن دعا می نمودند.

۱- (و اشرق الارض بنور ربها . سوره زمر ۳۹، آیه ۶۹ .

دعای امام صادق (ع) در تعجیل فرج

در کتاب اقبال سید بن طاووس از جناب محمد بن مسلم روایت میکنند که گفت شب قدر (بیست و سوم ماه مبارک رمضان) رفتم خدمت حضرت صادق (ع) تا احیاء به عبادت را در خدمت حضرت بگذرانم از اول شب تا آخر حضرت دعا و نماز میخواند منهم پشت سر آقا بودم، هرکاری میکرد منهم میکردم.

پس از نماز صبح حضرت دعائی طولانی با حالت تضرع خواند از آن جمله در ضمن دعا چنین خواند: خدایا شتاب کن در فرج کسی که به فرج او برای دوستان گشایش است.^۱

پس از آن پرسیدم آقا او کیست؟

فرمود فرزند زاده من، نام او نام جدم است (یعنی خاتم الانبیاء محمد (ص) مهدی موعود است که در زمان او عدل برپا میگردد. ظلم و جور، فسق و فجور از بین میرود.

لذا در شب بیست و سوم در هر حال مستحب است دعای فرج حضرت ولی عصر (ع) خوانده شود.^۲

ثواب شهادت برای منتظران مهدی (ع)

باید شب و روز چشم براهش بود همانطور که شیوه^۳ اختیار و

۱- اللهم عجل فی فرج من بفرجه فرج اولیائک. کتاب اقبال.

۲- اللهم کن لولیك حجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا "و حافظا" و قائدا" و ناصرا" و دلیلا" و عینا" حتی تسکنه ارضک طوعا" و تمتعه فیها طویلا". مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه.

ابرار بوده است .

اگر کسی جدا " آرزوی ولیعصر (ع) را داشته باشد و به این آرزو بمیرد مثل این است که در خیمه ولیعصر است .
کسی که با این تمنا بمیرد مثل کسی است که در راه خدا در رکاب ولیعصر شهید شده است .

جای شبهه برای کسی نمانده است

رسول خدا (ص) و ائمه هدی علیهم الصلوات والسلام بقدری درباره آن حضرت سخن فرموده اند در مکانهای متعدد و بمناسبتهای مختلف درباره مهدی (ع) بیان فرموده اند که جای شبهه برای کسی باقی نمانده است .

اسمش را بیان فرمود که هم اسم من است (محمّد) و کنیه اش کنیه من یعنی ابوالقاسم است و فرمود نهمین فرزند این حسین (ع) است و اشاره به حضرت ابی عبد الله الحسین کرد " یملاء الارض قسطا " و عدلا " بعد ما ملئت ظلما و جورا " زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد .
خصوصیاتش را بیان فرمود بقسمی که هیچگونه ابهام و اجمال در کار نباشد از آن جمله :

اصحاب مهدی ، بعدد اصحاب بدر

عدد اصحابش را سیصد و سیزده نفر بیان می فرماید البته این افراد نخستین هستند و بعدا " به آنها ملحق می گردند بعدد اصحاب بدر در رکاب خاتم الانبیاء (ص) .
و این هم لطیفه ای است که یاران نخستین اسلام و کسانی که

در ابتدای ظهور اسلام در رکاب پیغمبر (ص) حاضر به فداکاری شدند به همان تعداد در رکاب فرزندش مهدی (ع) نیز برای تجدید حیات اسلام و اجراء احکام قرآن جمع کردند.

ظهورش از مکه و ملائکه یارش میباشند

محل ظهورش از مکه معظمه خواهد بود و سلطنتش عالمگیر می شود حکومتش تمام کره زمین را فرا خواهد گرفت.

هنگامی که ظهور می فرماید حبرئیل طرف راستش و میکائیل طرف چپش، اسرافیل درپیش و عزرائیل در عقبش روان اند و ملائکه یارانش میباشند.

در این زمینه در کتابهای تالیف شده درباره آن حضرت زیاد قلمفرسایی شده است.

رفع حوائج مردم بوسیله نواب اربعه

در زمان غیبت صغری هفتاد و چهار سالی که بود و عرض شد چهار نفر بترتیب عهده دار نیابت از حضرت بودند عثمان بن سعید و محمد بن عثمان و حسین بن روح و علی بن محمد سمری که اکنون قبر شریف ایشان در کنار بازار بغداد موجود و مزار می باشد.

در زمان نواب اربعه از اطراف و اکناف هر کس از شیعیان مطلبی داشت بوسیله نواب با امام (ع) تماس میگرفت و رفع مشکلش می گردید.

پس از غیبت کبری و رجوع به علماء عاملین حسب فرمایش خود امام بشرحی که قبلاً "گذشت عذری برای کسی باقی نمی ماند باید در عبادات و احکام دینی به فقهاء عدول مراجعه نمایند.

عمل به احتیاط هم باید بنظر علماء باشد

کسی نمی تواند بگوید من به علماء کاری ندارم و در مسائل شرعی عمل به احتیاط می کنم یا خودم رجوع به اخبار می کنم و از روایات تکلیفم را می فهمم .

باید دانست که فهمیدن تکلیف شرعی از روی روایات و قرآن مجید کار همه کس نیست هر چیزی را اهلی است و در هر کاری عقلاء به اهلش مراجعه میکنند و در فقه نیز باید به اهل خبره مراجعه کرد . عمل به احتیاط کار هر کس نیست اصلاً " شناختن راه احتیاط را باید خود علماء معین نمایند پس در خود عمل به احتیاط نیز احتیاج به رجوع به علماء است چه بسا کارهایی میکند و بنظرش خوب و مطابق احتیاط است در حالی که احتیاط در ترک آن کار بوده است یا کارهایی را ترک میکند به خیالش احتیاط کرده در حالی که احتیاط در بجای آوردنش بوده است .

۱۱۵۶ حدیث درباره ظهور مهدی (ع)

اینک اشاره ای هم از علائم حتمی ظهور حضرت بکنم علاماتی که در اخبار از آن یاد شده و مقارن با ظهور آن حضرت است و لازم است همه آنها را بدانند تا دروغ بودن ادعای مدعیان باطل برایشان واضح تر گردد ، قبلاً " نیز اشاراتی شده و در ضمن صحبت های روز گذشته از بعضی سخن رفت ، اینک به دنباله آن .

از طریق اهل بیت قریب یک هزار حدیث با سلسله سند امامی مذهب و یکصد و پنجاه و شش حدیث به طریق عامه راجع به علائم ظهور و زمان حضرت حجت و کیفیت غیبت و ظهور آن حضرت رسیده است و راستی کمتر موضوعی است که اینقدر به آن اهتمام داده

باشند.

در تعداد علائم حتمی مختلف ذکر شده ده و نه و هفت و پنج نیز ذکر کرده‌اند.

صیحه آسمانی در ماه رجب و رمضان

از نشانه‌های حتمی، صیحه آسمانی در ماه رجب است که سه مرتبه صدا از آسمان بلند میشود "ازفت الازفه" بطوری که همه می‌شنوند.

دیگر در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان منادی در آسمان ندا میکند موقع ظهور مهدی آل محمد (ص) است. نیست کسی که این ندا را نشنود، هرکس به زبان و لغت خودش آنرا می‌شنود، از آسمان اعلان ظهور حضرت بلند میشود.

هیاهوی سفیانی پانزده ماه است

از علائم حتمی قبل از ظهور که قبلاً "نیز اشاره شد، خروج سفیانی است، پانزده سال قبل از ظهور حضرت حجة بن الحسن (ع) سفیانی ظاهر می‌گردد. اسمش عثمان و اسم پدرش عنبسه است، نسبش هم به یزید بن معاویه میرسد در وادی "یابس" حدود شام آشکار میگردد خیلی زشت‌رو است. آبله‌رو و یک چشمی (اعور) است، سرش بزرگ و به اندازه سر گاو است.

سه شبانه‌روز در مدینه همچون جدش یزید، قتل و غارت میکند، از حضرت مهدی (ع) تجسس میکند که در بیابان بیداء لشکریانش به زمین فرو می‌روند.

مدت سلطنتش ششماه است و هیاهو و فتنه‌اش پانزده ماه می‌—

باشد.

دجال، ساحری شوم

از دیگر علائم حتمی الوقوع، خروج دجال است. در کتاب بحار جلد ۱۳ تفصیلش را ذکر کرده است بطور مجمل، انسانی است مهیب و به حسب خلقت یک چشم بیشتر ندارد و جای چشم دیگرش صاف است نه اینکه کور است بلکه جای چشم دیگرش پوست است. آن یک چشم هم در پیشانی قرار گرفته است و در داخل چشمش قطعه خونی نمایان است.

دجال ساحری ماهر و شوم است، از جمله سحرهایش نشان دادن آب و نان به مردم است، انواع نمایشات به همراه دارد که به هر نقشی عده‌ای را می‌فریبد.

اهل ایمان را نمیتواند بفریبد

هر کافر و منافق و ضعیف الایمانی پیرو دجال میشود اما مؤمن فریب او را نمی‌خورد و در روایت چنین رسیده که مؤمن تا به دجال رسید، سوره‌ای از قرآن می‌خواند و آب دهان به صورتش می‌اندازد و رد میشود. شر و سحر او به اهل ایمان ضرری نمیزند و کارگر نخواهد بود.

البته کسی که تکیه‌اش به خداست هیچکس نمیتواند ضرری به او بزند مگر آنکه خدا مقدرش فرموده باشد و آنچه هم خدا مقدر بفرماید خیر شخص در آن است.

عیسی (ع) در رکاب مهدی (ع)

در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم و مسند ابی داود و غیر اینها از کتب معتبر عامه روایت از رسول خدا نقل نموده اند که هنگام ظهور حجة بن الحسن (ع) عیسی بن مریم از آسمان نازل میشود و عقب سر امام زمان (ع) نماز میخواند فرمود:

چگونه اید شما "مسلمانان" هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما (به نماز ایستاده است در حالیکه) امام جماعت شما مهدی آل محمد (ص) است.

و همچنین فرمود گمراه نشود امتی که اولش من و آخرش مهدی و وسطش عیسی است.

در روایت صحیح دیگر است که عیسی دست حضرت مهدی (ع) را میگیرد (و با آن حضرت بیعت مینماید) حضرت به او میفرماید جلو بایست. (تا با تو نماز گذاریم) عیسی (ع) عرض میکند شما سزاوارترید به امامت.

تبلیغات فرقه ضاله در دهات

مخصوصاً "در علائم حتمی ظهور امام زمان تاکید نمودم تا صدای من بگوش بیخبران برسد مخصوصاً" در دهات که کمتر با کتاب و مجالس و عظ و علماء سروکار دارند لذا فرقه ضاله هم بیشتر تبلیغاتش را در این دهات می کند.

البته من و شما هم مقصریم باید افراد کتاب خوان و جوانان متعهد برومند این حقایق را نشر دهند بگوش این بیچاره های بیخبر برسانند کتابهای مناسب درباره حضرت مهدی (ع) منتشر نمایند. به اینها برسانند که هیچیک از علائم حتمی ظهور آقا هنوز

واقع نشده است.^۱

ابوراجح حمای و عمر دوباره

ختم کنم عرایض را بذکر معجزه‌ای از حجت بن الحسن (ع) که در حله واقع گردید داستان ابوراجح حمای که مشروحا "در جلد ۱۳ بحار الانوار و کتاب کشف الغمه و غیره ذکر گردیده است و بنده بطور اجمال و خلاصه عرض میکنم.

ابوراجح حمای از شیعیان مخلص اهل بیت در حله و از ارادتمندان حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود بواسطه جریانی مورد غضب حاکم حله واقع گردید دستور داد او را بزنند تا بمیرد.

بسختی او را زدند تمام دندانهایش ریخت و سرتاپایش زخم گردید آنوقت گفت دماغش را سوراخ کردند و بندی از مو در آن کردند سپس گفت بدن نیمه جانش را در کوچه و بازار بکشند در اثناء راه بحال مرگ افتاد، حاکم گفت همانجا او را بکشید.

عده‌ای جمع شدند و گفتند این بیچاره خودش در حال مرگ است چکارش دارید بگذارید خودش بمیرد و بالاخره او را رها کردند همه منتظر مرگش بودند.

خانواده‌اش خبردار شدند و بدن نیمه جان و در حال مرگش را

(۱) البته در صفحات قبل خواندید بنا بر بعض روایات انقراض سلسله خلفای عباسی قبل از ظهور مهدی (ع) از نشانه‌های حتمی شمرده شده که قرن‌ها قبل واقع شده است و بر فرض که اینطور بگیریم منظور علائم حتمی مقارن و نزدیک ظهور آن حضرت میباشد.

بخانه آوردند.

بامداد ملاحظه کردند ابوراجح بر روی سجاده نشسته صحیح و سالم سرگرم تعقیب نماز است.

اطرافش را گرفتند جریانت چیست؟ بدنش مثل نقره فام شده از آثار زخم دیروز اصلاً "خبری نیست، دهان و دندانهایش در کمال سلامتی است بسیار زیبا و جوان شده است.

گفت دیشب در همان حال بیچارگی خواستم به حجة بن-الحسن (ع) استغاثه کنم. دیدم زبان ندارم دلم شکست، با دل شکسته به مولایم توجه کردم که دیدم هوا منور گردید آقا تشریف آوردند و با دست مبارک سر تا پای من کشیدند و مرا شفا دادند. ابوراجح آبله رو هم بود ولی پس از این ماجرا صورتش صاف و بسیار زیبا میگردد به قسمی که اهل حله مرتباً "برای دیدارش می آمدند.

خبر به حاکم دادند. از رعب برخورد لرزید و توبه کرد و از این به بعد رو به مقام مهدی (ع) مؤدب می نشست.^۱ خداوند علاوه بر عمر دوباره که به ابوراجح داد چندین فرزند ذکور نیز به او عنایت فرمود.

۱- مقام مهدی (ع) هم اکنون در حلهء عراق موجود است و محل زیارت و عبادت اخیار میباشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٦

منافع امام غائب کدام است؟

خلاصهٔ بحثهای گذشته دربارهٔ مهدی علیه السلام این شد که مصلحت الهی اقتضاء مینمود امام دوازدهم مدتی از انظار غائب بماند و پس از مدت معلوم نزد پروردگار او را آشکار سازد و زمین را از سم پاک سازد و خداپرستی را رایج فرماید و هرکس هنگام ظهور امام زمان را معین کند دروغ گفته است و این دانش ویژهٔ خداوند است.

همچنین پس از غیبت صغری دیگر نیابت خاص تمام شده و هرکس بعنوان سفارت و نیابت از آن حضرت دعوی دیدن حضرت را بکند و پیغام آقا را به این و آن برساند، او نیز دروغگو است. اما مطالبی که باید اکنون عنوان شود فائده امام غائب است

در زمان غیبت کبری چگونه خلق از او بهره‌میرند درحالی‌که او را نمی‌بینند و نمی‌شناسند.

کتب روایی یادگار ائمه (ع)

اولاً "نسبت به تکالیف بندگان، آنان را سرگردان نگذاشتند و همانگونه که مشروحاً" گذشت شیعیان را به فقهای عدول حواله فرمودند.

دیگر آنکه کتب اخبار که یادگار ائمه هدی علیهم‌السلام است در میان ما است که اهلش میتوانند از آنها بهره‌هایی کافی ببرند نیست مشکلی مگر اینکه پاسخ را در کتابهای روایت می‌توان یافت. در رشته‌های مختلف دینی انواع شبهات را پاسخ فرموده‌اند در باب اصول عقائد و مشکلاتی که ممکن است پیش بیاید این همه روایت رسیده است که در کتابهای احتجاج که بزرگان دین ما تالیف کرده‌اند معظمی از آنها نقل شده است.

نزول رحمتها و دفع بلاها

اما منافع وجود مبارکش قطع نظر از حضور یا غیبتش را نباید از نظر دور داشت. اصلاً "وجود امام (ع) موجب نزول رحمتهای الهی و واسطه در فیض است. هر خیری به هر کس که میرسد به بوقت و وسطیت آقا است و برکات عمومی نیز بواسطه او است.

همانطوری که هر بلائی از هر کس دفع میشود یا بلاهای عمومی که مرتفع میگردد، آنها به شفاعت و وسطیت آن بزرگوار است چه حاضر باشد یا غائب.

از حیث روایت، نخستین کسی که این پرسش را نمود جناب

جابر بن عبدالله انصاری بود:

فایده آفتاب از پشت ابر

جابر از صحابه خاص رسول خدا (ص) است، پس از آنکه پیغمبر (ص) خبر داد که وصی دوازدهمین من دارای دو غیبت است غیبت صغری و غیبت کبری و خلق از دیدارش محرومند، جابر پرسید یا رسول الله (ص) آیا مردم در زمان غیبتش از او بهره میبرند؟ فرمود: قسم به خدائی که مرا به پیغمبری برگزید، همه مردم از وجودش بهره میبرند مانند بهره بردنشان از آفتاب در روز ابری. این تشبیه رسول خدا (ص) است که پرده غیبت را همچون ابر در برابر نورافشانی آفتاب ذکر می فرماید:

در روز ابری درست است که خورشید نمایان نیست ولی روشنی که هست مردم از دیدن قرص خورشید محرومند ولی منافعش به آنها میرسد.

نکته دیگر تعبیر به استفاده همه مردمان می فرماید چه مؤمن و چه کافر، چه شیعه و چه سنی همه از وجود مبارکش بهره مند می گردند که واسطه در فیض بودنش هست نزول رحمتها و دفع بلاها چه شخصی و چه اجتماعی از برکات وجودی آن بزرگوار است.

ایمان به غیب و امتحان مردم

از منافع غیبت امام (ع) امتحان مردم در ایمان به غیبت است، اساس دین عقیده به غیبت است. در اول سوره البقره می فرماید: این قرآن اسباب هدایت برای پرهیزگاران است آنان که

به غیب ایمان می آورند.^۱

ایمان به غیب یعنی ایمان به چیزی که از حس خارج است کسانی که به امام زمان (ع) ایمان می آورند با اینکه او را به چشم نمی بینند بلکه بواسطه آیات و روایات و اخبار بزرگان که بوجود آن بزرگوار خبر داده اند یقین پیدا می کنند.

همانطور که نسبت به مبدء و معاد چنین است لذا خود این غیبت وسیله ای برای ترقی مؤمنین است تا بهره مند شوند و ایمان محکم و قوی پیدا نمایند.

سعی در عبادت و ترک معصیت

از جمله منافع وجود مبارکش، خودداری مردم است از گناه و روی آوردن به اطاعت حق به این شرح:

پس از آنکه مؤمنین به حکم قرآن مجید باور کردند که اعمالشان به نظر امام زمان میرسد لذا سعی می کنند گناهی از آنان سر نزنند بلکه در نامه اعمالشان عباداتی باشد که موجب خوشنودی و لیعصر گردد.

قرآن مجید می فرماید:^۲ بگو عمل کنید پس بزودی خداوند می بیند کارتان را و پیغمبرش و مؤمنین.

مؤمنین در آیه شریفه مطابق تفسیری که رسیده است ائمه

۱- الم ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب .
سوره البقره ۲، آیات ۱ تا ۳.

۲- و قل اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله و المؤمنون . سوره توبه ۹، آیه

هدی علیهم السلام و امام در هر زمان است .

حاجاتی که به برکت آن حضرت روا میشود

از جمله منافع وجودی امام (ع) قضاء حوائج ببرکت آن بزرگوار است . خدا داند چه اشخاصی در هر وقت او را میان خود و خدای خود واسطه قرار داده و از خداوند به برکت او حاجت خود را می-طلبند و خداوند نیز حاجتشان را روا می فرماید . چه دعاهائی که به برکت توسل به آن بزرگوار مستجاب میشود . آنچه در کتب نوشته شده ، قطره ای است از دریای بی پایان کرامات آن بزرگوار .

نماز استغاثه به آن بزرگوار مشهور و مجرب نیز میباشد تا شیعیان بهره مند گردند .

قضیه ابوراجح حمای را عرض کردم که به برکت توسل به آن بزرگوار عمر دوباره یافت و خداوند او را جوان و زیبا کرد و چند فرزند پسر نیز به او عنایت فرمود .

قبلا " نیز قضیه ای را که صاحب کشف الغمه نقل نمود و در زمان خودش حدود ۶۳۵ هجری قمری واقع گردید گفتم . می نویسد : در تمام عراق این قضیه مشهور شد و آن قضیه اسماعیل بن حسن هرقلی است که در زمان ریاست جناب سید بن طاووس در حله واقع گردید و خلاصه اش گذشت .

سنت پیغمبران در حضرت حجة (ع)

شیخ صدوق در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه روایتی به سند صحیح از حضرت سجاد علیه السلام نقل نموده که می فرماید

در قائم ما یعنی حضرت مهدی (ع) سنتی از آدم و نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و خلاصه سنتی از پیغمبران گذشته است هر کدام را ذکر میفرماید ما هم در این ایام مبارک^۱ روایت مزبور را عنوان می‌کنیم، شباهت‌هایی که در حضرت حجة^۲ از انبیای گذشته است، راستی به مضمون این شعر لطیف:

حسن یوسف، دم عیسی ید و بیضا داری
آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری.

طول عمر شباهتی با آدم و نوح

سنتی که از آدم و نوح در حضرت مهدی (ع) است، طول عمر است. در میان پیغمبران حضرت نوح لقب شیخ الانبیاء دارد یعنی پیرمرد پیغمبران. پیرترین انبیاء ظاهرًا^۳ ایشان است حسب نص قرآن مجید مدت پیغمبریش پیش از جریان طوفان نهصد و پنجاه سال بوده است^۴ اما مدت عمرش از یک هزار و پانصد سال کمتر نوشته نشده است، دو هزار سال نیز نوشته‌اند.

۱- این سخنرانی در تاریخ ۳۶/۱/۱ شمسی مطابق ۱۹ شعبان بوده و متأسفانه چندین سخنرانی قبل از آن در نیمه شعبان و تولد حضرت حجة علیه السلام بدست نیامده امید است نوشته‌های مزبور پیدا شود و در تجدید چاپ این اثر نفیس شهید محراب آیت الله دستغیب از آن استفاده گردد. (ناشر).

۲- قلبت فیهم الف سنة الا خمسين عاما "فاخذهم الطوفان... سوره عنکبوت، ۲۹، آیه ۱۴.

دنیا خانه دو در است

مروی است هنگامی که عزرائیل خواست جان نوح را بگیرد ،
گفت ای شیخ الانبیاء ، ای کسی که عمرت از همه پیغمبران بیشتر
بوده است دنیا را چگونه یافتی ؟

فرمود دنیا را چون خانه ای دو در یافتم که از یک در وارد شدم
و از در دیگر میخوام خارج گردم .

در حالاتش نیز ذکر کرده اند خانه اش کوخی بوده بطوری که
وقتی در خانه اش می ایستاد سر و گردنش بیرون بود یعنی به اندازه
قامتش نبود .

اصحاب کهف مؤید طول عمر مهدی (ع)

غرض طول عمر حضرت نوح است که امام سجاد (ع) سنت نوح
در حضرت مهدی (ع) را طول عمر آن حضرت دانسته است .

خداوندی که قادر است دو هزار سال نوح را نگه دارد میتواند
حضرت مهدی (ع) را نیز هر مقدار بخواهد نگهدارد .

همانگونه که به نص قرآن مجید اصحاب کهف سیصد و نه سال
در آن غار ماندند^۱ بدون اینکه تغییری در لباسشان واقع شود .
سیصد سال یکنواخت خوابیدن و بعد بیدار شدن و برای مرتبه^۲ دوم
خوابیدن تا زمان حضرت خاتم الانبیاء محمد (ص) که به امر رسول
خدا (ص) علی (ع) بر بساطی نشست و در کف مزبور رفت و بر

۱- فلیثوا فی کهفهم ثلاث مائة سنین وازدادوا تسعا . سوره کهف ۱۸ ،

آیه ۲۵ .

ایشان سلام کرد و ایشان جواب دادند و برای سومین مرتبه به خواب رفتند تا زمان ظهور حضرت مهدی (ع) و فرج او حسب روایات در رکاب حضرت باشند.

آیا کسی که چنین قدرت نمائی میکند، چه مانعی دارد آن حضرت را سالیان متعددی جوان و قوی نگهدارد.

داستان عزیز و الاغش با انگور

از این شگفت‌تر داستان جناب عزیز و الاغ و انگورش میباشد که در قرآن مجید بیان فرموده است^۱ یکصد سال خوشه انگور لطیف را نگهداشت و بدن عزیز را نیز در این یکصد سال بدون هیچگونه تغییری حفظ کرد^۲ اما الاغش به حسب جریان طبیعی مرد و بدنش پوسید.^۳

انگور را یکصد سال تر و تازه و سالم نگهداشتن مهمتر است یا بدن حجة بن الحسن را دو هزار سال مثلاً.

جسدهای مومیائی چطور میماند؟

مرحوم آقای سید محسن عاملی مشهور به علامه از علمای بزرگ

۱- در کتاب معاد از بیانات شهید آیت الله دستغیب مشروحا "در این آیات صحبت شده است به این کتاب بی نظیر مراجعه شود.

۲- بل لبثت مائة عام فانظر الى طعامك و شرابك لم يتسنه. سوره البقره ۲، آیه ۲۵۹.

۳- و انظر الى حمارك... كيف ننشزها ثم نكسوها لحما... سوره البقره ۲، آیه ۲۵۹.

متاخرین و چند سالی است به رحمت خدا واصل شده است، کتابی درباره حضرت حجة علیه السلام دارد بنام البیان فی برهان صاحب الزمان و در این کتاب نظائری برای این مطلب (طول عمر و بقاء حضرت مهدی ع) ذکر نموده است.

از آنجمله می نویسد: اجساد فراعنه مصر پس از گذشتن هزاران سال کشف گردید در حالی که این بدنها کاملاً " سالم مانده بود. از جمله در کشفی که خودم حضور داشتم و مشاهده کردم، جسدی بود که در صندوقی گذاشته بودند با سفره خوراک و میوه‌هایی که مشغول خوردن آن بود.

تاریخ این بدن قبل از ولادت حضرت مسیح است که بطور حتم تاکنون دو هزار سال بیشتر است.

علم و قدرت بشر از خداست

می فرماید: جایی که بشر عادی با پی بردن به خواص گیاهان می تواند هزار سال جسدی را نگاه دارد یا مومیایی یا مواد شیمیایی میوه را هزاران سال سالم نگهدارد آیا خداوند رب العالمین و آفریدگار بشر و آن گیاهان و خواص آنها نمی تواند کسی را سالیان سال و قرن‌ها سالم و جوان و نیرومند نگهدارد؟ با اینکه علم و قدرت و کمال بشر و هر خاصیتی در هر موجودی از خداست و بس.

چشم خفاش نور آفتاب را نمی تواند ببیند

آنان که در این مسئله در شکند، چون غرق در کثافات ماده و طبیعت‌اند، لذا حقائق به این واضحی را نمی توانند درک نمایند. به تعبیر دیگر خفاش صفتانند که در مقابل نور حقیقت غیر از

اظهار عداوت چیزی ندارند اظهار کنند، نقص در بیننده است نه در حقیقت.

آیا این همه شواهد کافی نیست؟

این همه اخبار و روایات از پیغمبر اکرم و ائمه هدی درباره وجود مقدس مهدی (ع) و غیبت صغری و کبری و این همه خوبانی که هرکدام در روزگار خود نمونه بودند و اظهار همه خوبانی که هرکدام در روزگار خود نمونه بودند و اظهار داشتند به خدمتش رسیده‌ایم و او را زیارت کرده‌ایم کافی نیست. این همه گرفتارهایی که با توسل به او، رفع گرفتاریشان شد و حاجتشان برآورده گردید برای اثبات وجودش کافی نیست؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۷

پنهان ماندن ولادت چون ابراهیم

صحبت دربارهٔ حدیث شریفی از حضرت سجاد (ع) بود که فرمود در قائم ما یعنی حضرت مهدی (ع) از پیغمبران گذشته سنتی است که سنت آدم و نوح طول عمر بود که گذشت.

اما سنت ابراهیم پنهان ماندن مولدش بود همانگونه که تولد حضرت ابراهیم خلیل الرحمن مخفی نگه داشته شد، ولادت حضرت مهدی (ع) نیز مستور و خود آنحضرت نیز از انظار مخفی بود و جز به صالحین از اصحاب و خواص یاران، امام عسکری (ع) او را نشان نمیداد.

بچه‌ای که سلطنت نمرود را بهم میزند

در کیفیت آن چنین ذکر شده که به سلطان وقت خبر دادند که پسر متولد می‌شود و بساط سلطنت ترا بهم میزند. دستور داد در آن ایامی که منجمین خبر داده بودند نطفه شبچه منعقد می‌شود، هیچ مردی نزدیک همسرش نشود. اما در آن شب به او خبر دادند بالاخره نطفه آن پسر منعقد گردیده است.

لذا در صدد برآمد هر بچه‌ای که پسر متولد شود او را بکشد لذا جاسوسهائی معین کرد که اگر زنی پسر زائید، او را بکشند و قابله‌ها هم ماموریت یافتند گزارش بدهند.

ابراهیم بت شکن متولد می‌شود.

خدای تعالی ابراهیم را در شکم مادر حفظ کرد تا وقتی هنگام وضع حمل شد، قابله‌ای برای کمک آمده بود تا ابراهیم متولد شد، مادرش لرزید قابله پرسید چه بر سرت آمد؟ مادر گریه کرد و گفت پس از نه ماه رنج و زحمت این پسر را می‌کشند.

خداوند دل آن زن قابله را گردانید بقسمی که ترحم کرد و قول داد گزارش ندهد.

تاریخ پدر ابراهیم به مادرش گفت هر چند این زن قابله خبر نداد، اما بودن این پسر در خانه ما خطرناک است.

ابراهیم تنها در غار رشد می‌کند

مادرش گفت او را در کهفی به‌خدا می‌سپارم . بچه را در کوه آورد در غاری گذاشت ، پس از چند روز به‌دیدارش رفت ببیند چه بر سرش آمده‌است . دید ابراهیم انگشت ابهامش را در دهان گذاشته و شیر مینوشد .

بلی همان کس که از پستان مادر شیر میدهد ، از انگشت ابهام نیز میتواند هنگام نبودن اسباب شیر بدهد . ابراهیم را دربرگرفت و شیر داد سپس با یک عالم حسرت ، همانجا او را گذاشت و اطرافش را سنگچین کرد و رفت .

حکومت طاغوتی را سرنگون میکند

بهر حال سنتی که در حضرت قائم (ع) از ابراهیم خلیل است ، خفی بودن ولادت آنجناب میباشد چون خلیفه عباسی کاملاً " در صدد یافتن و از بین بردن آن بزرگوار بود و جاسوسهائی نیز برای خبر گرفتن از آن حضرت معین نموده بود و علتش هم روایاتی که بخد تواتر از پیغمبر (ص) و ائمه (ع) رسیده بود که آقائی ظاهر میشود و طاغوتها را از بین میبرد و حکومت حق و عدل برپا میدارد لذا هر طاغوتی با او درستیز است از همان اول میخواهد نگذارد چنین آقائی پیدا شود همانگونه که نسبت به ابراهیم چنین بود .

سنت موسی غائب شدنش از انظار

اما نسبت به سنت جناب موسی غائب شدنش از میان قومش میباشد که چندین مرتبه واقع گردید .

یکبار از میان قومش بیست و هشت سال غائب شد به قسمی که بنی اسرائیل اصلاً "از حال او خبر نداشتند و جرات نداشتند اسمش را ببرند، در گوشه و کنار، گاهی در بیابان گرد می آمدند و عالمی که داشتند اوصاف موسی را برایشان می خواند و به آنها مژده میداد آن پیغمبری که خدا برای نجاتشان خواهد فرستاد چنین اوصافی دارد.

هنگامی که پس از بیست و هشت سال موسی (ع) در میان قومش پیدا شد^۱ جریان قتل قبطی و نزاعش با دیگری پیش آمد که به او خبر دادند دستگاه حکومتی فرعون در صدد دستگیری تو است، هرچه زودتر فرار کن.

لذا موسی (ع) مجدداً غائب شد و به مدین رفت و ده سال نیز در آنجا ماند و از انظار بنی اسرائیل غائب بود.

فرمایش حضرت مهدی (ع) به شیخ صدوق

شیخ صدوق علیه الرحمه در اول کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه می نویسد: در عالم روایا دیدم به مسجد الحرام مشرف شدم و با حالت احرام طواف خانه^۲ کعبه میکنم، در طواف چهارم چشمم به جمال عظیم المثل حضرت مهدی (ع) روشن شد. حضرت به من فرمود: ای شیخ چرا کتابی درباره^۳ من و غیبت من نمی نویسی تا سبب تقویت قلوب و ایمان مردم گردد؟

عرض کردم کتابهای متعدد درباره^۴ شما نوشته ام.

۱- قال یا موسی ان الملاء یا تمرون بک لیقتلوک فاخرج انی لک من الناصحین
سوره قصص ۲۸، آیه ۲۵.

حضرت فرمود: می‌دانم ولی کتابی بنویس و در آن غیبت انبیای سلف را بیان کن تا مردم بدانند غیبت من تازگی ندارد. لذا شیخ علیه‌الرحمه در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه از غیبت آدم تا حضرت خاتم الانبیاء (ص) را ذکر کرده است که هر پیغمبری مدتی از میان قومش غائب بوده است.

اختلاف مردم در سرنوشت عیسی (ع)

اما سنتی که از حضرت مسیح (ع) در حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه است اختلاف خلق در او است. همانطوری که درباره مسیح اختلاف واقع شد برخی گفتند عیسی را بدار زدند و کشتند، بعضی دیگر گفتند نه چنین است بلکه شبیه او را بدار زدند.^۱ همچنین درباره حضرت مهدی (ع) عده‌ای منکر و کافر شدند و گروهی مؤمن و ثابت ماندند. برخی گفتند اگر مهدی (ع) بود تاکنون پوسیده شده و از بین رفته بود و جمعی گفتند در جنب قدرت حق، پایدار ماندنش شگفتی نیست.

قیام به سیف و استقرار توحید

اما سنتی که از جدش خاتم الانبیاء محمد (ص) دارد این است که پیغمبر اکرم (ص) با قوه الهی قیام کرد و شرک را از شبه جزیره

۱- و حسب قرآن مجید قول دوم صحیح است آنجا که می‌فرماید "وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبه لهم وان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن وما قتلوه يقينا" بل رفعه الله اليه و كان الله عزيزا حكيمًا. "سوره نساء ۴، آیه ۱۵۷ و ۱۵۶.

العرب برد، سیصد و شصت بت را از کعبه کند و همه را نابود ساخت و صدای اشهد ان لا اله الا الله طنین انداز شد. همچنین وقتی مهدی (ع) ظاهر میشود بتدریج شرک را از روی زمین بر میدارد و هر صدای شرک آمیزی خفه میشود، وعده خدا بر جهانگیر شدن اسلام و پیروزیش بر همه ادیان تحقق خواهد یافت.^۱

ناشناس ماندن، همچون یوسف

اما سنتی که از یوسف پیغمبر در مهدی علیه السلام است، ناشناس ماندنش برای مردم است خلق او را می دیدند ولی نمی شناختند برادرانش مدتی با او آمیزش داشتند ولی او را نمیشناختند بر بساطش قدم می گذاشتند و او نیز بر آنها وارد میشد اما کسی او را نمی شناخت.

سالیان متمادی ناشناخته ماند

کنعان جزء فلسطین است و تا مصر در آن روزگار ۱۸ روز مسافت بود که با سرعت میتوانستند نه روزه آن را طی نمایند با این کمی مسافت مع الوصف بیست و هشت سال یوسف در مصر بود و پدر و برادران در کنعان اهالی مصر اصلاً او را نمی شناختند خیال میکردند غلام عزیز است.

از این شگفت تر چند مرتبه آمد و رفت برادران یوسف به مصر و رسیدنشان خدمت یوسف بود که او را نشناختند داستان را قرآن

(۱) هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله .
سوره توبه ۹، آیه ۳۳ و سوره فتح ۴۸، آیه ۲۸.

مجید در سوره^۶ یوسف بیان فرموده است .

یوسف خودش را معرفی کرد

شنیده‌اید هفت سال در مصر باران فراوانی آمد و ارزاق زیاد شد ، یوسف دستور داد گندم‌ها را ذخیره کنند و پس از آن ، هفت سال قحطی شد .

از جمله کسانی که در هفت سال قحطی محتاج به یوسف شدند و به خدمتش آمدند برادرانش بودند نخست "بن یامین" برادر مادری یوسف را نمی‌آوردند بعد که یوسف او را طلبید ، بن یامین را نیز آوردند .

هیچکدام حتی بن یامین ، یوسف را نشناختند تا خودش را به برادر مادریش معرفی کرد .

پس از ماجراهائی ، آنوقت به سایر برادرانش فرمود آید دانستید که با یوسف و برادرش هنگامی که جاهل بودید چه کردید ؟ اینجا بود که ناگهان دانستند خودش یوسف است .^۱

مؤمنین به مهدی (ع) یقین دارند

صدوق می‌فرماید تنها پدرش یعقوب به‌الهام خداوندی می‌دانست که یوسف زنده است اما دیگران باور نمی‌کردند لذا گفت ای فرزندانم بروید و از یوسف جستجو کنید و از رحمت خداوند نومید

۱- قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و اخیه اذا انتم جاهلون قالوا انک لانت یوسف قال انا یوسف وهذا اخى . . . سوره یوسف ۱۲ ، آیه ۸۹ .

نباشید.^۱

حال موعمنین در زمان غیبت حضرت مهدی (ع) نیز چنین است، موعمنین یقین به وجودش دارند مانند یعقوب نسبت به یوسف هرچند او را نمی بینند.

وقتی خداوند بخواهد کسی را از انظار مخفی بدارد برایش کاری ندارد و نظائری نیز دارد.

کافران محمد (ص) را ندیدند

در ضمن تفسیر آیه^۲ شریفه: "و هنگامی که قرآن خواندی قرار دادیم میان تو و کسانی که به آیات ما ایمان نمی آورند حجاب پوشیده شده ای را"^۳ ذکر شده که شبی ابوجهل و رفقایش تصمیم گرفتند به مسجد الحرام بروند و پیغمبر (ص) را از بین ببرند. وقتی که آمدند رسول خدا (ص) را ندیدند، هرچند گشتند او را نیافتند

(۱- قال یا بنی اذهبوا فتحسبوا من یوسف و اخیه و لاتياسوا من روح الله. سوره یوسف ۱۲، آیه ۸۸.

(۱- اینکه که بیست سال از ماجرای خرداد ۵۲ میگذرد، هنوز افراد بسیار هستند که در ماجرای شب ۱۶ خرداد آن سال در کنار منزل شهید آیت الله دستغیب ناظر ماجرای حیرت آوری بودند. با اینکه اطراف منزل محاصره و کماندوهای گارد سلطنتی و جاسوسهای شهربانی آن روز از داخل و خارج فعالیت داشتند، مع الوصف آن شهید بزرگوار را بخانه^۴ همسایه منتقل کردند و همه فهمیدند که چگونه خداوند چشمانشان را از دیدن آن بزرگوار کور فرمود.

از این شگفت تر تا دو روز بعد تا چند طرف خانه های همسایه ها را

با اینکه رسول خدا در مسجد سرگرم خواندن قرآن بود . پس از نزول سورهٔ تبت و هجو ابی لهب و همسرش ذکر شده که حمالة الحطب (همسر ابی لهب) که زن بسیار شریری بود ، با حربهای به سراغ پیغمبر (ص) در خانه رفت با اینکه پیغمبر تشریف داشتند و او هم در همان اطاق وارد شد ، مع الوصف رسول خدا (ص) را ندید و خداوند او را از نظرش پنهان داشت .

وهابیه سید صاحب تفسیر کبیر را ندیدند

در بعضی از تواریخ نوشته‌اند : در سالی که طایفه وهابیه حمله کردند و کربلا را غارت نمودند . سید صاحب تفسیر کبیر در آن زمان مرجع تقلید و بزرگ عراق بود ، می‌خواستند او را بکشند ، بلکه از

بازجویی میکردند ، ولی بسراغ آن خانه نمی‌رفتند .

قضیهٔ دیگر آن شهید در سال ۵۷ و چند ماه پیش از پیروزی انقلاب بود : دستگاه جبار ، منزل آن بزرگوار را محاصره کرده بود درحالیکه لحظاتی قبل از محاصره ، آن بزرگوار از خانه خارج شده بود و هیچکدام از مامورین که اینطور دقیق ایشان را تحت نظر داشتند و چند لحظه قبل او را دیده بودند که وارد خانه شده ، ندیدند .

و باز شگفتی از این عجیبتتر ، مراجعت ایشان در شب جمعه به مسجد جامع است که با ماشین سواری از دروازه قرآن تا درب مسجد از این همه خیابان و حتی بازارچه نزدیک مسجد (منصوریه) گذشتند و هیچیک از مامورین ایشان را ندیدند و آن سخنرانی جالب را در مسجد ایراد کرد درحالیکه مامورین خانه خالی را محاصره کرده بودند .

راستی گراماتش بسیار بود ، روانش شاد باد . بسیاری از گراماتش در یادواره‌اش که اخیراً " منتشر شده است ، ذکر گردیده است .

عداوتی که بهایشان داشتند او را قطعه قطعه کنند.

در آن شرایط حساس سیدبزرگوار زن و بچه‌ها را از خانه بیرون فرستاد و میخواست خودش هم بیرون برود متوجه شد یک بچه شیرخوار در خانه مانده است همینقدر که خواست بچه را با خودش بردارد و برود که وهابیه به خانه ریختند. سید بچه را بغل کرد و در انباری که در آن هیزم جمع آوری می‌کردند، پنهان گردید.

مهاجمین تمام جاها را گشتند و با اینکه چند مرتبه چند نفر به همان انبار آمدند، سید و بچه را ندیدند. از این شگفت‌تر تا وقتی مهاجمین در خانه بودند، بچه شیری اصلاً "صدا نداد.

تا خود امام نخواهد، او را نمی‌شناسند

بهر حال در این روایت امام (ع) میفرماید: مهدی (ع) را می‌بینند اما او را نمی‌شناسند، همچون یوسف صدیق و این سنت از یوسف در حضرت مهدی (ع) است.

متجاوز از یکصد نفر را ذکر کرده‌اند که در حین ملاقات آن حضرت را نشناخته و بعد متوجه شده‌اند که آن آقا امام زمان (ع) بوده است.

از همه واضحتر حکایت حاج علی بغدادی است که در سالهای اخیر واقع شده و مرحوم حاجی نوری در کتاب النجم الثاقب مینویسد: اگر نبود در کتاب ما غیر از این یک روایت و داستان واقعی کافی بود از لحاظ نزدیکی زمان واقعه و دیگر صحت آن کما "وکیفا"

مرحوم حاج شیخ عباس قمی نیز این داستان را در مفاتیح الجنان ذکر فرموده و در اختیار همگان است دقیقاً "بخوانید تا چشمتان روشن شود.

حاجی علی بغدادی حضرت را مشاهده کرد و مدتی با ایشان بود اما چون خود حضرت نخواست، ایشان را شناخت، و راستی آثار صدق و شواهد درستی این جریان برهیچکس پوشیده نیست زیرا اصلاً "داعی کذب در گوینده اش راه ندارد".

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸

مدعیان دروغین در زمان غیبت

مروی است پیش از ظهور حضرت حجة بن الحسن العسکری (ع) شصت نفر از دروغگویان، مدعی مقام نبوت میشوند و یکصد نفر دعوی امامت و مهدویت میکنند و دوازده نفر دعوی نیابت خاصه مینمایند.

لذا برای پیشگیری از فریب خوردن مردم علاوه بر توصیف آن حضرت به اسم و رسم خود و پدرانش و خصوصیات شکل و اندامش، نشانه‌هایی هم برای ظهور آن حضرت ذکر شده که حتماً "باید اهل ایمان بدانند و ما هم قبلاً" یادآوری کردیم و علائم حتمی که مقارن با ظهور آن حضرت است، مختصراً" بیان نمودیم.

نشانه‌های غیرحتمی متعدد است

اینک به بعضی از نشانه‌ها که غیرحتمی است یعنی در روایات تصریح نشده به اینکه از محتومات و مسلمیات است و بدا در آن راه ندارد و شیخ مفید در ارشاد و طبرسی در اعلام و دیگران نیز نقل نموده‌اند.

بعضی از نشانه‌های مربوط به زمان غیبت بطور سربسته هست یعنی مقارن ظهور آنجناب نیست و بیشتر آنها واقع شده نظیر انقراض حکومت بنی‌العباس یا خراب شدن کوفه و فتنه و فساد در بصره و طغیان دجله.

البته شکی نیست هرکس وقت ظهور آن حضرت را معین کند، دروغگو و ملعون است " کذب الوقاتون " اینجا به بعضی از خصوصیات آخرالزمان که در روایات رسیده است اشاره کنم.

میگساری و رباخواری علنی در آخرالزمان

چند گناه است که در روایات ذکر شده در آخرالزمان قبح آن از بین میرود و از آن نهی هم نمیشود.

از آنجمله خرید و فروش شراب و میگساری علنی و عادی است که متأسفانه در این زمان فراوان شده است دیگر ربای علنی است با اینکه در حکم جنگ با خداست^۱ مع الوصف آشکارا اینکار را می‌کنند. بانکها در این دوره بر اساس رباخواری علنی ایجاد شده‌است.

۱- فاذنوا بحرب من الله ورسوله. سوره البقره ۲، آیه ۲۷۹.

از آنجمله غناء است؛ آوازه خوانی و موسیقی است که توسط رادیو در این زمان نیز فراوان و عادی شده است^۱ و از آنجمله زنا و لواط است که در روایتی اینطور تعبیر می فرماید: همچون سگها که نرو ماده به پشت هم سوار میشوند، قبح این عمل از بین میرود،

۱- حتما "خوانندگان عزیز متوجهند که این مطالب و درد دلها مربوط به سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است که تعداد شراب فروشها، از کتابفروشها بیشتر بود و مجالس لهو و فسق و فجور و مراکز فحشاء آزادانه بکار حرام مشغول بودند، رادیو با برنامه هائی گزافی مردم را به انحراف می گشاید. البته در تاریخ این سخنرانیها (بیست و چند سال قبل) هنوز تلویزیون در ایران بکار نیفتاده بود و گر نه از فجایع بیشتر آن نیز سخن میرفت، بانگها به رباخواری علنی و بعضی از صرافها در بازار مسلمین رسماً این حرام را مرتکب میشدند.

اما چقدر خداوند را باید سپاسگزار باشیم که نمردیم و دیدیم که با انقلاب اسلامی به رهبری مرد الهی و فقیه وارسته از هوی و هوس، چگونه رژیم ستم شاهی ساقط شد و احکام اسلامی یکی پس از دیگری پیاده گردید و امیدواریم خداوند بر توفیقات و طول عمر و عافیت رهبر اسلامی ما، حضرت امام خمینی عزیز بیفزاید تا روز به روز جمهوری اسلامی ماهیت واقعی اسلامی خودش را دریابد و احکام مقدس قرآن آنطوری که سزاوار است پیاده شود برآستی آیا آنانکه دم از دیانت میزنند و با این جمهوری ناسازگارند چگونه فکر میکنند؟ آیا میتوانند منکر این اقدامات شایسته شوند؟ آیا فحشا و منکرات علنی گذشته را بهتر می پسندند؟ و در عین حال دعوی دینداری مینمایند...

همچون بهائم ، عمل جنسی برایشان حلال و حرام مطرح نیست .^۱

جنگ سوم جهانی و ذهاب ثلثین

از جمله نشانه‌های ظهور حضرت که قبل از قیام آن حضرت واقع میشود و از آن در روایات بموت احمر یعنی مرگ سرخ تعبیر شده است ، کشتار عجیبی است که عده کثیری از جهانیان از بین میروند و پس از آن بیماری طاعون پیش می‌آید که دو ثلث بشر از بین میروند یعنی اگر در آن روز مثلاً " جمعیت بشر شش میلیارد است ، چهار میلیارد آن از بین میرود و ذهاب ثلثین میگردد .

شاید جنگ سوم جهانی با این اسلحه‌های عجیبی که امروز کشف شده ، بمباتم و هیدرژنی و غیره چنین فجایی را ایجاد کند .

تسلط‌زن‌ها بر امور اجتماعی

از جمله اموری که واقع میشود ، این است که حکومت با زن‌ها می‌شود و زن‌ها مصادر امور میگردند و رای اجتماع بر طبق میل آنها واقع می‌شود .

۱- در سال ۵۶ ماه مبارک رمضان در شیراز طبق معمول هر ساله مراسم جشن فرهنگ و هنر برگزار شد و در خیابانهای شیراز هر شب ضمن برنامه نمایش "خوگها" عمل جنسی را جلو چشم تماشاچیان انجام میدادند و آن شهید بزرگوار از فراز منبر فریادها زد و با اتمام حجتی که کرد ، به این ترتیب اگر امشب اینکار را انجام دادند دستور میدهم مردم بریزند و بساطشان را درهم بریزند و مقامات استان نیز فهمیدند مطلب جدی است ، برنامه را تعطیل کردند . روانش شاد و یادش گرامی باد .

بدیهی است که این مطلب مستلزم چه مفاسدی خواهد بود،
بگذریم.

از علامات حتمی الوقوع (که قبلا "مشروحا" بعضی از آنها
مورد بحث قرار گرفت) نیز یادآوری نمایم.

نماینده مهدی (ع) را می‌کشند

از علامات حتمی الوقوع که پانزده روز قبل از ظهور آن حضرت
است، قتل نفس زکیه بین رکن و مقام است.
حضرت سیدی عابدوزاهد را از طرف خود مامور دعوت مردم
می‌نمایند. وقتی اهالی مکه متوجه میشوند این سید بزرگوار را بین
رکن و مقام (کنار کعبه وسط مسجد الحرام) بقتل میرسانند.

صیحه‌های متعدد آسمانی

از آنجمله صیحه آسمانی است، اصل آن از مسلمیات و از
علائم حتمی است اما کیفیتش:
اولا "یکنفر از افراد بشر باقی نمی‌ماند مگر اینکه این صیحه را
می‌شنود، ثانیا " این صدا مردمان را طوری به‌فزع درمی‌آورد که اگر
خواب است از خواب جستن میکند، اگر نشسته است از وحشت
برمیخیزد.

ثانیا " هرکس به لغت خود آنرا می‌شنود.

چگونگی صیحه بحسب روایات

در کتاب غیبت، شیخ طوسی و صدوق روایات چندی نقل
کرده‌اند. مجملا " آنکه صیحه آسمانی چند مرتبه واقع میشود، در

ماه رجب سه مرتبه از آسمان ندا بلند میشود که بگوش همه میرسد .
ندای اول : **الا لعنة الله على القوم الظالمين** . هرآینه لعنت
خدا بر قوم ستمگرانست .

مرتبه دوم : در همان ماه منادی ندا میکند : **" ازفت الازفة "**
آنچه باید واقع شود شد ، یعنی مهدی (ع) ظهور فرمود .
مرتبه سوم : ندا بلند میشود که مهدی آل محمد (ص) برای
ازبین بردن ستمگران آمد .

ندای دیگر در شب ۲۳ رمضان از بدنی که در قرص آفتاب
نمایان است شنیده میشود و فریاد میزند **" هذا محمد بن العسکری ،**
(ع) " و صریحا " نام مبارک حضرت را میبرد .

لذت منتظران از ندای آسمانی

هرکس در انتظار است ، این ندا برایش مسرت بخش است و
هرچه بیشتر منتظر فرج بود شادتر می گردد .
از سیصد و سیزده نفر نخستین که طبق بعضی از روایات ، از
افراد نخبه روزگارند و شاید بوسیله طی الارض ، خود را در کمترین
فرصتی به آقا میرسانند ، تعدادشان نیز در روایات ذکر شده ، از
شیراز هفت نفر و از طالقان که از همه جا بیشتر است ، بیست و چهار
نفر که از آنان تعبیر به گنج شده است و خلاصه از اطراف و اکناف
قراء و قصبات کم و بیش هستند ، افرادی که این نداها آنان را
بحرکت می آورد .

دعا برای تعجیل ظهور لازم است .

یکی از وظائف شیعیان و دوستداران ، دعاء برای تعجیل در

ظهور آن حضرت است .

نگوئید آنچه مقدر است میشود و در همان وقتی که خداوند مصلحت دانسته ، آنحضرت را ظاهر می فرماید .

مضمون روایتی که از حضرت صادق (ع) در این زمینه رسیده همین است که "خداوند قادر است ظهور آن حضرت را نزدیکتر فرماید" لذا برای تعجیل ظهور آن حضرت دعا کنید و آرزو داشته باشید که در رکابش باشید . خود همین تمنا و آرزو ، عبادت است و انتظار فرج از بزرگترین اطاعتها است .

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه واجعلنا من اعوانه وانصاره
برحمتک یا ارحم الراحمین .

مقاله‌ای از فرزند شهید و پدر شهید

استاد: سید محمد هاشم دستغیب

درباره مهدی موعود (ع)

امامت برترین مقامات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امامت برترین مقامات

مقام امامت از نظر شیعه، برترین مقامات معنوی است که حتی از مقام نبوت نیز والاتر است.

درباره حضرت ابراهیم خلیل الرحمن در قرآن مجید پس از طی همه کمالات و گذشتن از مقام خلیت و نبوت آنگاه خداوند او را برای مردمان امام قرار میدهد^۱.

حضرت ابراهیم پیغمبر بود و امام همانطور که حضرت خاتم الانبیاء (ص) پیغمبر بود و امام یعنی با حفظ مقام تشریع و گرفتن وحی آسمانی و رساندنش به مردم، ولایت کلی الهی و حکومت از طرف

۱- انی جاعلک للناس اماماً". سوره البقره ۲، آیه ۱۱۸.

خدا را نیز دارا بود.

خلیفه خدا بودن و همه کمالات

درباره حضرت آدم^۱ و داود^۲ نیز در قرآن عنوان خلیفه الله را بکار برده است جانشین و نماینده خدا در زمین لوازمی دارد. آنکس که برگزیده الهی و از طرف خداوند برای مردم بعنوان نماینده او تعیین می شود، باید از همه کمالات و صفات حسنه الهی برخوردار باشد تا بتواند مردم را به "منوب عنه" خود یعنی خداوند راهبری نماید؛ بتواند از آنچه خداوند از خزینه بی پایان خودش به او عنایت فرموده است به مردمان ببخشد و تشنگان معرفت حق را از دریای وجود خویش بهره مند سازد.

آنکس را که خداوند بر مردم حکومت میدهد حتما "بخاطر امتیازاتی است که دیگران از آن محرومند نه اینکه تنها به جهت اداره امور مادی مردم باشد زیرا زندگی مادی قطع نظر از معنی از نظر اسلام و حقیقت مطلب، سرابی بیش نیست و به تعبیر قرآن مجید تنها بازیچه و اسباب سرگرمی است^۳ و جز متاع فریب چیزی نیست^۴.

باید معارف را بمردم رساند

پس باید امام جهات معنوی و کمالات مردم را تامین نماید و

۱- انی جاعل فی الارض خلیفه. سوره البقره ۲، آیه ۲۸.

۲- یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض. سوره ص ۳۸، آیه ۲۵.

۳- انما الحیوة الدنیا لعب و لهو. سوره محمد ۴۷، آیه ۳۸.

۴- و ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور. سوره آل عمران ۳، آیه ۱۸۲.

از موقعیتی که خداوند به او عنایت فرموده، یعنی ریاستی که بر همه مردمان به او داده است حداکثر استفاده را برای این غرض اساسی بنماید.

لذا باید خودش از لحاظ معارف و کمالات کاملاً " بهره‌مند باشد و گرنه:

ذات نایافته از هستی بخش

که تواند که شود هستی بخش

خشک ابیری که بود ز آب تهی

ناید از وی صفت آب دهی

امامت به‌ستمگر و گنهگار نمیرسد

از قرآن مجید نیز این معنی استفاده میشود، آنجا که ابراهیم مقام شامخ امامت را برای بعضی از فرزنداناش از خداوند مسئلت مینماید، به او پاسخ میفرماید: "عهد (ولایت و امامت) من به‌ستمگران نمیرسد"^۱. به‌ضمیمه آیه دیگر که شرک را ستم بزرگ می‌نامد^۲، و کسانی را که به آنها کتاب داده شده (اهل کتاب) بر سه دسته تقسیم میفرماید آنان که بخود ستم‌کننده‌اند و کسانی که میانه‌رو میباشند و آنان که به خیرات و نیکیها پیشی گیرندگانند^۳.

۱- قال لا ینال عهدی الظالمین . سورۃ البقره ۲، آیه ۱۱۸ .

۲- یا بنی لا تشرک باللہ ان الشرک لظلم عظیم .

سورۃ لقمان (۳، آیه ۱۲) .

۳- ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم

مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن اللہ . سورۃ فاطر ۳۵، آیه ۲۹ .

پس می فهمیم کسی که مشرک یا گنهگار است، صلاحیت امامت را ندارد و معلوم است گناه ناشی از کمبودها و شهوات و هوسهاست و امام باید از این امور پاک باشد تا بتواند مردم را به خیرات بخواند و از بدیها باز دارد.

حکومت علوی (ع) و امامت حقیقی

نمونه اش در چند سال مختصر حکومت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. با آنهمه گرفتاریهای داخلی که طاغیان و گردنکشان ساعتی آرام نبودند و حکومت حق علوی (ع) را تحمل نمی کردند و مرتبا " برای حضرت زحمت ایجاد میکردند. همانطور که می دانید قسمت معظم این چند سال خلافت را در جنگهای جمل و صفین و نهروان گذرانید، مع الوصف از هر موقعیتی برای ارشاد مردم و راهنمائیشان به خداوند استفاده میفرمود. در هر خطبه ای از اسماء و صفات و افعال حق در ضمن حمد و ثنا و غیر آن بیان می کرد و راستی اگر توصیف این عباد مخلص نبود، چگونه ما به اسماء و صفات و افعال خداوند آشنا می شدیم چون هرکس جزایشان هرچه بگوید زائیده اندیشه ناقص و تصور خامش خواهد بود و خداوند از آنچه گویند پاک و منزّه است جز آنچه بندگان پاک شده خداوند او را توصیف نمایند.^۱

در راس عباد مخلص، علی (ع) است که رشته ای از برکات ولایت و امامتش بنام "نهج البلاغه" این اثر همیشه جاوید چراغ راه پویندگان طریق هدایت و شیفتگان خداشناسی است.

۱- سبحان الله عما یصفون الا عباد الله المخلصین. سوره صافات ۳۷، آیه

ولایت تکوینی در امام معصوم

امتیاز مذهب حقه جعفری و شیعه دوزاده امامی به این است که ولایت تکوینی کلی الهی را در امام معصوم قائل است که از آن به واسطه در فیض تعبیر می شود.

البته این مطلب به دلایل عقلی و استدلالهای حکمتی نیز ثابت شده علاوه بر دلایل نقلی و اخبار و روایات و زیارات رسیده^۱ "بکم رزق الوری و بوجودکم ثبتت الارض والسماء" به برکت ولی اعظم و امام معصوم است که خلایق روزی داده می شوند و به برکت وجود ایشان زمین و آسمان برقرار است.

رب الارض، امام عصر است

در آیه شریفه در سوره زمر می فرماید: "و درخشید زمین به نور پروردگارش..."^۲ چنین رسیده که پروردگار زمین امام عصر میباشد.

اشراق ارض و به تعبیر فارسی درخشیدنش همان حیات و پایداری آن است که به برکت تربیت کننده و اداره کننده اش برقرار است اگر "رب الارض" نباشد، زمین نیز برقرار نخواهد بود.

این مضمون عبارت از همان ولایت کلی الهی است که شرح و

۱- در کتاب "ولایت فقیه" اثر نویسنده و خلاصه بحثهای متعدد در مدرسه علمیه حکیم شیراز این مطالب مشروحا "با استشهاد به آیات و اخبار بیان شده است که انشاءالله در موقع مناسب چاپ و منتشر خواهد شد.

۲- و اشرق الارض بنور ربها - سوره زمر ۳۹، آیه ۶۹.

بسط فراوانی دارد و بطور اجمال گذری بر آثارش مینمائیم .

- تحولات در کره خاک

آنچه جاندار چه موجود نباتی و چه حیوانی است و آنچه از تبدیل جمادات به یکدیگر حاصل میشود تمام از این مادر بزرگ یعنی کره خاک است .

در قرآن مجید میفرماید : از این خاک شما را آفریدیم و بهمین خاک شما را برمی گردانیم و بار دیگر از همین خاک شما را بیرون می آوریم .^۱

همین بدن ما از خاک است از آنچه از زمین میروید بدن انسان و حیوان تشکیل می شود^۲ از روئیدنیهای زمین از آبی که باز از خود زمین است ، چگونه بدن را می آفریند .

از همین خاک چه گیاهها و میوه ها که تحویل انسانها و حیوانها میدهد ، هر ساله میلیاردها تن خاک را تبدیل به میوه های گوناگون با رنگها و مزه های مختلف مینماید .

زمین اختصاص به خاک ندارد بلکه از آب نیز چقدر مخلوقات که پیدا می شود ، این همه ماهی ها و حیوانات دریائی از موجودات ارض است که بمراتب از موجودات خشکی بیشتر است .

این همه برکات ناشی از ولایت تکوینی الهی است همان است

۱- منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخرى . سوره طه ۵۷ .

۲- سبحان الذی خلق الأزواج کلها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لا یعلمون . سوره یس ۳۶ ، آیه ۳۶ .

که در قرآن به اشراق ارض تعبیر شده و اثر وجودی ولی اعظم و امام معصوم در هر زمان است .

همه موجودات برای امام خاضعند

بنابراین ، همه موجودات خواهی نخواهی باید برای ولی خدا خاضع باشند همانطوری که در تاویل آیه شریفه : " و برای او تسلیم است هر کس در آسمانها و زمین است از روی رغبت یا بی میلی " ^۱ رسیده است .

روح کلی الهی که در امام متجلی است همه موجودات را طبق مصلحت کامل اداره می فرماید به قسمی که هیچ موجودی از آنچه برایش خواسته اند نمی تواند سرپیچی نماید و از لحاظ تکوین همه برای امام خاضعند . ^۲

ولایت مهدی (ع) بر همه آشکار می شود

ولایت تکوینی الهی که بر همه خلایق (جز عده ای انگشت شمار) مخفی است در زمان ظهور مهدی موعود (ع) بر همه آشکار می شود و آنوقت است که آنچه با امام معصوم از حول و قوه الهی بود واضح می گردد و شاید تاویل آیه شریفه آخر سوره حم فصلت ، به زمان ظهور آن حضرت به همین مناسبت باشد آنجا که می فرماید " بزودی

۱- و له اسلم من فی السموات والارض طوعا " و کرها . سوره آل عمران ۳ ، آیه ۷۷ .

۲- ان کل من فی السموات والارض الا اتی الرحمن عبدا " . سوره مریم ۱۹ آیه ۹۴ .

نشان‌شان می‌دهیم آیاتمان را در بیرون و در خودشان تا بر ایشان آشکار شود که او حق است" ۱.

با ظهور نور خدا، مهدی آل محمد (ص) بر همه واضح می‌شود که امام، حق است چون راستی به آنان آیات آفاقی و انفسی خداوند نشان داده می‌شود که چگونه ولایت الهی همه جا و همه کس و همه چیز را فراگرفته است و هیچ موجودی از تحت نفوذ مشیت و اقتدارش بیرون نیست.

آشکارکننده آیات انفسی امام است

آری این آیه^۱ شریفه به زمان ظهور مهدی (ع) تاویل شده است اسرار ربوبی که در نفوس بهودیه نهفته شده و از آن به آیات انفسی تعبیر می‌شود آشکارکننده اش جز ولایت امام معصوم چه می‌تواند باشد؟

اصلاً "نفوس جز غیب پروردگار است که کسی را بر آن آگاهی نیست جز هر کس را که خودش خواسته باشد" ۲.

امام از کسانی است که خداوند او را بر علم غیبش آگاه فرموده و به تعبیر قرآن "من ارتضی" است همانگونه که در تفسیر آیه^۳ شریفه از معصوم رسیده است.

وقتی که نفوس را اصلاح فرمود، آیات الهی را در خود افراد

۱- سننهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق .
سوره^۴ فصلت ۴۱، آیه^۵ ۵۳.

۲- عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا "الا من ارتضی من رسول . سوره^۶
ص ۷۲، آیه^۷ ۲۶ و ۲۷.

به آنها فهمانید به برکت اصلاح نفوس آیات آفاقی را نیز می فهمند و ربط و ارتباط همه موجودات را به خداوند آگاه میشوند.

مردگان کافر به ولایت زنده میشوند

راستی که چه برکت است زمان ظهور ولی عصر عجل الله فرجه که زمین مرده در آنروز زنده میگردد.

در تاویل آیه^۱ شریفه "بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده میگرداند"^۱ به زمان ظهور آنحضرت شاید این نکته نهفته باشد زمین که اهلش کافر به امام بودند همان امامی که "رب الارض" است^۲ و در حقیقت چون از ولایت کلی الهی بیخبر بودند از استفاده های معنوی آن محروم بودند که نوعی موت است اما با ظهور حضرت مهدی (ع) و عنایات خداوندی مردم به ولایتش آشنایی شوند و حیات تازه ای می یابند که قبلاً از آن نصیبی نداشتند.

علوم را ظاهر می فرماید

اینجا است که پی به معنی بعضی از روایات می بریم که می فرماید علم را هفتاد و دو جزء است و آنچه تاکنون آشکارکننده یک جزء آنرا تشکیل میدهد و در زمان ظهور، بقیه یعنی هفتاد و یک جزء دیگر به ضمیمه همین یک جزء آشکار میشود.

در آنروز تاویل آیه^۳ شریفه "خدا هر کدام را از (رحمت)

۱- (اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها . سوره حدید ۵۷، آیه ۱۶).

۲- این معنی با تقدیر مضاف (اهل الارض) بخوبی قابل تطبیق میباشد.

واسعه^۱ خودش بی نیاز می فرماید " واقع میشود و همان تعبیری که حضرت باقر (ع) بنا بر آنچه در اصول کافی است، می فرماید " هنگامی که قائم ما قیام میکند خداوند دست لطفش را بر سر بندگان می گذارد و عقلهایشان را کامل می فرماید " .

استعداد نفوس در فراگیری علوم

آری خداوند از معارف و مادیات همه را غنی می فرماید، از علویات و سفلیات آنها را آگاه میکند.

باید نفوس با استعداد پیدا شوند تا ظرفیت تحمل هفتاد و دو جزء علمی که در روایات رسیده داشته باشند تا پیش از قیام حضرت مهدی (ع) آن استعدادی که باید باشد تا بتواند معارف را آنطوری که سزاوار است دریابد و از آیات آفاقی و انفسی الهی آنگونه که هست با خبر شود نبوده است لذا از ویژگیهای آخر الزمان و هنگام ظهور و سلطنت آن وجود گرامی برکات مزبور است.

بیرون آوردن بیست و هفت حرف

در روایتی که قطب راوندی از حضرت صادق علیه السلام در خرایج روایت کرده، امام اینطور تعبیر می فرماید که " علم بیست و هفت حرف است پس جمیع آنچه پیغمبران آوردند دو حرف بوده و مردم تا امروز جز این دو حرف را نشناختند، پس هرگاه قائم ما خروج کرد، بیست و پنج حرف را بیرون می آورد، پس آنها را در میان مردم پراکنده مینماید و آن دو حرف را نیز به آنها ضمیمه

۱- یغن الله کلاً من سعة و کان الله واسعاً " حکیم " . سوره نساء ۴، آیه ۱۳۵.

مینماید و تمام بیست و هفت حرف را پخش مینماید."

آب روان و علوم اهل بیت (ع)

و چه مناسب است اینجا از تأویل آخرین آیه^۱ سوره^۲ ملک سخن رود که "ماء معین" آب روان بر روی زمین به آن حضرت تأویل میشود. بنابراین چه از حضرت باقر علیه السلام رسیده است در آیه^۳ شریفه: "اگر آب شما در زمین فرو رفت، پس کیست که بیاورد برای شما آب روان" ^۱ میفرماید این آیه در قائم ما نازل شده است. خداوند می فرماید: اگر امامتان از شما غائب شد که نمیدانید او در کجاست، پس کیست که برای شما امام آشکاری بیاورد که برایتان اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند عزوجل را بیاورد. آنگاه فرمود تأویل این آیه نیامده و حتماً خواهد آمد. ^۲ و چندین روایت دیگر به همین مضمون در کتابهای مربوطه رسیده است.

چه تشبیه جالبی که آن سرور گرامی را به آب تشبیه فرموده است، آبی که سبب حیات هر جنبنده ای است ^۳ در عالم معنی به علم تفسیر می شود.

حیات مال علم و جهل موت حقیقی است

حیات مادی که از آب پدید می آید کجا و حیات معنوی حقیقی

۱- قل ارايتم ان اصبح ماوكم غورا " فمن ياتيكم بماء معين . سوره^۴ ملک ۶۵ آیه^۵ ۳۵.

۲- اکمال الدين و اتمام النعمه صدوق و غیبت شیخ طوسی .

۳- و جعلنا من الماء كل شيء حي . سوره^۶ انبیاء ۲۱، آیه^۷ ۲۹.

که از نور علم پیدا می شود همان حیات طیبه ای که خداوند در قرآن مجید بیان می کند^۱ آن زندگی پاکیزه ارزشی که دارد با زندگی مادی قبل مقایسه نیست زیرا زندگی مادی با جهل، موت حقیقی است، زندگی حیوانی و طبیعی محدود و مقید و همراه با مزاحمت های بیشمار است که عاقل با فهم، ارزشی برایش قائل نیست. با این شرح، شخصیت والای مهدی موعود (ع) واضحتر می گردد که چقدر برکات معنوی و حقیقی در ظهور آن سرور نهفته است که اساس حیات انسانی و زندگی معنوی مربوط به آن می شود.

علم الکتاب نزد ولیعصر (ع) است

در مقام امام شناسی از آیه^۲ شریفه در آخر سوره^۳ رعد استفاده می شود که میفرماید " بگو بس است خداوند گواه رسالت من و کسی که نزد او دانش کتاب است"^۴.

دونکته در این بخش از آیه^۵ شریفه جلب توجه می کند نخست اهمیت و مقام والای صاحب این دانش است که گواهِش همراه با گواهی خداوند به حساب آمده و با تشبیه به دعواهای خارجی که برای اثبات هر قضیه ای "بینه" یعنی دو شاهد عادل لازم است. رسالت حضرت ختمی مرتبت که مورد دعوی است و کفار آنرا نمی پذیرند دو گواه برای اثبات حقانیتش هست یکی خداوند عز وجل و دیگری کسی که نزد او علم الکتاب است.

پس راستی شخصیت بسیار والاّی است که خداوند با این

۱- فلنحیینه حیوة طیه. سوره النحل ۱۶، آیه ۹۷.

۲- قل کفی بالله شهیدا "بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب. سوره رعد ۱۳، آیه ۴۳.

طرز بیان، او را معرفی فرموده است.

علم کامل به کتاب تکوینی و تشریعی

نکته^۱ دوم عمومیت این علم است و به اصطلاح ال استغراق بر سر کتاب (علم الکتاب) میفهماند که صاحب این دانش به همه^۲ علوم کتاب تکوینی و کتاب تشریعی خداوند آگاه است. به کتاب عالم وجود که همه^۳ موجودات کلمات آن بشمار میروند که اگر بخواهی بشماری و دریاها مرکب باشند بشمار نخواهند آمد^۴ خوب آگاه است.

از کتاب تشریعی، علم دین و احکام حلال و حرام نیز بخوبی اطلاع دارد و چیزی از دستورات شرع از نظرش پنهان نیست.

آصف، دانشی از کتاب داشت

در داستان آصف بن برخیا وزیر سلیمان پیغمبر در قرآن مجید از او تعبیر می فرماید به کسی که نزدش دانشی از کتاب بود^۵ به برکت این دانش، تخت بلقیس را از شهر سبا به شامات آورد، در کمتر از چشم بهمزدنی یعنی اثر این علم چنین قدرتی است. اما نسبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این آیه شریفه چنین بیان می فرماید که نزد او دانش (تمام) کتاب است.

- ۱- قل لو کان البحر مدادا " لکلما ت ربی لنفذ البحر قبل ان تنفذ کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا ". سوره کهف ۱۸، آیه ۱۰۹.
- ۲- و قال الذی عنده علم من الکتاب انا آتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک... سوره نمل ۲۷، آیه ۴۰.

و از روایات نیز که به بعضی اشاره شد، فهمیده میشود که همه ائمه معصومین از این موهبت عظمی برخوردار بودند هر چند زمان استعداد تحویل آنرا ندارد جز در هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) که تمام دانش را در آنوقت آشکار می فرماید.

و در ضمن تفسیر نیز رسیده است که به یکی از هفتاد جزء علم، جناب آصف چنین کاری را کرد و تعبیر به علم به اسم اعظم نیز شده که اسم اعظم هفتاد جزء دارد و آصف به یکی آگاه شد و توانست تخت بلقیس را به چشم بهم زدن بی آورد و تمام آن علم نزد ما است.

سابق بخیرات امامان معصومند

در آیه شریفه‌ای که قبلاً اشاره شد و اهل کتاب را بر سه دسته تقسیم می فرماید "سابق بالخیرات" به ائمه هدی هدی تفسیر و تاویل شده است آنانند که به هر خیری پیشی گیرندگانند چون در ذات و نفس شریفشان جز مبدا و منشاء نیکی نیست لذا هر چه از ایشان ظهور میکند نیکی است.

از اینجا است که قول و فعل ایشان سنت میشود و روش نیکو برای پیروانشان^۱.

بشری که به تعبیر قرآن مجید بسیار ستمگر و بسیار نادان است^۲ چگونه می تواند مستقیماً "به جمیع خیرات و کمالات برسد جز به وسطیت ولی اعظم بدین شرح:

۱- ولقد کان لکم فی رسول اللہ اسوة حسنة. سوره احزاب ۳۳، آیه ۲۰.

۲- انه کان ظلوماً جهولاً. سوره احزاب ۳۴، آیه ۷۲.

قرب کامل در تبعیت از معصوم

شکی نیست که غرض از آفرینش، شناسائی خداوند تبارک و تعالی است و خداوند برای هرچیزی سببی قرار داده است و سنت حضرت احدیت در شناسائی او چنین قرار گرفته که باید با واسطه باشد زیرا:

خداوندی که مجمع جمیع کمالات و مبداء همه برکات و بسیط از هرجهت است، چگونه بشر مادی که اصلش از خاک است و سطح ادراکش درابتداء از حدود مادیات تجاوز نمیکند؛ توانائی شناسائی رب الارباب را دارا است؟!

لذا سنت الهی براین قرار گرفته همانطوری که حکم عقل نیز چنین است و به تجربه نیز این مطلب ثابت گردیده که مقام قرب خداوندی و شناسائی ساحت ربوبی جز با توسل و تبعیت از معصوم میسر نیست.

در قرآن مجید نیز می فرماید " بگو اگر خداوند را دوست میدارید پس مرا اطاعت کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد^۱."

حکومت، رشته مختصری از ولایت

بعضی چنین می پندارند که فایده امام منحصر در حکومت حق و اجزاء احکام الهی در اجتماع است در صورتی که این کار از فقیه جامع الشرائط و رهبر الهی نیز برمی آید و به اصطلاح از شئون ولایت

۱- قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی يحبکم الله . سوره آل عمران ۳،

فقه است.

درحالی که همیشه باید زمین از حجت الهی و معصوم خالی نباشد و آن آقائی که چه حاضر باشد و چه غائی، آثار وجودیش کمی شرح داده شد، برکات دیگری فوق این مطالب دارد نه تنها اگر حکومت را به دست بگیرد مشکلات مردم را حل میکند بلکه معارف الهی و آشنائی به اسماء و صفات و افعال خداوند را عهده دار است.

دلال بندگان بسوی خدا

درحقیقت امام معصوم پست دلالی بسوی خدا را برای بندگان ایفاء مینماید و قرب کامل و ایمان تام و رسیدن به مقصد والا بتوسط آن بزرگوار میسر می شود هنگامی که ظاهر باشد و دسترسی به او آسان، البته بهره برداری زیاده تر می شود.

آن سروری که خلیفه خدا در زمین است و به اسرار ربوبی کاملاً آشنا، اسامی تکوینی حق را آگاه بوده و از اهلیت کامل برخوردار است، میتواند رنجهای طالبین را کم فرموده و با نظر کیمیا اثرش، مس وجود را طلا کند و از خرمن پرفیضش به خوشه چینان بذل لطف سرشار بفرماید و این خود برکتی فوق العاده است که اهلش می فهمند از بالاترین نعمتهای معنوی خداوند است.

همه موجودات از امام بهره میبرند

در محل خودش از روی استدلال ثابت شده که خلایق نمی توانند مستقیماً از خداوند جل و علی بهره گیرند و در ادامه هستی و بهره برداریهایشان از شئون هستی نیاز به واسطه دارند که آن امام معصوم است.

در زیارت جامعه کبیره به این مضمون اشاره شد و میفرماید:
 " بکم یمسک السماء " به برکت شما است که خداوند آسمان را نگه
 داشته است " بکم ينزل الغيث " به برکت شما باران را فرو میفرستد:
 " بکم فتح الله و بکم یختم " به برکت شما خداوند شروع می فرماید و
 پایان می بخشد یعنی تمام اموری که فعل خداوند است ، واسطه در
 انجامش شما هستید .

به سوی خداوند واسطه بگیرید

در قرآن مجید نیز به ما ستور فرموده است که به درگاه خداوند
 واسطه بگیرید^۱ و یکی از حکمتها و علت های شفاعت اظهار شرف و
 فضیلت شفیع است ، خداوند چنین مقدر فرموده است که امام معصوم
 علیه السلام واسطه در فیض باشد در همه^۲ شئون و همه^۳ مراحل، چه
 جهات مادی و چه در جنبه های معنوی و برکات حقیقی .

معلم خداست اما با واسطه

از شئون حجت خدا تعلیم است که در قرآن مجید برنامہ^۴
 اساسی پیغمبر را در تزکیه و تعلیم معرفی میفرماید^۵ و آیند و جنبه
 پس از پیغمبر به امام معصوم میرسد و در زمان غیبت نیز به ولی فقیه
 و رهبر موکول میباشد .

با اینکه بدون شک ، معلم خداست و تعلیم فعل حق است اما

۱- (و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ . سورة مائدة ۵ ، آیه ۳۵ .

۲- لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا " من انفسهم يتلو عليهم

آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب والحكمة . سورة آل عمران ۳ ، آیه ۱۶۴ .

کی استعداد آنرا دارد که بتواند بلاواسطه از فعل خداوند بهره ببرد؟ جز حجت خدا که پاک شده خدائی است و استعداد دریافت فیض ویژه از او دارد. کی میتواند چنین بهره‌ای داشته باشد؟ راستی که ظرفیت فوق تصویری می‌خواهد که منحصرًا "معصومین از چنین موهبتی برخوردارند.

بحکم عقل وجود امام لازم است

با این مقدمات مسلم میشود که چون دستگاه آفرینش بیهوده خلق نشده^۱ و برای مقصد والائی که آشنائی بحق است آفریده شده و معلم و دلال بندگان بسوی حق نیز امام معصوم است بحکم قطعی و حسب وجدان شخص سالم و بیغرض، برخداوند حتم است که چنین فردی را در میان بشر در هر دوره بیافریند تا نقض غرض نشود. مردم را به اسماء و صفات و افعال خداوند راهنمایی نماید راه سعادتشان را به آنها بنماید.

اسم اعظم نکوینی، امام است

اللهم انی اسئلك من اسمائك باکبرها و کل اسمائك کبیره
اللهم انی اسئلك باسمائك کلها. (دعای جوشن کبیر).
خدایا من از تو می‌خواهم از نامهایت بحق بزرگترین آنها و همه نامهای تو بزرگست، خدایا من از تو می‌خواهم بحق همه نامهایت.

اسم تنها و قطع نظر از مسمی چیست؟ تا چه رسد به اینکه

۱- افحسبتم انما خلقناکم عبثا. سوره مؤء من ۲۳، آیه ۱۱۵.

بزرگتر یا کوچکتری داشته باشد هر ارزشی برای اسم است از جهت مسمی و صاحب آن اسم میباشد.

از جهت مسمی نیز هر اسمی با دیگری فرقی ندارد^۱ و اسم در صاحبش محو است و ملاحظه (بطور استقلالی) نمیشود لذا همه اسماء کبیرند (وکل اسماء کبیره) اما از جهت اسمیت که تا چه اندازه بتواند صاحبش را نشان بدهد متفاوتند لذا اکبر بودن اینجا قابل تصور است.

هر اسم تکوینی یک یاد و یا چند جهت از مسمی را نشان میدهد اما آن اسم پسندیده الهی که وجه تابناک خداوندی است^۲ آن دست دهنده خدا و گوش شنوا و چشم بینای خدا^۳ آن آقائی که نعمت خدا برای خوبان و عذاب خدا برای بدان است^۴ همه جهات را میتواند نشان بدهد لذا اسم اعظم حقیقی اوست.^۵ همان کلمات تامه خداوندی که در دعاها به آنها پناه میبریم. دیگران کلمات خدایند اما ایشان کلمات تامه اند.

۱- قل ادعوا الله وادعوا الرحمن ایا " ماتدعوا فله الاسماء الحسنی. سورة اسراء ۱۷، آیه ۱۱۵.

۲- السلام علی اسم الله الرضی و وجهه المضیی و جنبه العلی. زیارت ششم حضرت امیر (ع).

۳- السلام علیک یا عین الله الناظرة ویده الباسطة و اذنه الواعیه و حکمته البالغه و نقمته الدامغه...

۴- السلام علی نعمة الله علی الابرار و نقمته علی الفجار.

۵- در ضمن بحثهای اصول عقائد نویسنده که بخش توحید آن بنام آشنائی با مبدا، آماده چاپ است مطالب جالبی درباره اسم تکوینی و مسمی و همچنین کلمات تامه مشروحا ذکر شده است لذا اینجا به اشاره اکتفا گردید.

احاطه^۱ امام، نمودار احاطه^۱ خداست.

علم و قدرت حق همه^۱ عالم را فراگرفته است^۱ و مظهر اسم محیط در خارج امام معصوم است که راستی علم و قدرتش بر همه^۱ موجودات احاطه دارد.

هر نفسی از نفوس بشر به هراقتداری که باشد محاط آن بزرگوار است و هیچکس جز خدا بر آن سرور احاطه ندارد.

نمونه‌ای از احاطه^۱ علمی و قدرتی حق تعالی بر همه^۱ موجودات است بلکه عین همانست زیرا که امام از خودش چیزی ندارد و عبد مملوک خداست و همه چیز به عنایت خداوندی دارد.^۲

مقام جمع الجمع در امام معصوم

در عین اینکه بر جمیع نفوس احاطه دارد و با افراد کم استعداد وضعیف از حیث ادراکات، نشست و برخاست و گفتگو دارد و حاجت هایشان را برمی آورد، آنان را به مسائل مورد نیازشان آشنا میسازد اما دلش از یاد حق باز نمی دارد و او را سرگرم نمی سازند. با اینکه تمام اقتدار را داراست، میداند از خودش هیچ ندارد و به اصطلاح مقام ذاتی خودش را فراموش نمی کند. با قدرتی که خدا به او در تصرف در نفوس داده که برایش تمام

۱- لتعلموا ان الله على كل شئی قدير وان الله قد احاط بكل شئی علما "سوره طلاق ۶۵، آیه ۱۲.

۲- در بحثهای "ولایت" نویسنده، یکی بودن ولایت خدا و امام و روح مشروحا^۱ بیان شده است.

امور سهل و آسان است اما مقهور خدا بودنش نصب العینش میباشد و به تعبیر دیگر فنائی که نصیب حضرتش شده است دیگران از آن مقام محرومند.

آب معرفت را به تشنگان میرساند

یکی از حکمت‌های امامت آن است که به برکت وجود امام که در بین مردم است و به حسب صورت؛ بشر و به حسب واقع و حقیقت، نور خداست. تشنگان معرفت حضرت احدیت را به آب علم سیراب نماید و به برکت حضورش استقرار و اطمینان خاطر طالبین محبت خدا برایشان حاصل گردد و سیر تکامل به درک محضرش به آسانی فراهم شود و خلاصه زحمات فوق العاده، سلوک راه حق به برکت انفاس قدسش کم شود و دانشجویان مکتب خداشناسی را از مدرسه ابتدائی به مکتب انتهائی برساند.

نشان دهنده همه آیات الهی

همان آقائی که توانائی نشان دادن همه آیات الهی، چه آفاقی و چه انفسی را دارد. آیات بی پایان خدا را چه کسی جز امام معصوم میتواند نشان بدهد؟

در آیه شریفه "سنریهم آیاتنا..." که گذشت، گفتیم که حضرت صادق (ع) تاویل آنرا به زمان ظهور حضرت مهدی (ع) میداند. بنابراین مربوط به همین دنیا و پیش از قیام قیامت است و مانعی ندارد که در قیامت نیز باشد اما بحسب این روایت است که "یتبین" را بحق بودن آن حضرت تفسیر می فرماید، خوب واضح میگردد که نشان دادن آیات الهی به مردمان در زمان امام عصر (ع)

است.

قدرت فوق طبیعی را بکار میبرد

قدرت خدائی که همراه مهدی علیه السلام است همان قدرت فوق طبیعی که سایر امامان از خداوند اجازه به کاربردنش را "جز در موارد اندکی" نداشتند آن حضرت بکار می برد.

سایر ائمه مأذون نبودند که قدرت ولایتشان را بکار ببرند و بان نیروی الهی بر طاغیان زمانشان مسلط گردند اما حضرت مهدی (ع) با بکاربردن آن نیروی الهی جلو طغیان طاغوتها و سرکشی متمرّدین را می گیرد. البته کسی را مجبور به اطاعت از خودش نمی فرماید بلکه مردم با کمال شوق طاعتش را بر جان می خرند و فرمانش را گردن می نهند لذا تنها مزاحمها و خار سر راه اسلام و مسلمین را از میان بر میدارد.

قدرت موسی در عصا برای آنحضرت است

آن توانائی که در عصای موسی بود که توانست فرعون و دستگاهش را ساقط کند، به واسطه قرب جناب موسی به خداوند بود که عصا وید و بیضاء و خلاصه آیات نهگانه^۱ بر دستش جاری گردید^۲ همان قربی که نتیجه علم به پروردگارش میباشد.

آن قرب به نحو اتم و اکمل در حضرت مهدی (ع) موجود است

۱- ولقد آتینا موسی تسع آیات بینات. سوره اسراء ۱۷، آیه ۱۱۰.

۲- در تفسیر سوره شریفه قمر بنام "حقائق از قرآن" در ضمن داستان گذشتگان آیات نهگانه موسی را مشروحا "شهید آیت الله دستغیب شرح داده اند.

و قدرت نمائی که بر دست آن بزرگوار آشکار میشود تا آن زمان
بیسابقه و بینظیر خواهد بود.

در روایت از نیروی بدنی آن حضرت اینطور تعبیر می‌فرماید
که قوه مهدی (ع) برابر با قوهٔ چهل پیغمبر است،
رشته‌ای از قوه‌ای که با آن حضرت است در بدن شریفش تجلی
میکند و کاری که از چهل پیغمبر می‌آید از آن حضرت به تنهایی بیشتر
و بالاتر از آن می‌آید.

آرزوی اولیای خدا برآورده میشود

آرزوی همهٔ اولیاء و دوستان خدا این بود و خواهد بود که
همهٔ مردمان اهل صلاح شوند، همه موحد و خداپرست گردند، آنچه
خداوند به خودشان عنایت فرموده از ایمان و کمالات فاضله برای
دیگران نیز میخواستند و آرزو داشتند بتوانند خودشان به مردم
بفهمانند و این نعمتها را برسانند.

اما تقدیر الهی چنین است که این آرزوی دیرینه اولیاء به دست
مهدی (ع) و در زمان ظهور حضرتش برآورده گردد.

در زمان ظهور تنها فریادری از مستضعفین و مرتب کردن
وضع اقتصادی و نظام اجتماعی و ترفیع فقراء نیست بلکه همه را
در علوم عالیہ شرکت میدهد و به حسب استعداد و لیاقت افراد از
نعمت جمال و جلال خداوندی بهره می‌رساند.

حقیقت توحید را در ولایت بجوئیم

فضیلت‌های فوق العاده‌ای برای گفتن لا اله الا الله مخلصا
رسیده که البته گفتن تنها نیست بلکه محقق شدن به این جمله ذکر

شریف است که قلعه محکم الهی است و هرکس در آن درآید از هر خطر و زیانی میرهد.^۱

همانطور که از حدیث شریف سلسله "الذهب" از فرمایش حضرت رضا (ع) استفاده میشود که فرمود به شروط آن که من از جمله شرائط آن میباشم.

چنین استفاده می شود که حقیقت کلمه "اخلاص لا اله الا الله" در ولایت و تمسک و اعتصام جستن به حضرت مهدی (ع) است بلکه حقیقت توحید در کلمه "اخلاص ولی اعظم نهفته است."

توحید خیالی در غیر ولایت

روش حضرت احدیت براین قرار گرفته که توحید خالص و خداشناسی حقیقی و آشنائی به اسماء و صفات و افعالش از طریق ولایت اولیاء عظامش باشد لذا هر ادعای توحید از غیر این راه، یا توهم و تخیل است یا بروز بعضی از قوای نفس و چه بسا فرسنگها با توحید حقیقی فاصله دارد.

البته درک حقیقت "لا اله الا الله" و "لا حول ولا قوة الا بالله" و متحقق به آن شدن منظور است که اهلیتش در افراد منوط و مربوط به ربط با حضرت صاحب الامر (ع) میباشد و باید از چشمه ولایت جاری گردد. برای استدلال این معنی به شرح زیر توجه فرمائید:

۱- کلمه "لا اله الا الله" حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی. عیون اخبار الرضا (ع).

وجه خدا که اولیاء به آن متوجهند

وجه الله مطلق که از هر جهت آینه خدا نما است، در این زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که در دعاء ندبه می-خوانیم " این وجه الله الذی الیه یتوجه الاولیاء " کجاست آن روی خدا که به سوی او دوستان رو می آورند.

آشنائی با خدا بدون آشنائی با وجه مطلق او که میسر نمیشود و هر کس از غیر این راه وارد شود، ناچار وجهی برای خودش می-تراشد که از آن به توحید خیالی تعبیر می گردد.

اما آنان که به وجه الله حقیقی و کامل که امام عصر ارواحنا فداه باشد متوجه میشوند و از روح شریفش در خداشناسی مدد می گیرند با توحید حقیقی آشنا شده و نه تنها در این نشئه بلکه در نشئات بعد از ادراکات فوق العاده ای که دیگران محرومند بهره مند میشوند.

جمهوری اسلامی و ولایت فقیه

از جمله شئون امامت، حکومت بر مردم و رتق و فتق امور و مصالح اجتماعی است که قابل نیابت است که قابل نیابت است و همانگونه که در محل خودش با ادله متعدد ثابت شده، در زمان غیبت، این امر به ولی فقیه با شرائط رهبری واگذار شده است و وظیفه ای است که از عهده دیگران یعنی غیر امام معصوم نیز می آید هر چند آنچه تاکنون از برکات و بهره های امام بیان شد، منحصر به خود آنجناب میباشد.

شکر خدای را که حکومت نایب عام حضرت مهدی (ع) یعنی امام خمینی مد ظله العالی را درک کردیم و آنچه باور نمی کردیم یا

به سختی باور می‌کردیم به چشم دیدیم و حکومت حق را درک نمودیم.

نایب الامام را دریابید

باید عاقلانه تربیندیشیم و شکر نعمت جمهوری اسلامی را بکنیم تا خدا نعمتش را بمایفزاید. چنین رهبر الهی که که امتحان خودش را داده است، از هوی و هوس رسته و جلو فسق و فجور ایستاده، با او همکاری کنیم، نه با القاء بعضی شبهات واهی، باعث تشویش و انحراف بیخبران گردیم.

امربه معروف ونهی از منکر در امور اجتماعی بستگی به تشکیل حکومت و تقویت مقام رهبری است، همانکه در توقیع مبارک امام زمان (ع) اشاره فرموده است.

حوادث واقعه، موضوعات خارجی است

در توقیع شریف می‌نویسد: حوادث واقعه را به فقیه عادل مراجعه کنید آیا حوادث مسالهٔ نماز و روزه تنها است در حالیکه سالیان دراز درباره‌اش بحث شده و از رؤس مطالبش چیزی فروگذار نشده است.

بلکه حوادث واقعه سیاست روز و مسائل اجتماعی مخصوصاً "آنهائی که تازه پیدا میشود و به‌ویژه از کلمهٔ حادثه و تعبیر به حوادث یعنی چیزهائی که نبوده و پیدا می‌شود این مطلب درمی‌آید. پس برعکس استفاده بعضی‌ها باید مردم را به احکام اسلام آشنا کرد تا خودشان به شوق خواهان حکومت مهدی (ع) گردند.

حکومت دین با زور نمی شود

قرآن مجید صریحا " می فرماید " لا اکراه فی الدین " بهیچوجه در دین اکراه نیست یعنی نمیشود کسی را به زور عقیده مند کرد . و این آیه هم نسخ نشده و تخصیص هم نخورده است که مثلا " در زمان حضرت مهدی (ع) استثناء است و در آن زمان مردم را به زور دیندار میکنند بلکه ظاهر لاء نفی جنس در " لا اکراه " چنین است که اصلا " اکراه در دین غیر ممکن است . و حق هم همین است زیرا عقیده قلبی هر کس قابل تحمیل نیست که به زور او را معتقد سازند هر چند به زبان میشود طرف را مجبور کرد چیزی بگوید اقرار و اعتراف نماید اما چطور می شود گواهی دلش را نیز تأمین نمایند .

پس مردم خودشان میخواهند

از آنچه گذشت رویهمرفته اینطور نتیجه می گیریم : قرآن مجید از آخر الزمان و ظهور مهدی (ع) اینطور خبر میدهد که بندگان صالح وارث زمین هستند و اخبار نیز میگویند جز گوینده شهادتین و موحد از طرف دیگر دین قابل تحمیل نیست که اگر کسی عقیده مند نشد ، او را از پای در آورند و منافق نیز عبد صالح نیست که بگوئیم بهمین اظهار ایمانش هر چند نفاق داشته باشد قناعت می کنیم چون خداوند خبر از وارثین زمین که عباد صالحند میدهد .

ناچاریم بپذیریم همانطور که از حضرت باقر (ع) روایتش گذشت ، با تکمیل عقول و نظر لطف الهی مردم خودشان می فهمند و طالب حکومت حق و عدل مهدی (ع) میگردند .

لذا باید با تقویت جمهوری اسلامی و پیاده کردن احکام اسلام ، مردم جهان را کم و بیش به این حقیقت آشنا سازیم و زمینه ساز عدل

مهدی (ع) باشیم .

تحول عجیب در انقلاب اسلامی ایران

نمونه^۱ کوچکش را در همین انقلاب اسلامی ایران دیدیم که چگونه بارقه^۲ لطف الهی جستن کرد و حال افراد این ملت را دگرگون ساخت .

از برکات وجودی نایب بحق حضرت مهدی (ع) امام خمینی مد ظله العالی چگونه افکار عوض شد، ایده‌ها و هدفها تغییر کرد .
ملتی که تا دیروز جز امور رفاهی و زندگی مادی هدفی نداشت،
یکمرتبه تحول عمیقی پیدا کرد و جمهوری اسلامی هدفش شد و پیاده
کردن احکام اسلام آرزویش .

جوانهائی که تا دیروز جز خوشگذرانی و شهوترانی چیزی
درک نمیکردند، امروز شهادت را سعادت می بینند و جبهه‌های حق
علیه باطل را اداره می نمایند .

ملتی که دیروز اینقدر طالب مال بود که برای پول حاضر بود
دست به هرکاری بزند، امروز اینطور با بذل مال پشتیبان جبهه‌ها
است .

آیات آفاقی و انفسی در انقلاب

شهید سعید آیت الله دستغیب در ضمن خطبه‌هایش، انقلاب
اسلامی ایران را از آیات آفاقی و انفسی خداوند میخواند^۱ و این

۱- خطبه‌های جمعه شهید آیت الله دستغیب، جلد اولش هم‌اکنون آماده^۲
انتشار است و این مطلب در همین خطبه‌های منتشر شده میباشد .

تحول و دگرگونی را جز خواست خداوندی برایش سببی نمیدانست و بحق هم چنین است زیرا با اسباب عادی بهیچوجه جور در نمی آید همانطوری که تالیف قلوب مسلمین را در صدر اسلام، خداوند فعل خاص خودش می‌شمارد.^۱

به هر حال سخن در این زمینه بسیار است و بجای دیگری موکول میشود^۱ خداوند طول عمر و عافیت رهبرانقلاب اسلامی، امام خمینی را مستدام بدار و موفقش گردان این جمهوری را به صاحبش حضرت امام مهدی (عج) بسپارد.

پایان

۱- لو انفقت ما فی الارض جمیعاً " ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم
سوره انفال ۸، آیه ۵۶.

۲- بحثهای ولایت فقیه در مدرسه علمیه حکیم جمع آوری و آماده چاپ
میشود. این قسم مطالب مشروحا " در آن جزوه آمده.